

احکام حیض

مسألة ۴۰۹- حیض خونی است که پس از نه سال تمام تا پنجاه سالگی غالباً چند روز در هر ماه از رحم زن بیرون می‌آید و حداقل آن سه روز و حداکثر آن ده روز است. زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

م ۴۱۰- خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ یا مایل به سیاهی است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

م ۴۱۱- زنان پس از تمام شدن پنجاه سال قمری (معادل ۴۸ سال شمسی و شش ماه) یائسه می‌شوند. مگر قرشیه باشند که بعد از تمام شدن شصت سال قمری (۵۸ سال شمسی و ۷۸ روز) یائسه می‌شوند. اگر زنی پس از رسیدن به این سن خون ببیند، استحاضه است.

م ۴۱۲- خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال قمری (۹۸ روز کمتر از ۹ سال شمسی) ببیند حکم حیض ندارد. هر چند وصف حیض داشته باشد. اگر نداند نه سالش تمام شده یا نه، چنانچه نشانه حیض ندارد حیض نیست. و اگر نشانه حیض دارد حیض است و معلوم می‌شود نه سال او تمام شده است.

م ۴۱۳- زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

م ۴۱۴- سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد. پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک

روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست. البته لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر داخل فرج خون باشد، کافی است.

م ۴۱۵- محاسبه شب اول و شب چهارم در سه روز لازم نیست. ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود. پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون ببیند یا از وسط روز اول تا همان موقع از روز چهارم ادامه یابد، حیض است.

م ۴۱۶- زنی که سه روز پشت سر هم با نشانه‌های حیض خون ببیند و پاک شود و دوباره خون ببیند، اگر مجموع روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود باید هر دو طرف را حیض قرار دهد و پاکی وسط حکم حیض ندارد. هر چند احتیاط به ترک محرمات حائض و انجام واجبات طاهر مطلوب است.

م ۴۱۷- اگر زنی کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود، سپس سه روز یا بیشتر با صفات حیض خون ببیند، خون اول استحاضه و خون دوم حیض است.

م ۴۱۸- اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون زخم است یا حیض، چنانچه در ایام عادت باشد، باید آن را حیض قرار دهد. ولی اگر در ایام عادت نباشد، ملاک حالت سابقه او است. اگر حالت سابقه خود را نمی‌داند باید احتیاط کند. به این ترتیب که آنچه بر حائض حرام است ترک کند و عبادات واجب را به جا آورد. در صورت مراجعه به پزشک متدین، تشخیص او حجت است.

م ۴۱۹- اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

م ۴۲۰- اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند. اگر اطراف پنبه آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده حیض می‌باشد.

م ۴۲۱- زن باردار و زن شیرده ممکن است حیض شوند.

م ۴۲۲- اگر رحم زنی را با جراحی بردارند، چنانچه پس از آن خون ببیند باید آن را خون زخم و جراحی قرار دهد. اما اگر یائسه نباشد و خون اوصاف حیض داشته باشد. بنابر احتیاط حکم حیض دارد. به‌ویژه اگر جراحی و برداشتن رحم در حال حیض صورت گرفته باشد و اگر یائسه باشد بنابر احتیاط استحاضه قرار دهد.

احکام حائض

م ۴۲۳- چند چیز بر حائض حرام است:

(۱) هر عبادتی که طهارت در آن شرط است مانند نماز و روزه و طواف.

(۲) تمام چیزهایی که بر جنب حرام است.

(۳) آمیزش جنسی.

م ۴۲۴- در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست، ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد - مانند زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید ایام عادت خویشان خود را ملاک قرار دهد- آمیزش جنسی حرام است.

م ۴۲۵- اگر مرد در حال حیض همسر با او نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد. به این ترتیب که دوره عادت زن به سه قسمت تقسیم شود و در ثلث اول، یک مثقال طلا (۱۸ نخود)، در ثلث دوم، نیم مثقال، در ثلث سوم یک چهارم مثقال کفاره بدهد.

م ۴۲۶- و طی در دبر حائض و ملاعبه با او کراهت دارد، ولی کفاره ندارد.

م ۴۲۷- اگر کسی بخواهد قیمت طلا را به عنوان کفاره بدهد، باید به قیمت روز محاسبه و پرداخت کند.

م ۴۲۸- اگر کسی در هر سه قسمت حیض، با زن خود نزدیکی کند، باید هر سه کفاره (جمعاً ۳۱/۵ نخود) را بدهد. اگر چند نوبت تکرار شود، برای هر بار باید کفاره بدهد.

م ۴۲۹- اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

م ۴۳۰- اگر مرد با زن حائض زنا کند یا به گمان این که همسر خود او است جماع نماید، باید کفاره بدهد.

م ۴۳۱- کسی که نمی‌تواند کفاره معین را بدهد، بنا بر احتیاط واجب به هر مقدار می‌تواند صدقه بدهد. اگر نمی‌تواند، استغفار کند.

م ۴۳۲- طلاق دادن زن در حال حیض، باطل است. شرط صحت طلاق، پاکی از حیض است، هر چند غسل نکرده باشد.

م ۴۳۳- اگر زن بگوید پاک هستم یا حیض شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد.

م ۴۳۴- اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است. ولی اگر شک کند حائض شده یا نه، نمازش صحیح است.

م ۴۳۵- پس از پاکی از حیض بر زن واجب است برای انجام عباداتی که طهارت در آن شرط است، غسل کند. غسل حیض مانند غسل جنابت است، برای نماز بنا بر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد.

م ۴۳۶- آمیزش جنسی پس از قطع خون حیض و پیش از غسل جایز است، هر چند احتیاط در ترک است. ولی کارهای دیگر مانند مسّ خط قرآن و اسم خداوند و توقف در مسجد بدون غسل جائز نیست.

م ۴۳۷- اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد، چنانچه به اندازه غسل باشد، باید غسل کند و بنا بر احتیاط مستحب بدل از وضو، تیمّم نماید. اگر فقط برای وضو کافی باشد باید وضو بگیرد و عوض غسل، تیمّم نماید. اگر برای هیچکدام کافی نیست، باید دو تیمّم یکی بدل از غسل و دیگری احتیاطاً بدل از وضو بگیرد.

م ۴۳۸- نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه واجب را باید قضا نماید.

م ۴۳۹- هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند. چنانچه تأخیر بیندازد و فرصت به اندازه انجام واجبات نماز برحسب حال خود و تهیه مقدمات لازم بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است.

م ۴۴۰- اگر زن در آخر وقت نماز پاک شود و به اندازه غسل و خواندن یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را به جا آورد.

م ۴۴۱- اگر حائض پس از پاک شدن به اندازه غسل وقت نداشته باشد، ولی به اندازه تیمّم و نماز وقت دارد، بنا بر احتیاط واجب باید تیمّم بگیرد و نماز بخواند.

م ۴۴۲- اگر زن پس از پاک شدن شک کند برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند. اگر به گمان این که وقت ندارد نماز نخواند، و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن را به جا آورد.

م ۴۴۳- مستحب است حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید، نوار بهداشتی را

عوض کند، وضو بگیرد، رو به قبله بنشیند و به ذکر و دعا و صلوات مشغول شود.
م ۴۴۴- همراه داشتن قرآن، خواندن آن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و ما بین خطوط قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و رنگ کردن مو برای حائض مکروه است.

اقسام زنان حائض

م ۴۴۵- زن حائض یا عادت دارد یا ندارد. صاحب عادت زنی است که خون دیدن او حداقل در دو نوبت متوالی به لحاظ وقت یا عدد یا هر دو یکسان باشد و بر سه قسم است:
 (۱) صاحب عادت وقتیه و عددیه، (۲) صاحب عادت وقتیه،
 (۳) صاحب عادت عددیه.
 زنی که عادت ندارد نیز سه قسم است: (۱) مضطربه (۲) متبدئه (۳) ناسیه.
 در مجموع زنان حائض شش گروه هستند و هر کدام احکامی مخصوص دارند.

گروه اول: صاحب عادت وقتیه و عددیه:

م ۴۴۶- کسی که در دو ماه متوالی در وقت معین و به تعداد معین خون ببیند. مثل زنی که روز سوم ماه به مدت هفت روز خون ببیند و روز دهم پاک شود و در ماه بعد نیز به همان ترتیب هفت روز از سوم تا دهم خون ببیند. چنین کسی به محض خون دیدن در عادت حائض است هر چند صفات خون حیض نباشد.

م ۴۴۷- زنی که در طول ماه از خون پاک نمی شود، ولی دو ماه متوالی چند روز معین (از سوم تا دهم) خونی با نشانه های حیض می بیند و در بقیه روزها نشانه های استحاضه دارد، باید همان هفت روز معین را عادت قرار دهد.

م ۴۴۸- زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و پاک شود و دوباره خون حیض ببیند، تمام مدت که خون دیده و در بین پاک بوده، اگر از ده روز بیشتر نشود عادت او خواهد بود.

م ۴۴۹- زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر دو سه روز جلوتر یا عقب تر خون ببیند، به طوری که عرفا بگویند عادت را جلو یا عقب انداخته، باید به احکام حائض عمل کند. اگر چه

آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده- مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود- باید عبادتهائی را که به جا نیاورده قضا نماید.

م ۴۵۰- این گروه اگر علاوه بر ایام عادت، چند روز پیش از آن یا پس از آن، یا هم قبل و هم بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خون ایام عادت حیض است و خون پیش از آن و بعد از آن استحاضه می‌باشد و باید عبادتهائی را که در روزهای قبل و بعد از عادت ترک کرده قضا نماید.

م ۴۵۱- اگر زنی چند روز از ایام عادت با چند روز پیش از آن یا پس از آن با نشانه‌های حیض خون ببیند که عرفاً بگویند عادتش جلو یا عقب افتاده، در صورتی که روی هم از ده روز بیشتر نشود همه حیض است. در صورتی که بیش از ده روز بشود، باید چند روز عادت را با چند روز متصل به عادت (قبل یا بعد) را که مجموعاً به اندازه ایام عادت بشود حیض قرار دهد و روزهای قبل از آن یا بعد از آن که مازاد بر ایام عادت است استحاضه قرار دهد.

م ۴۵۲- اقل حیض سه روز و اکثر آن ده روز است. بنابراین خون کمتر از سه روز و بیش از ده روز حیض نیست.

م ۴۵۳- حداقل فاصله دو حیض ده روز است. بنابراین اگر زنی پس از پاک شدن از حیض، پیش از گذشت ده روز خون ببیند حیض نیست.

م ۴۵۴- زنی که عادت دارد اگر پس از پاکی از حیض دوباره خون ببیند و فاصله دو خون کمتر از ده روز باشد چنانچه مجموع روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، بیش از ده روز باشد مثل آن که پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، خونی که در عادت دیده حیض و خونی که در غیر عادت بوده استحاضه است. اگر هیچیک در عادت واقع نشده، خونی را که نشانه حیض دارد حیض، و دیگری را استحاضه قرار دهد. اگر هر دو خون نشانه حیض دارد خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

م ۴۵۵- زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون ببیند و در غیر آن وقت به تعداد ایام عادت با صفات حیض خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد، چه بعد از آن.

م ۴۵۶- اگر زنی از این گروه در وقت عادت خود خون ببیند، ولی شماره روزهای آن کمتر

یا بیشتر از ایام عادت او باشد و پس از پاک شدن، دوباره به تعداد ایام عادت خود خون ببیند، باید خونی که در وقت عادت خود دیده است حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

م ۴۵۷- اگر صاحب عادت بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در ایام عادت دیده حیض است اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد. و خون بعد از ایام عادت استحاضه است اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد.

گروه دوم: صاحب عادت وقتیّه

م ۴۵۸- او زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند. ولی تعداد روزهای آن در هر دو ماه مساوی نباشد. مثل زنی که در ماه اول روز سوم به مدت هفت روز خون ببیند و ماه دوم روز سوم به مدت هشت روز خون ببیند، او باید روز سوم ماه را عادت حیض خود قرار دهد.

م ۴۵۹- زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین (سوم ماه) خون او نشانه حیض دارد، باید آن روز را روز اول عادت حیض خود قرار دهد، هر چند شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد، در هر دو ماه مساوی نباشد.

م ۴۶۰- زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین (سوم ماه)، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود، باید روز سوم ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. هر چند خون دیدن او در ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد.

م ۴۶۱- زنی که عادت وقتیّه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از آن یا بعد از آن خون ببیند به طوری که عرفاً بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون نشانه حیض را نداشته باشد، باید به احکام حائض رفتار نماید و اگر بعد بفهمد حیض نبوده- مثل آن که پیش از سه روز پاک شود - باید عبادتهایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

م ۴۶۲- زنی از این گروه، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید تعداد ایام عادت خویشان خود را ملاک حیض خود قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری، زنده باشند یا مرده. در صورتی که ایام عادت همه یا اکثریت آنان

یک اندازه باشد.

م ۴۶۳- زنی که شماره ایام عادت خویشان را حیض خود قرار می دهد، اگر مازاد بر آن خون ببیند باید استحاضه قرار دهد، هر چند از ده روز تجاوز نکند.

م ۴۶۴- زنی که خویش ندارد، یا شماره عادت آنان یکسان نیست، باید در هر ماه از روزی که خون می بیند به مدت هفت روز حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

گروه سوم: صاحب عادت عددیه

م ۴۶۵- او زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه متوالی مساوی باشد، ولی زمان شروع آن مختلف است. در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می شود. اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می شود.

م ۴۶۶- زنی که از خون پاک نمی شود، ولی دو ماه پیاپی در چند روز نشانه حیض و در بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه مساوی است، اما وقت آن یکی نیست، باید روزهایی را که خون او نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد.

م ۴۶۷- زنی که دو ماه متوالی سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده، اگر از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم مساوی باشد، عادت حیض او می شود.

م ۴۶۸- زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیش از ایام عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد باید از موقع دیدن خون به تعداد روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه داشته باشد، سه صورت دارد:

الف - روزهایی که خون نشانه حیض دارد با تعداد ایام عادت او مساوی است، در این صورت همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار می دهد.

ب - روزهایی که خون نشانه حیض دارد از ایام عادت بیشتر است. در این صورت به تعداد ایام عادت حیض است و مازاد آن را استحاضه قرار می دهد.

ج- روزهایی که خون نشانه حیض دارد از ایام عادت کمتر است. در این صورت باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه ایام عادت بشود، حیض حساب کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

گروه چهارم: مبتدئه

م ۴۶۹- مبتدئه دختری است که تازه بالغ شده و برای بار اول خون می‌بیند.

گروه پنجم: مضطربه

م ۴۷۰- مضطربه زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده، یا عادتش به هم خورده است.

م ۴۷۱- اگر مبتدئه یا مضطربه ده روز یا کمتر خون ببیند همه آن حیض است. اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونها یک جور باشد، باید شماره عادت خویشان را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. چنانچه خویشی نداشته باشد یا شماره عادت آنها یکسان نباشد، هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

م ۴۷۲- اگر بیش از ده روز خون ببیند که یک جور نباشد، بلکه چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. اگر کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد، باید همان را حیض قرار دهد و در تعداد روزها به خویشاوندان خود مراجعه کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

م ۴۷۳- اگر کسی در فاصله کمتر از ده روز دوبار خون با نشانه حیض ببیند (پنج روز خون سیاه، نه روز خون زرد، دوباره پنج روز خون سیاه) باید خون اول را حیض قرار دهد و در عدد به خویشان خود مراجعه نماید و مابقی را استحاضه قرار دهد.

گروه ششم: ناسیه

م ۴۷۴- او زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه آن حیض است. اگر بیش از ده روز خون ببیند باید روزهایی را که خون او نشانه حیض

دارد تا ده روز، حیض حساب کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

م ۴۷۵- اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه آن تشخیص دهد بین سه کار مخیر است:

الف - شش روز یا هفت روز را در هر ماه حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

ب - یک ماه سه روز و در ماه دیگر ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

ج - ماه اول ده روز و ماه دوم سه روز را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسائل متفرقة حیض

م ۴۷۶- گروههای سوم تا ششم اگر خونی با نشانه حیض ببینند باید عبادت را ترک کنند.

چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عباداتی را که به جا نیاورده‌اند قضا نمایند. ولی اگر نشانه

حیض نداشته باشد، باید تا سه روز احتیاط کنند یعنی مطابق وظیفه استحاضه نماز را به جا آورند

و محرمات حیض را ترک نمایند. چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

م ۴۷۷- صاحب عادت یعنی گروههای اول تا سوم، اگر دو ماه پشت سر هم برخلاف عادت

خود خونی ببینند، عادت سابق به عادت جدید تغییر پیدا می‌کند. مثلاً اگر سابقاً روز اول ماه

خون می‌دید و روز هفتم پاک می‌شده، چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک

شود، از دهم تا هفدهم، عادت او می‌شود.

م ۴۷۸- زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند

و هر دو خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز

کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

م ۴۷۹- اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی

ببیند که نشانه استحاضه دارد و دوباره سه روز خونی با نشانه‌های حیض ببیند، باید خون اول

و خون آخر را حیض قرار دهد.

م ۴۸۰- اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند در باطن خون نیست، باید برای عبادات

خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند. ولی

اگر یقین دارد قبل از ده روز خون می‌بیند نباید غسل کند و نمی‌تواند نماز بخواند و باید به احکام

حائض رفتار نماید.

م ۴۸۱- اگر زن پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد در باطن خون هست، باید واریسی نماید. پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادات خود را به جا آورد. اگر پاک نبود- اگر چه به آب زرد رنگی آلوده باشد- چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است باید انتظار بکشد. سپس اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند. اگر سر ده روز پاک شد، یا خون او از ده گذشت، سر ده روز غسل نماید.

م ۴۸۲- در فرض مذکور اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بدانند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می شود نباید غسل کند و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می گذرد واجب است یک روز عبادت را ترک کند. چنانچه خون قطع نشد تا ده روز عبادت را ترک کند. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز از خون پاک شد تمامش حیض است و اگر ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادتهایی را که بعد از روزهای عادت به جا نیاورده، قضا نماید.

م ۴۸۳- اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه ای را به جا نیاورده قضا نماید. و اگر چند روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته، باید قضا نماید.

استحاضه

م ۴۸۴- خونی که حیض و نفاس و زخم نباشد و از رحم خارج شود استحاضه است و زن را موقع دیدن این خون مستحاضه می گویند.

م ۴۸۵- خون استحاضه بیشتر اوقات زرد و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید. ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

م ۴۸۶- استحاضه سه قسم است: قلیله، متوسطه و کثیره. استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی نوار بهداشتی را آلوده کند.

استحاضه متوسطه: خون در نوار بهداشتی فرو رود، ولی به طرف دیگر نرسد.

استحاضه کثیره خون در نوار بهداشتی فرو رود و به طرف دیگر آن برسد.

احکام استحاضه

- م ۴۸۷-** در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و ظاهر فرج را اگر آلوده شده آب بکشد و نوار بهداشتی را در صورت آلودگی عوض کند.
- م ۴۸۸-** در استحاضه متوسطه باید برای هر نماز صبح غسل کند و برای نمازهای دیگر طبق وظیفه استحاضه قلیله عمل نماید. اگر غسل صبح را انجام ندهد، چنانچه برای نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء غسل کند کافی است.
- م ۴۸۹-** در استحاضه کثیره علاوه بر وظائف مستحاضه قلیله، باید یک غسل برای نماز صبح، یک غسل برای نماز ظهر و عصر، و یکی هم برای نماز مغرب و عشاء به جا آورد. پس از غسل فوراً نمازش را بخواند و بین نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء فاصله نیندازد. اگر فاصله بیندازد و خون بیرون آید، باید برای نماز دوم (عصر یا عشاء) دوباره غسل نماید. در استحاضه کثیره وضو لازم نیست، هرچند مطابق احتیاط است.
- م ۴۹۰-** اگر خون استحاضه در وقت نماز قطع شود، اگر چه پیش از وقت برای کار دیگری مانند مس قرآن، وضو گرفته باشد، باید در موقع نماز وضو و غسل را به جا آورد.
- م ۴۹۱-** مستحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اولاً را به جا آورد صحیح است، ولی بهتر است اول وضو بگیرد.
- م ۴۹۲-** اگر استحاضه قلیله بعد از نماز صبح، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند. اگر بعد از نماز عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.
- م ۴۹۳-** اگر استحاضه قلیله یا متوسطه بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشاء غسل دیگری به جا آورد. اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشاء غسل نماید.
- م ۴۹۴-** اگر مستحاضه پیش از دخول وقت نماز وضو بگیرد و غسل کند، کافی نیست و باید پس از دخول وقت دوباره برای نماز غسل کند و وضو بگیرد. مگر فاصله خیلی کوتاه باشد به طوری که پس از فراغ از غسل و پوشیدن لباس و انجام مقدمات وقت داخل شود.
- م ۴۹۵-** مستحاضه قلیله یا متوسطه برای هر نماز واجب یا مستحب باید وضو بگیرد. ولی در کثیره لازم نیست. همچنین اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا نمازی

را که فرادی خوانده، دوباره به جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد. ولی برای نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر فوراً به جا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

م ۴۹۶- مستحاضه پس از آن که خون قطع شد، برای نماز اول باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

م ۴۹۷- اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است. هنگام نماز باید واریسی کند تا پس از دانستن نوع استحاضه مطابق وظیفه عمل نماید.

م ۴۹۸- مستحاضه اگر بدون واریسی نماز بخواند در صورتی نمازش صحیح است که قصد قربت داشته و مطابق وظیفه عمل کرده باشد. مثلاً اگر استحاضه او به حسب واقع متوسطه بوده، به وظیفه متوسطه عمل کرده باشد.

م ۴۹۹- مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید و در اقسام استحاضه شک داشته باشد باید قدر متیقن را بگیرد. پس اگر بین قلیله و متوسطه مردد باشد، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد. در شک بین متوسطه و کثیره کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد. ولی اگر بداند سابقاً کدام قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

م ۵۰۰- اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی شود. و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد، موجب بطلان است.

م ۵۰۱- مستحاضه اگر بعد از نماز اول خود را واریسی کند و خون نبیند، اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز دوم را بخواند.

م ۵۰۲- مستحاضه پس از انجام وضو یا غسل تا زمانی که بداند خون داخل فرج نیست و بیرون نمی آید می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

م ۵۰۳- اگر مستحاضه بداند پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز، خون بند می آید. باید نماز را تأخیر بیندازد تا پاک شود، آنگاه غسل کند و وضو بگیرد و نماز بخواند. در صورت ضیق وقت به جای هریک از وضو و غسل، تیمم کند.

م ۵۰۴- هرگاه مستحاضه کثیره و متوسطه بکلی از خون پاک شد باید غسل کند. ولی اگر بداند از زمان غسل موظف قبلی دیگر خون نیامده، غسل مجدد لازم نیست.

م ۵۰۵- مستحاضه بعد از وضو و غسل، باید فوراً مشغول نماز شود. ولی انجام امور

استحبابی قبل از نماز و در نماز اشکال ندارد. اگر فاصله بیندازد و در این فاصله خون ببیند، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود.

م ۵۰۶- اگر خون استحاضه جریان دارد و بیرون می‌آید، باید پس از غسل به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید. چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و اگر نماز خوانده، اعاده کند. مگر جلوگیری برایش ضرر یا مشقت داشته باشد.

م ۵۰۷- اگر هنگام غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است. ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه، کثیره شود، واجب است غسل را به نیت کثیره از سر بگیرد.

م ۵۰۸- روزه مستحاضه کثیره در صورتی صحیح است که غسل واجب نماز صبح و غسل نماز ظهر و عصر آن روز را انجام دهد. ولی صحت روزه او متوقف بر انجام غسل شب گذشته یا آینده نیست.

م ۵۰۹- اگر پس از نماز عصر مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند، روزه او صحیح است.
م ۵۱۰- اگر استحاضه قلیله پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید مطابق وظیفه متوسطه یا کثیره عمل نماید. اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد. پس اگر برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، بنابر احتیاط باید دوباره برای کثیره نیز غسل کند.

م ۵۱۱- اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه، کثیره شود، باید نماز را رها کند و برای استحاضه کثیره غسل کند و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند و اگر برای غسل وقت ندارد، تیمم کند. اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمازش را تمام کند و بنابر احتیاط واجب مطابق وظیفه قضا نماید. همچنین اگر در بین نماز استحاضه قلیله، متوسطه یا کثیره شود، باید نماز را رها کند و مطابق وظیفه متوسطه یا کثیره عمل نماید.

م ۵۱۲- اگر زن بعد از نماز بفهمد که خون استحاضه در بین نماز به کلی قطع شده بود بنابر احتیاط وضو و غسل را تجدید نماید و نماز را دوباره به جا آورد.

م ۵۱۳- اگر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را به جا آورد. مثلاً اگر تغییر پیش از نماز ظهر باشد، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء فقط وضو بگیرد.

م ۵۱۴- اگر استحاضه کثیره یا متوسطه، تبدیل به قلیله شود، باید برای نماز اول عمل

کثیره یا متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد.

م ۵۱۵- اگر مستحاضه یکی از کارهای واجب حتی تعویض نوار بهداشتی را ترک کند، نمازش باطل است.

م ۵۱۶- مستحاضه قلیله و متوسطه اگر بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد و وضوی نماز کافی نیست. مستحاضه کثیره باید غسل هم بکند. احوط ترک مس خط قرآن برای مستحاضه است.

م ۵۱۷- جواز توقف در مسجد، قرائت آیه سجده‌دار و آمیزش جنسی برای مستحاضه بنا بر احتیاط واجب متوقف بر انجام غسل موظف است.

م ۵۱۸- مستحاضه کثیره اگر غسل‌های سه گانه خود را انجام بدهد برای انجام نوافل غسل دیگری بر او واجب نیست و برای تمام نماز شب یک وضو کافی است. ولی برای واجبات دیگر مانند نماز قضا و نماز آیات و طواف باید غسل کند و محل را تطهیر و نوار را تعویض نماید.

م ۵۱۹- اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، باید به دستور استحاضه عمل کند. بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

نفاس

م ۵۲۰- خونی که مادر پس از ولادت بچه می‌بیند خون نفاس است، و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند. بنابراین اگر مادر پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه خون ببیند نفاس نیست.

م ۵۲۱- اگر بچه را با عمل جراحی از شکم مادر خارج کنند، خونی که از مجرای طبیعی بیرون می‌آید، حکم نفاس دارد.

م ۵۲۲- لازم نیست خلقت بچه تمام باشد. اگر جنین سقط شود و خود زن بداند یا قابله‌ها بگویند اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است.

م ۵۲۳- خون نفاس ممکن است یک لحظه بیشتر نیاید، ولی حداکثر آن ده روز است.

م ۵۲۴- هرگاه شک کند چیزی سقط شده یا نه، یا آنچه سقط شده اگر می‌ماند انسان

می‌شد یا نه، تحقیق لازم نیست و خونی که از او خارج می‌شود خون نفاس نیست.
م ۵۲۵- آنچه بر حائض حرام یا واجب است شامل حال نفساء نیز می‌شود.
م ۵۲۶- طلاق دادن زن در حال نفاس باطل است. نزدیکی با او حرام و بنا بر احتیاط واجب موجب کفاره است.

م ۵۲۷- وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد.
 اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است. و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته، باید قضا نماید.

م ۵۲۸- اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد در باطن خون هست، باید واریسی کند. اگر پاک بود، برای عبادت‌های خود غسل کند.

م ۵۲۹- اگر خون نفاس از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد به اندازه ایام عادت او نفاس و بقیه استحاضه است. اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می‌باشد.

م ۵۳۰- زنی که عادت حیض او کمتر از ده روز است، اگر پس از زایمان بیشتر از ایام عادت خون ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن تا روز دهم مخیر است بین اینکه عبادت را ترک نماید یا کارهای مستحاضه را انجام دهد. پس اگر از ده روز بگذرد روزهای عادتش حیض و بقیه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده، باید قضا کند.

م ۵۳۱- زنی که در حیض عادت دارد، اگر پس از زایمان تا یک ماه یا بیشتر خون ببیند به اندازه روزهای عادت او نفاس است و خونی که بعد از نفاس تا ده روز می‌بیند - اگر چه در روزهای عادت ماهانه‌اش باشد- استحاضه است. پس از گذشت ده روز چنانچه در ایام عادت خون ببیند حیض است هر چند نشانه حیض را نداشته باشد. اگر در روزهای عادتش نباشد چنانچه نشانه حیض را دارد حیض است و اگر ندارد استحاضه قرار دهد.

م ۵۳۲- زنی که در حیض عادت ندارد، اگر پس از زایمان تا یک ماه یا بیشتر خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که پس از آن می‌بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض و گرنه آن هم استحاضه می‌باشد.

غسل مس میت

- م ۵۳۳-** اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسل نداده‌اند برساند، باید غسل مس میت نماید. هر چند در خواب و بدون اختیار باشد. حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد باید غسل کند. ولی مس حیوان مرده غسل ندارد.
- م ۵۳۴-** مس بدن شهید میدان جنگ موجب وجوب غسل نیست. هر چند بدن متلاشی شده باشد و قطعه استخوانی از او باقی مانده باشد.
- م ۵۳۵-** برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست. اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.
- م ۵۳۶-** اگر موی خود را به بدن میت یا بدن خود را به موی میت برساند، غسل واجب نیست. مگر اینکه مو به اندازه‌ای کوتاه باشد که تابع بدن بشمار آید.
- م ۵۳۷-** مس میت، مسلمان یا کافر، کبیر یا صغیر، حتی بچه مرده یا سقط شده چهار ماهه موجب غسل است.
- م ۵۳۸-** اگر بچه چهارماهه یا بیشتر مرده به دنیا بیاید، در صورتی که بدنش سرد شده و با ظاهر بدن مادر تماس داشته، غسل مس میت بر مادر واجب است.
- م ۵۳۹-** هرگاه تولد بچه پس از فوت مادر و سرد شدن بدن باشد، چنانچه با ظاهر بدن مادر تماس داشته است، ولی نوزاد باید او را در اولین فرصت غسل بدهد و بنابر احتیاط واجب پس از بلوغ نیز غسل مس میت به جا آورد.
- م ۵۴۰-** مس میت پس از اتمام غسل سوم، موجب غسل نیست. ولی پیش از آن موجب غسل است، هر چند جایی را مس کند که غسل آن قسمت داده شده باشد.
- م ۵۴۱-** اگر دیوانه یا نابالغ، میت را مس کند، پس از عاقل و بالغ شدن باید غسل مس میت به جا آورد.
- م ۵۴۲-** اگر از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند، قطعه‌ای دارای استخوان جدا شود مس آن موجب غسل است، مگر آن قطعه جدا شده، غسل داده شده باشد. ولی اگر دارای استخوان نباشد، مس آن غسل ندارد.

م ۵۴۳- مس دندان یا استخوان بدون گوشت - از مرده جدا شده باشد یا از زنده- موجب غسل نیست.

م ۵۴۴- غسل مس میت مثل غسل جنابت است. با غسل مس میت می توان نماز خواند و به وضو نیاز ندارد.

م ۵۴۵- اگر انسان چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل برای همه کافی است.

م ۵۴۶- کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف او در مسجد، نزدیکی کردن و خواندن آیات سجده مانعی ندارد. ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند.

غسل های مستحب

غسل های مستحب سه قسم است: زمانی، مکانی و فعلی.

م ۵۴۷- غسلهایی که به لحاظ زمان خاص مستحب است:

۱) غسل جمعه: وقت آن از اذان صبح تا ظهر است. عصر جمعه به نیت مافی الذمه، روز شنبه به عنوان قضا، روز پنجشنبه و شب جمعه به قصد رجاء غسل کند و مستحب است هنگام غسل جمعه بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله، اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین.»

۲) غسل شبهای فرد ماه رمضان، به ویژه لیالی قدر. وقت غسل تمام شب است.

ولی بهتر است غسل دهه آخر را بین نماز مغرب و عشاء به جا آورد.

۳) غسل روز عید فطر و عید قربان، وقت آن از اذان صبح تا ظهر است. بهتر است پیش

از نماز عید به جا آورد. اگر بخواهد بعد از ظهر تا غروب به جا آورد، به قصد رجاء انجام دهد.

۴) غسل شب عید فطر، وقت آن از اول مغرب تا اذان صبح و افضل اول شب است.

۵) غسل روز ترویبه و عرفه (هشتم و نهم ذیحجه)

۶) غسل روز اول و نیمه و بیست و هفتم و آخر ماه رجب

۷) غسل روز عید غدیر (هیجدهم ذی الحججه)

- ۸) غسل روز مباهله (بیست و چهارم ذیحجه)
 ۹) غسل روز عید نوروز (اول سال شمسی)
 ۱۰) غسل نیمه شعبان (میلااد مسعود مهدی موعود عج)
 ۱۱) هفدهم ربیع الاول (میلااد مسعود رسول اکرم ص)
 ۱۲) غسل روز ۲۵ ذیقعدہ (روز دحوالارض)
م ۵۴۸- غسل هایی که برای حضور در اماکن مقدسه مستحب است:
 ۱) غسل دخول در حرم الهی ۲) غسل ورود به شهر مکه
 ۳) غسل ورود به مسجد الحرام ۴) غسل دخول در کعبه
 ۵) غسل دخول در مدینه منوره و مسجد النبی ﷺ
 ۶) غسل ورود به حرم امامان معصوم علیهم السلام
م ۵۴۹- غسل مستحب از غسل واجب کفایت نمی کند. ولی غسل مستحب قطعی مانند غسل جمعه برای انجام کارهایی که شرط آن طهارت است مانند نماز و طواف کافی است و احتیاج به وضو ندارد ولی بنا بر احتیاط با هر غسل مستحبی نمی توان نماز و طواف واجب بجا آورد و باید وضو گرفت.
م ۵۵۰- اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد یک غسل به نیت همه کافی است. مانند کسی که بخواهد در یک روز داخل مکه و حرم و مسجد الحرام و خانه کعبه شود، یا داخل شهر مدینه و مسجد پیغمبر ﷺ شود.
م ۵۵۱- غسل هایی که برای انجام کاری مستحب است:
 ۱) غسل احرام ۲) غسل طواف
 ۳) غسل وقوف در عرفات ۴) غسل ذبح و حلق
 ۵) غسل نماز باران ۶) غسل استخاره
 ۷) غسل توبه: هرگاه بخواهد پس از انجام گناه توبه کند غسل نماید.
 ۸) غسل زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کرده باشد.

احکام تیمم

در هشت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

(۱) دسترسی نداشتن به آب

مسألة ۵۵۲- انسان در آبادی برای تهیه‌ی آب وضو و غسل، باید به اندازه‌ای جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود، و در بیابان اگر زمین کوهستانی یا جنگلی باشد به طوری که عبور در آن مشکل است باید برای یافتن آب از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر یعنی تا شعاع حدود دویست قدمی جستجو نماید. و در زمین هموار باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر به جستجو پردازد.

م ۵۵۳- اگر بعضی اطراف هموار و بعضی دیگر ناهموار باشد، باید در طرف هموار به اندازه پرتاب دو تیر و در طرف ناهموار به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کرد.

م ۵۵۴- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، جستجو در آن طرف لازم نیست.

م ۵۵۵- کسی که وقت کافی برای تهیه‌ی آب و نماز دارد، اگر اطمینان دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست، در صورتی که برایش مشقت نداشته باشد باید برای تهیه آب برود.

- م ۵۵۶-** لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند فردی مورد اطمینان بفرستد و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است.
- م ۵۵۷-** اگر احتمال دهد داخل بار خود، یا همسفران یا محل استراحت آب هست، باید به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.
- م ۵۵۸-** اگر کسی پیش از وقت نماز جستجو نمود و آب پیدا نکرد، اگر بخواهد همانجا نماز بخواند، پس از دخول وقت جستجوی مجدد لازم نیست مگر تغییر محسوس در منطقه پدید آید.
- م ۵۵۹-** اگر پس از دخول وقت نماز جستجو کند و بخواهد همانجا بماند تا هنگامی که شرائط جوی تغییر نکرده است جستجو برای نمازهای بعدی لازم نیست.
- م ۵۶۰-** در صورت تنگی وقت یا ترس بر جان و مال یا مشقت زیاد جستجو لازم نیست.
- م ۵۶۱-** اگر به جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود معصیت کرده، ولی نماز با تیمم صحیح است.
- م ۵۶۲-** کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد نمازش باطل است.
- م ۵۶۳-** اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، چنانچه پس از وقت نماز فهمیده، نماز او صحیح است. ولی اگر وقت باقی است باید نمازش را با وضو بخواند.
- م ۵۶۴-** اگر کسی بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند اگر وضوی خود را باطل کند نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید. همچنین اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید وضوی خود را نگه دارد.
- م ۵۶۵-** کسی که فقط به مقدار وضو یا غسل آب دارد، اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است. و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد. اگر بریزد، معصیت کرده، ولی نمازش با تیمم صحیح است.

(۲) خوف ضرر

م ۵۶۶- اگر تهیه آب مستلزم ضرر جانی، ناموسی و مالی غیرقابل تحمل باشد و از وجود دزد و جانور موذی و تنها گذاشتن خانواده در منطقه بترسد باید تیمم کند.

م ۵۶۷- اگر برای کشیدن آب از چاه، یا رودخانه و سائلی لازم دارد باید بخرد یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد. همچنین اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند باید بخرد. ولی اگر قیمت آب یا وسائل به اندازه‌ای است که نسبت به حال او ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

م ۵۶۸- اگر ناچار شود برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید. ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند. ولی اگر کسی بدون منت مقداری آب به او بدهد، باید قبول کند.

(۳) خوف مرض

م ۵۶۹- اگر استعمال آب ولو به نحو احتمال موجب بیمار شدن یا تشدید بیماری یا افزایش طول درمان بشود. باید تیمم نماید. ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

م ۵۷۰- اگر به واسطه یقین یا احتمال ضرر، تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. اگر پس از نماز بفهمد، چنانچه وقت باقی باشد باید نمازش را اعاده کند.

م ۵۷۱- کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

(۴) مشقت شدید

م ۵۷۲- اگر تهیه آب یا استعمال آن برای انسان به لحاظ ضعف جسمی یا هزینه مالی مشقت زیاد داشته باشد، هر چند خوف و مرض منتفی باشد باید تیمم بگیرد.

۵) خوف عطش

م ۵۷۳- هرگاه انسان بترسد صرف آب برای وضو یا غسل موجب هلاکت یا مشقت او یا فرزندانش و همراهان یا تلف شدن حیوان بر اثر تشنگی می‌شود، باید تیمم نماید.

م ۵۷۴- اگر کسی مقداری از آب پاک و مقداری آب نجس داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن خود و همراهان بگذارد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر بخواهد آب را به مصرف حیوان برساند باید آب نجس را به او بدهد و با آب پاک، وضو بگیرد و غسل کند.

۶) وجود معارض

م ۵۷۵- کسی که بدن یا لباسش نجس است و آب کافی ندارد، به طوری که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، آبی برای تطهیر بدن یا لباس باقی نمی‌ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی در دسترس نباشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن و لباس نجس نماز بخواند.

۷) وجود مانع

م ۵۷۶- اگر استعمال آب یا ظرف آن حرام باشد، مثل اینکه آب یا ظرفش غصبی است و آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم کند.

۸) ضیق وقت

م ۵۷۷- هرگاه وقت بقدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

م ۵۷۸- اگر عمداً نماز را به اندازه‌ای تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب قضای آن نماز است.

م ۵۷۹- کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند، وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمم کند.

م ۵۸۰- کسی که آب دارد و به واسطه‌ی تنگی وقت تیمم کرده، چنانچه پس از نماز می‌توانسته وضو بگیرد، ولی وضو نگرفته و آب از دستش برود، برای نماز بعدی باید دوباره تیمم نماید؛ اگر چه حدثی از او سر نزنده باشد. ولی اگر در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

م ۵۸۱- اگر انسان به اندازه‌ای وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را با حذف مستحبات به جا آورد، اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد نماز را بدون سوره بخواند.

چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است:

م ۵۸۲- تیمم به خاک، ریگ، کلوخ، سنگ هر چه از نظر عرف از اجزای زمین باشد صحیح است. ولی به گل پخته مثل آجر و کوزه و سفال - هر چند کوبیده شود و نرم گردد - صحیح نیست. احتیاط واجب تقدم خاک بر اشیاء دیگر است.

م ۵۸۳- تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر صحیح است. ولی تیمم به سنگ عقیق و فیروزه باطل است. و احتیاط واجب آن است که به گچ و آهک پخته تیمم نکند.

م ۵۸۴- اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود باید به گرد و غبار روی فرش و لباس تیمم نماید و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند، اگر گل هم پیدا نشود احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند و بعداً قضای آن را بجا آورد. تیمم بر دیوار گلی و زمین و خاک نمناک صحیح است.

م ۵۸۵- اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است. اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم به گل باطل می‌باشد.

م ۵۸۶- کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد، در صورت امکان باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید. اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند و بعداً قضا کند.

م ۵۸۷- اگر با خاک و ریگ چیزی مانند کاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمم کند، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ، از بین رفته

حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

م ۵۸۸- اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، چنانچه ممکن است باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید.

م ۵۸۹- چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد. اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، بر همان شیء نجس اگر خشک است تیمم کند و اگر تر است بدون تیمم نماز بخواند و بعداً قضای آن را به جا آورد.

م ۵۹۰- اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده، باید اعاده کند.

م ۵۹۱- چیزی که بر آن تیمم می‌کند، مکان آن باید غصبی نباشد. پس اگر بر خاک غصبی تیمم کند یا خاک خود را در ملک غیر بگذارد و بر آن تیمم کند باطل است.

م ۵۹۲- تیمم در فضای غصبی باطل است. پس اگر در ملک خود، دستها را به زمین بزند و بی اجازه داخل ملک دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد، تیمم او باطل است.

م ۵۹۳- اگر نداند محل تیمم غصبی است، و یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است، اگر چه فراموش کننده خود غاصب باشد.

م ۵۹۴- کسی که در جای غصبی حبس است، اگر آب و خاک آن جا هر دو غصبی است باید با تیمم نماز بخواند.

م ۵۹۵- مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند و پس از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

م ۵۹۶- تیمم به زمین گود و آلوده، کنار جاده و زمین شوره‌زار که نمک روی آن را نگرفته مکروه است، و اگر نمک روی آن را گرفته باشد باطل است.

دستور تیمم

م ۵۹۷- در تیمم چهار چیز واجب است:

- ۱) نیت: تیمم را به قصد امتثال فرمان خدا بجا آورد.
 - ۲) دو کف دست را با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند یا بگذارد.
 - ۳) کف هر دو دست را به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی بکشد و بنابر احتیاط واجب دستها روی ابروها کشیده شود.
 - ۴) تمام کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست و بعد از آن تمام کف دست راست را به تمام پشت دست چپ بکشد.
- م ۵۹۸- تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند.

احکام تیمم

- م ۵۹۹- تمام پیشانی و تمام پشت دستها را باید مسح کند. پس اگر مقدار کمی از آن را هم مسح نکند هر چند به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی باشد تیمم باطل است. دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است.
- م ۶۰۰- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از میج را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.
- م ۶۰۱- مسح پیشانی و پشت دستها باید از بالا به پایین و پشت سر هم باشد.
- م ۶۰۲- در موقع نیت باید نوع تیمم را معین کند که بدل از غسل است یا بدل از وضو، و در بدل از غسل باید نوع غسل را نیز معین نماید. چنانچه قصد مافی‌الذمه و وظیفه فعلی خود را داشته باشد کافی است.
- م ۶۰۳- اعضای تیمم باید پاک باشد. ولی اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، اشکال ندارد.
- م ۶۰۴- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و هر مانعی در اعضای تیمم وجود دارد برطرف نماید. پس اگر احتمال وجود مانع بدهد باید جستجو نماید تا یقین به عدم مانع پیدا کند و اگر موی سر روی پیشانی افتاده باشد بالا بزند.

م ۶۰۵- اگر پیشانی یا پشت دست زخم است و پارچه‌ای که بر آن بسته نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و اگر کف دست، زخم و باندپیچی باشد، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

م ۶۰۶- اگر وظیفه‌ی او تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد. نایب باید دست او را بر خاک بزند و بر پیشانی و دستهایش بکشد و اگر ممکن نیست، دست خود را بر زمین بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد.

م ۶۰۷- اگر کسی در بین تیمم شک کند جزء قبل را فراموش کرده یا نه، چنانچه از محل گذشته و به جزء بعد مشغول شده، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است و اگر از محل نگذشته، باید جزء مشکوک را اعاده کند. اگر پس از به جا آوردن هر جزء در صحت آن شک کند اعتنا نکند و تیمم او صحیح است.

م ۶۰۸- اگر پس از مسح دست چپ شک کند درست تیمم کرده یا نه، تیمم صحیح است.
م ۶۰۹- تیمم برای نماز پیش از وقت صحیح نیست. ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.
م ۶۱۰- کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی است، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بخواند. ولی اگر بداند تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود، باید تأخیر بیندازد و با وضو یا غسل نماز بخواند.

م ۶۱۱- کسی که وظیفه‌اش تیمم است می‌تواند نماز مستحبی و نوافل را با تیمم بخواند. در صورتی که بداند عذر او به زودی زائل نمی‌شود می‌تواند نماز قضا هم بخواند.

م ۶۱۲- کسی که بنا بر احتیاط واجب باید غسل جبیره‌ای و تیمم نماید، اگر پس از نماز حدث اصغری از او سر بزند، برای نماز بعد باید وضو بگیرد. ولی تیمم بدل از غسل لازم نیست.

م ۶۱۳- اگر کسی به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، پس از دستیابی به آب و رفع عذر تیمم او باطل می‌شود.

م ۶۱۴- آنچه موجب بطلان وضو و غسل می‌شود، موجب بطلان تیمم بدل از وضو و غسل نیز می‌شود.

م ۶۱۵- کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، یک تیمم بدل از

همه کافی است.

م ۶۱۶- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، اگر بخواهد عملی را انجام دهد که برای آن وضو یا غسل واجب است، باید بدل از آن تیمم نماید.

م ۶۱۷- تیمم بدل از غسل برای نماز کافی است و وضو لازم نیست. ولی بنابر احتیاط در غیر جنابت وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

م ۶۱۸- اگر پس از تیمم بدل از غسل، مرتکب حدث اصغر بشود، چنانچه برای نماز بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند بدل از وضو تیمم نماید.

م ۶۱۹- کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند، تا زمانی که تیمم و عذر او باقی است می‌تواند تمام کارهایی را که طهارت در آنها شرط است انجام دهد.

م ۶۲۰- نمازهایی که با تیمم خوانده شده، پس از رفع عذر اعاده و قضا ندارد. ولی در چند مورد مستحب است نماز خود را دوباره بخواند:

الف - موردی که انسان بداند دسترسی به آب ندارد یا استعمال آب برایش ضرر دارد، با این وصف عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.

ب - تا آخر وقت، در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می‌کرد، آب پیدا می‌شد.

ج - عمداً نماز را تأخیر بیندازد و در آخر وقت با تیمم نماز بخواند.

د - بداند دسترسی به آب پیدا نمی‌کند و آبی را که در اختیار داشته تلف نماید و با تیمم نماز بخواند.

احکام اموات

احکام محتضر

مسألة ۶۲۱- مسلمان را در حال جان دادن، مرد یا زن، بزرگ یا کوچک، بنابر احتیاط واجب باید به پشت بخوابانند، به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد. اگر ممکن نیست او را رو به قبله بنشانند. اگر ممکن نیست به پهلوئی راست یا پهلوئی چپ، رو به قبله بخوابانند.

م ۶۲۲- احتیاط واجب آن است تا وقتی جنازه را بر نداشته‌اند او را رو به قبله بخوابانند. و همچنین مستحب است هنگام غسل رو به قبله باشد.

م ۶۲۳- رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است و در صورت امکان باید از خود او یا ولی او اجازه گرفت.

مستحبات احتضار:

م ۶۲۴- چند چیز در حال احتضار مستحب است:

- (۱) تلقین و تکرار شهادتین و اقرار به ولایت دوازده امام معصوم و عقاید حقه به محتضر.
- (۲) تلاوت قرآن به ویژه یس، صافات، آیه‌الکرسی و سه آیه آخر سوره بقره بر بالین او.
- (۳) تلقین توبه و استغفار از گناهان.
- (۴) انتقال محتضر به محل نماز در صورت رضایت.
- (۵) تلقین کلمات فرج به محتضر:

«لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع، و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين.»

(۶) تلقین این سه دعا به محتضر به طوری که بفهمد:

«اللهم اغفر لي الكثير من معاصيك و اقبل مني اليسير من طاعتك»

«يا من يقبل اليسير و يعفو عن الكثير، اقبل مني اليسير و اعف عنى الكثير انك انت العفو الغفور» «اللهم ارحمني فانك رحيم».

(۷) خواندن دعای عدیله بر بالین محتضر از مفاتیح الجنان به خاطر اشتغال بر موارد فوق، هر چند بنا بر مشهور این دعا ماثور نیست.

مکروهات احتضار

- م ۶۲۵- چند چیز در حال احتضار مکروه است:
- (۱) تنها گذاشتن محتضر.
 - (۲) گذاشتن چیز سنگین روی سینه و شکم او.
 - (۳) حضور جنب و حائض نزد او.
 - (۴) حرف زدن زیاد.
 - (۵) گریه کردن کنار بستر او.
 - (۶) تنها ماندن زنها نزد او.
 - (۷) مس محتضر در حال جان دادن.

احکام پس از مرگ

- م ۶۲۶- چند چیز پس از مرگ مستحب است:
- (۱) بستن دهان و چانه میت
 - (۲) روی هم قرار دادن پلکها و لبها
 - (۳) دراز کردن دست و پای او
 - (۴) انداختن پارچه بر روی سر و بدن میت.
 - (۵) روشن گذاشتن چراغ در مکانی که مرده است.
 - (۶) اطلاع دادن مؤمنین برای تشییع جنازه (۷) تعجیل در تدفین میت.
- م ۶۲۷- اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید به اندازه‌ای دفن را عقب بیندازند، که تحت نظر متخصص و فردی کاردان پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و محل شکاف را بدوزند.
- م ۶۲۸- تجهیز میت مسلمان (غسل و کفن و نماز و دفن) بر هر مکلفی واجب است. اگر

بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند.

م ۶۲۹- اگر کسی مشغول کارهای میت شود بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند، ولی اگر او عمل را ناتمام رها کند، باید دیگران اقدام و تمام کنند.

م ۶۳۰- اگر انسان یقین کند دیگری مشغول کارهای میت شده واجب نیست به کارهای میت اقدام کند. ولی اگر شک یا گمان دارد باید اقدام نماید.

م ۶۳۱- اگر کسی بداند یکی از کارهای واجب میت باطل انجام شده، باید دوباره انجام دهد. ولی اگر گمان به بطلان دارد یا شک دارد که درست بوده یا نه، لازم نیست اقدام نماید.

م ۶۳۲- برای تجهیز میت، باید از ولی او اجازه بگیرند. ولی زن شوهر اوست. پس از او، اولویت با مردانی است که در ارث بردن مقدم بر دیگران هستند.

م ۶۳۳- اگر کسی بگوید من وصی یا ولی میت یا مجاز از طرف ولی هستم، چنانچه دیگری چنین ادعایی ندارد، انجام کارهای میت با اوست.

م ۶۳۴- اگر میت برای انجام کارهای مربوط به خود، غیر از ولی، کس دیگری را معین کند، احتیاط آن است که ولی و وصی هر دو اجازه بدهند. قبول وصیت برای غیر ولی لازم نیست. ولی اگر قبول کرد، باید به آن عمل نماید.

م ۶۳۵- کالبدشکافی و تشریح اعضای بدن میت برای کشف حقیقت نحوه‌ی قتل و شناسایی قاتل همچنین به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز برای نجات جان بیماران در امور پزشکی و جراحی جایز است.

م ۶۳۶- پیوند اعضای بدن میت به بدن شخص دیگر برای ادامه حیات یا درمان بیماری او در صورتی که هتک حرمت میت نباشد، اشکال ندارد.

احکام غسل میت

م ۶۳۷- غسل میت مثل غسل جنابت است. بنابر احتیاط واجب در صورت امکان غسل ترتیبی، میت را غسل ارتماسی ندهند.

م ۶۳۸- واجب است میت مسلمان را سه غسل بدهند:

- (۱) با آب مخلوط به سدر، (۲) با آب مخلوط به کافور، (۳) با آب خالص.
م ۶۳۹- کسی که در میدان جهاد به دست دشمن شهید شود غسل او واجب نیست. ولی اگر مجروح جنگی در پشت جبهه به شهادت برسد باید غسل داده شود.
- م ۶۴۰-** سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است. ولی اگر به اندازه لازم پیدا نشود، بنابر احتیاط واجب باید همان مقدار موجود را در آب بریزند.
- م ۶۴۱-** اگر سدر و کافور اصلاً پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد، باید به جای هر کدام که ممکن نیست میّت را با آب خالص غسل بدهند.
- م ۶۴۲-** کسی که در حال احرام حج یا عمره پیش از اتمام سعی از دنیا برود، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند.
- م ۶۴۳-** اگر کسی در آب رودخانه یا دریا غرق شده باشد و او را از آب بگیرند، غسل میت از او ساقط نمی‌شود.
- م ۶۴۴-** کسی که میّت را غسل می‌دهد، باید مسلمان و عاقل و ممیز باشد و لازم نیست مسائل غسل میت را بداند، بلکه اگر او را در حین غسل راهنمایی کنند صحیح است.
- م ۶۴۵-** کسی که میّت را غسل می‌دهد، باید قصد قربت داشته باشد. یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند به جا آورد. اجرت گرفتن برای غسل میّت جایز نیست.
- م ۶۴۶-** غسل بچه مسلمان - اگر چه از زنا باشد - واجب است. همچنین بچه دیوانه‌ای که بالغ شده، اگر پدر یا مادرش مسلمان باشند، غسل او واجب است.
- م ۶۴۷-** بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد و خلقتش تمام است باید غسل بدهند. اگر کمتر از چهار ماه است و خلقتش ناقص است، باید آن را بنابر احتیاط در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.
- م ۶۴۸-** کسی که به حکم حاکم شرع به عنوان قصاص یا حد شرعی باید به دار مجازات آویخته شود، خودش باید سه غسل میت را پیش از اعدام انجام دهد.
- م ۶۴۹-** مماثلت در صحت غسل میت شرط است. پس اگر مرد، زن را یا زن، مرد را غسل بدهد باطل است. ولی در خصوص زن و شوهر و کودک سه ساله و کمتر مانع ندارد؛ هر چند

خلاف احتیاط است.

م ۶۵۰- اگر برای غسل دادن میّت مرد، مرد پیدا نشود، یا برای غسل میّت زن، زن دیگری نباشد. محارم نسبی یا سببی یا رضاعی می‌توانند او را غسل بدهند. بهتر است از روی لباس باشد و عورت را بپوشاند و به آن نگاه نکند.

م ۶۵۱- اگر میّت و غسل هر دو مرد یا هر دو زن باشند، جایز است بدن میّت غیر از عورت برهنه باشد.

م ۶۵۲- نگاه کردن به عورت میّت در غیر زن و شوهر حرام است. اگر غسل نگاه کند معصیت کرده است. ولی غسل باطل نمی‌شود.

م ۶۵۳- اگر جایی از بدن میّت نجس باشد، باید پیش از غسل آن‌جا را آب بکشند. بنابر احتیاط مستحب تمام بدن میّت، پیش از غسل باید پاک باشد.

م ۶۵۴- اگر کسی در حال حیض یا جنابت بمیرد، لازم نیست او را غسل حیض یا جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است.

م ۶۵۵- اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید به جای سه غسل، میّت را سه تیمم بدهند. به این ترتیب که شخصی دست خود را بر زمین بزند و به صورت و پشت دستهای میّت بکشد و در تیمم سوم قصد ما فی الذمه کند.

م ۶۵۶- بدنی که اگر او را غسل بدهند، به علت کثرت جراحات یا شکاف‌های عمیق یا فساد اندام‌ها و بافتها متلاشی می‌شود، چنانچه غسل او - با ریختن آب کم‌فشار بر بدن میت یا غسل ارتماسی - ممکن نیست، باید او را تیمم بدهند.

م ۶۵۷- کسی که بر اثر سانحه یا تصادف بدنش متلاشی شده، باید هر اندازه از بدن که سالم است و دارای استخوان است، غسل داده شود. اگر سر و سینه - هر چند شکسته و شکافته - باقی است باید آن را کفن کنند و بر آن نماز بخوانند و اگر سر و سینه از بین رفته است، آن را در پارچه‌ای بپیچند و به خاک بسپارند.

م ۶۵۸- در فرض مذکور اگر امکان غسل نیست، چنانچه دست و سر باقی باشد، باید او را تیمم بدهند. اگر تیمم نیز ممکن نباشد، او را با همان حال در کیسه یا پارچه‌ای قرار دهند و دفن نمایند و غسل و تیمم ساقط است.

احکام کفن میت

م ۶۵۹- میت مسلمان را باید با سه پارچه (لنگ و پیراهن و سرتاسری) کفن نمایند. ولی شهید را باید با همان لباسی که در حال شهادت بر تن داشته به خاک بسپارند.

م ۶۶۰- لنگ باید از ناف تا زانو و پیراهن از سر شانه تا نصف ساق اطراف بدن را بپوشاند، هر چند بهتر است لنگ از سینه تا روی پا و پیراهن از سر شانه تا روی پا را بپوشاند. درازای سرتاسری باید به اندازه‌ای باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن به اندازه‌ای که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

م ۶۶۱- هزینه تهیه پارچه کفنی را به مقدار واجب و نحو متعارف می‌توان از اصل مال میت برداشت. هر چند صغیر داشته باشد. ولی اگر بیش از آن باشد در صورت وصیت باید از ثلث مال محاسبه شود یا از سهم ورثه بالغین باشد.

م ۶۶۲- کفن زن بر شوهر است، اگر چه زن از خود مال داشته باشد. همچنین اگر زن در عده طلاق رجعی بمیرد، شوهرش باید هزینه کفن او را بپردازد. چنانچه شوهر نابالغ یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.

م ۶۶۳- کفن میت بر خویشان او واجب نیست، هر چند میت واجب النفقه آنان باشد. ولی اگر میت مالی ندارد، احتیاط واجب است کسی که مخارج میت بر عهده‌ی او است کفن او را بذل نماید.

م ۶۶۴- کفن کردن با چیز غصبی جایز نیست هر چند چیز دیگری پیدا نشود. چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد، باید از تنش بیرون آورند، اگر چه او را دفن کرده باشند.

م ۶۶۵- کفن کردن میت با چیز نجس و پوست مردار، همچنین بنا بر احتیاط با پارچه ابریشمی خالص یا پارچه زربافت جائز نیست. ولی در حال ناچاری اشکال ندارد.

م ۶۶۶- کفن کردن با پوست حیوان هر چند حلال گوشت باشد در حال اختیار جائز نیست.

- ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد.
- م ۶۶۷- اگر کفن میّت به نجاست آلوده شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند، هر چند او را در قبر گذاشته باشند و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست، در صورت امکان بهتر است عوض نمایند.
- م ۶۶۸- مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن و سدر و کافور خود را از مال حلال تهیه کند. گاهی به آنها نگاه کند و به سرانجام خویش بیندیشد و عبرت بگیرد.
- م ۶۶۹- مستحب است کسی که مشرف به مکه شده، با دو لباس احرام خود به عنوان لنگ و پیراهن کفن شود. اگر در حال احرام بمیرد پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

احکام حنوط

- م ۶۷۰- پس از غسل، واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به اجزاء سجده - پیشانی، کف دستها، سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها - کافور بمالند. مالیدن کافور به سر بینی میت مستحب است و باید کافور پاک، مباح، ساییده، تازه و دارای عطر باشد.
- م ۶۷۱- بهتر است اول کافور را به پیشانی بمالند و حنوط میّت پیش از کفن کردن باشد. اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد.
- م ۶۷۲- اگر کسی در حال احرام حج یا عمره از دنیا برود حنوط او جایز نیست. ولی اگر در حج پس از اتمام سعی بمیرد، حنوط او واجب است. همچنین اگر زنی در عده وفات شوهر بمیرد حنوط او واجب است.
- م ۶۷۳- خوشبو کردن میّت با مشک و عنبر و عود و عطرهاى دیگر، همچنین افزودن آنها به کافور برای حنوط مکروه است. ولی افزودن مقدار کمی تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام به کافور مستحب است.
- م ۶۷۴- اگر کافور به اندازه غسل و حنوط نباشد، بنابر احتیاط واجب غسل را مقدّم دارند و اگر برای حنوط هفت عضو کافی نباشد، پیشانی را مقدّم دارند.

نماز میّت

- م ۶۷۵-** نماز خواندن بر جنازه مسلمان حتی کودک شش ساله پس از غسل و حنوط و کفن واجب است. نماز بر بدن شهید نیز واجب است. هر چند غسل و کفن ندارد.
- م ۶۷۶-** طهارت از حدث و خبث در صحت نماز میّت شرط نیست. پس اگر بدون وضو و غسل و با بدن و لباس نجس نماز بخواند صحیح است.
- م ۶۷۷-** کسی که بر میّت نماز می خواند، باید رو به قبله بایستد و میّت را مقابل او به پشت بخوابانند به طوری که سر او طرف راست نمازگزار و پای او طرف چپ نمازگزار باشد.
- م ۶۷۸-** مکان نمازگزار باید از جای میّت پست تر یا بلندتر نباشد. ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد. بنا بر احتیاط مستحب غصبی هم نباشد.
- م ۶۷۹-** نماز میّت را می توان به صورت جماعت یا فرادی بجا آورد. و تکرار آن به هر دو صورت جایز است. بنابراین اشخاص متعدد می توانند به طور فرادی جداگانه نماز میّت بخوانند، همچنانکه خواندن نماز میّت با جماعت متعدد جایز است.
- م ۶۸۰-** اگر همزمان چند نماز میّت خوانده می شود تا زمانی که نماز کسی تمام نشده، همه می توانند قصد وجوب داشته باشند. ولی هنگامی که نماز یکی از آنان تمام شد، بقیه باید قصد قربت یا استحباب کنند.
- م ۶۸۱-** اگر نماز میّت به جماعت برگزار شود مأمومین نیز باید تکبیرها را بگویند و دعاهای مخصوص را بخوانند. هر چند نماز امام کفایت از دیگران می کند.
- م ۶۸۲-** نمازگزار باید مقابل میّت و نزدیک او باشد. ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود نماز کسانی که از میّت دور و در دو طرف او هستند به شرط اتصال صفوف اشکال ندارد.
- م ۶۸۳-** بین میّت و نمازگزار نباید چیزی حائل باشد. ولی بودن میّت در تابوت اشکال ندارد.
- م ۶۸۴-** اگر کفن پاره شود و تجدید آن ممکن نباشد، باید هنگام خواندن نماز، عورت میّت را به هر وسیله ممکن بپوشانند.
- م ۶۸۵-** نماز میّت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند. هنگام نیّت، میّت را معین کند.

اگر کسی نباشد که ایستاده بخواند، باید نشسته بر او نماز خواند.
م ۶۸۶- اگر میّت وصیّت کرده باشد شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولیّ میّت اجازه بگیرد، ولیّ هم اجازه بدهد.
م ۶۸۷- اگر میّت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، تا وقتی جسد متلاشی نشده، واجب است با رعایت شرائط نماز میّت به قبرش نماز بخوانند.

کیفیت نماز میّت

م ۶۸۸- نماز میّت پنج تکبیر دارد. اگر نماز گزار به این ترتیب بگوید کافی است:
 پس از نیّت و تکبیر اوّل شهادتین بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله». بعد از تکبیر دوّم صلوات بفرستد: «اللهم صل على محمد و آل محمد». پس از تکبیر سوّم برای اهل ایمان دعا کند: «اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات». بعد از تکبیر چهارم برای میّت طلب مغفرت نماید. برای میت مرد بگوید: «اللهم اغفر لهذا الميت» و اگر زن است بگوید: «اللهم اغفر لهذا الميت» و بعد تکبیر پنجم را بگوید. صورت تفصیل نماز میت به این ترتیب است:
 پس از تکبیر اول بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله، وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، ارسله بالحق بشيراً و نذيراً بين يدي الساعة». پس از تکبیر دوم بگوید: «اللهم صل على محمد و آل محمد و بارک على محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلّيت و بارکت و ترحمت على ابراهيم و آل ابراهيم انک حمید مجید و صلّ على جميع الانبياء و المرسلين والشهداء والصديقين و جميع عبادالله الصالحين». پس از تکبیر سوم بگوید: «اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات و المسلمات، الاحياء منهم و الاموات، تابع بيننا و بينهم بالخيرات انک مجيب الدعوات انک على كل شيء قدير». پس از تکبیر چهارم اگر میّت مرد است بگوید: «اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک و انت خير منزل به» اللهم انا لا نعلم منه الا خيراً و انت اعلم به منا، اللهم ان کان

محسناً فزد فی احسانه و ان کان مسیئاً فتجاوز عنه و اغفر له، اللهم اجعله عندک فی اعلیٰ علیین و اخلف علی اهلہ فی الغابین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین».

اگر میّت زن است بگوید: «اللهم ان هذه امتک و ابنة عبدک و ابنة امتک، نزلت بک و انت خیر منزول به، و بقیه دعا را با رعایت ضمیر مونث بخواند و بعد تکبیر پنجم را بگوید.

مستحبات نماز میّت

م ۶۸۹- چند چیز در نماز میّت مستحب است.

- (۱) کسی که نماز میّت می خواند با وضو یا غسل باشد. در صورت عدم امکان تیمم کند.
- (۲) اگر میّت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز می خواند مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میّت زن است مقابل سینه اش بایستد.
- (۳) پا برهنه نماز بخواند.
- (۴) در هر تکبیر دستها را بلند کند.
- (۵) فاصله نمازگزار با میّت بسیار کم باشد.
- (۶) نماز میّت را به جماعت بخواند.
- (۷) امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و دیگران آهسته بخوانند.
- (۸) در جماعت اگر چه مأموم یک نفر باشد، پشت سر امام بایستد.
- (۹) نمازگزار به میّت و مؤمنین زیاد دعا کند.
- (۱۰) پیش از نماز سه مرتبه بگوید: «الصلاه».
- (۱۱) نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آن جا می روند.
- (۱۲) زن حائض برای نماز میّت به جماعت در صفی تنها بایستد.
- (۱۳) خواندن نماز میّت در مساجد غیر از مسجدالحرام مکروه است.

احکام دفن

م ۶۹۰- واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان نتوانند بدنش را بیرون آورند. اگر دفن در زمین ممکن نباشد، او را در بنا یا تابوت بگذارند و اطراف آن را محکم ببندند.

م ۶۹۱- میت را باید در قبر به پهلوئی راست طوری بخوابانند که رو به قبله باشد.

م ۶۹۲- دفن چند میت در یک قبر جایز نیست. مگر شهیدان که می‌توان چند شهید را در یک جا دفن نمود. دفن میت در قبرهای چند طبقه به طور جداگانه اشکال ندارد.

م ۶۹۳- اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند. و گرنه، باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت او را در بشکه یا هر چیز مناسبی بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند تا طعمه حیوانات دریایی نشود و اگر ممکن نیست چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند.

م ۶۹۴- اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و به او آسیب برساند، چنانچه ممکن باشد باید به نحو مذکور او را به دریا بیندازند.

م ۶۹۵- مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را در صورت لزوم، باید از اصل مال میت بردارند.

م ۶۹۶- اگر زن کافری بمیرد و بچه در شکم او نیز بمیرد، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلوئی چپ پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد. هر چند هنوز روح در جنین داخل نشده باشد.

م ۶۹۷- دفن کافر، در قبرستان مسلمانان و دفن مسلمان در قبرستان کفار و جایی که هتک حرمت او باشد، مانند محل ریختن و جمع‌آوری زباله و کثافت جایز نیست.

م ۶۹۸- دفن میت در جای غصبی و زمین موقوفه برای غیر قبرستان مانند مسجد و مدرسه، و در قبر دیگری پیش از محو قبر و تلاشی میت جائز نیست.

م ۶۹۹- اجزاء جدا شده از میت - اگر چه مو و ناخن و دندان باشد - باید با او دفن شود.

دفن ناخن و دندان‌هایی که در حال حیات از انسان جدا می‌شود مستحب است.

م ۷۰۰- اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند. در صورتی که چاه مال غیر باشد باید به نحوی او را راضی کنند.

م ۷۰۱- اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به هر طریق ممکن او را بیرون آورند. ولی باید توسط شوهر یا متخصص زن اقدام شود و اگر ممکن نیست از محارم و افراد کاردان استفاده شود.

م ۷۰۲- هرگاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد - اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند - باید با رعایت ترتیب فوق‌الذکر شکم مادر را بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند.

مستحبات دفن

م ۷۰۳- رعایت امور زیر در دفن میت مستحب است:

(۱) گودی قبر به اندازه قامت انسان متوسط باشد.

(۲) میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که میت وصیتی داشته باشد یا بخواهند او را به مشاهد مشرفه، حرم امام و مزار امام زادگان انتقال بدهند.

(۳) جنازه را در چند قدمی قبر، زمین بگذارند و در سه نوبت آن را بردارند و نزدیک ببرند و زمین بگذارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند.

(۴) اگر میت مرد است در دفعه‌ی سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه‌ی چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند. اگر زن است در دفعه‌ی سوم طرف قبله‌ی قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن، پارچه‌ای روی قبر بگیرند.

(۵) جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهای وارده را پیش از دفن و موقع دفن بخوانند. مانند: «بسم الله و بالله، و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله، اللهم صل علی محمد و ال محمد، اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه»

«اللهم جاف الارض عن جنبيه و صعّد روحه الی ارواح المؤمنین فی علیین و ألحقه بالصالحین»

- ۶) میت زن را محارم او در قبر بگذارند.
- ۷) هنگام گذاشتن میت در قبر، سوره حمد و اخلاص و معوذتین و آیه الکرسی را بخوانند.
- ۸) بعد از آن که میت را در لحد گذاشتند، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند.
- ۹) پشت میت، خشت خام یا مقداری خاک بگذارند که میت به پشت برنگردد.
- ۱۰) کسی که میت را در قبر می‌گذارد، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید.
- ۱۱) کسانی که با میت خویشاوند نیستند با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «انا لله و انا الیه راجعون».

تلقین میت

- م ۷۰۴- برای تلقین میت باید دست راست را بر شانه‌ی میت بگذارد و سه مرتبه بگوید: «اسمع افهم» و اسم میت و پدرش را ببرد. مثلاً اگر اسم او محمد و اسم پدرش علی است سه مرتبه بگوید: «اسمع افهم یا محمدبن علی»
- سپس او را نسبت به پیمانی که با خدای خویش بسته بود مبنی بر یکتاپرستی و رسالت و خاتمیت رسول اکرم و ولایت و امامت دوازده معصوم یادآور شود و بگوید:
- «هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً (صلی الله علیه وآله) عبده و رسوله و سید النبیین و خاتم المرسلین و ان علیاً امیر المؤمنین و سید الوصیین و امام افتراض الله طاعته علی العالمین و ان الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم الحجة المهدی صلوات الله علیهم ائمة المؤمنین و حجج الله علی الخلق اجمعین و ائمتک ائمة هدی بک ابرار»
- بار دیگر خطاب به او با ذکر اسم میت و پدرش سؤالاتی را که نکیر و منکر درباره خدا و پیامبر و دین و کتاب و قبله و امامان معصوم و تولی و تبری از او می‌پرسند پاسخ آنها را به او یادآور شود. و چنین بگوید:

«یا فلان بن فلان اذا اتاك الملكان المقربان رسولین من عندالله تبارك و تعالى و سئلاك عن ربك و عن نبیک و عن دینك و عن كتابك و عن قبلتك و عن ائمتك فلا تخف ولا تحزن و قل فی جوابهما: الله ربی و محمد صلی الله علیه و اله نبیی و الاسلام دینی و القرآن کتابی و الكعبة قبلتی و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب امامی و الحسن بن علی المجتبی امامی و الحسین بن علی الشهید بکربلاء امامی و علی زین العابدین امامی و محمد الباقر امامی و جعفر الصادق امامی و موسی الكاظم امامی، و علی الرضا امامی، و محمدالجواد امامی، و علی الهادی امامی و الحسن العسکری امامی، و الحجة المنتظر امامی، هولاء صلوات الله علیهم اجمعین ائمتی و سادتی و قادتی و شفعاؤی، بهم اتولی و من اعدائهم اُتبرء فی الدنيا والاخره»

بار دیگر اصول عقاید اسلام را پیرامون معاد و قیامت، صراط و میزان، بهشت و دوزخ مورد تأکید قرار دهد و بگوید:

«اعلم یا فلان بن فلان ان الله تبارك و تعالى نعم الرب و ان محمداً صلی الله علیه و اله نعم الرسول و ان علی بن ابی طالب اولاده المعصومین الائمة الاثنی عشرنعم الائمة و ان ماجاء به محمد (صلی الله علیه و اله) حق و ان الموت حق و سؤال منكر و نكير فی القبر حق و البعث حق و النشور حق و الصراط حق و میزان حق و تطایر الكتب حق و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعه آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور»

پس بگوید: «افهمت یا فلان ثبتك الله بالقول الثابت و هداك الی صراط مستقیم، عرف الله بینك و بین اولیائك فی مستقر من رحمته» آنگاه بگوید: «اللهم جاف الارض عن جنبیه و اصعد بروحه الیک و لقه منك برهانا، اللهم عفوك عفوك».

م ۷۰۵- پس از دفن میت چند چیز مستحب است:

- ۱) قبر را به شکل مربع یا مربع مستطیل بسازند.
- ۲) روی قبر را به اندازه چهار انگشت باز از زمین بالا بیاورند.
- ۳) نشانه ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود.
- ۴) روی خاک قبر از طرف بالا سر تا پایین پا آب بپاشند.
- ۵) حاضرین انگشتان دست را به حالت باز بر قبر بگذارند و برای میت دعا کنند و فاتحة الكتاب و آية الكرسي و هفت مرتبه سوره قدر بخوانند.

- ۶) افراد حاضر ضمن اظهار همدردی، بازماندگان را تسلیت دهند.
- ۷) پس از رفتن همراهان، ولی میت بار دیگر او را تلقین دهد.
- ۸) قبر را محکم بسازند که زود خراب نشود.
- ۹) همسایگان و نزدیکان، بازماندگان را در انجام کارها به ویژه تهیه غذا برای خانواده میت تا سه روز مساعدت نمایند.
- ۱۰) فرزندان کنار قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند.
- ۱۱) هر وقت به یاد میت افتادند کلمه استرجاع بر زبان بیاورند و از خداوند برایش طلب مغفرت کنند.
- ۱۲) در غم فقدان عزیزان به ویژه فرزند خود صبور باشد و بیتابی نکند و به قضای الهی راضی باشد.
- م ۷۰۶- آسیب رساندن به بدن، در مرگ عزیزان جائز نیست. پاره کردن یقه و لباس توسط مرد و خراشیدن صورت یا کندن مو توسط زن موجب کفاره است و باید به ده فقیر غذا بدهد یا برای آنان لباسی مناسب تهیه نماید.

نماز وحشت

- م ۷۰۷- مستحب است در شب اول قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میت به این ترتیب بخوانند در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیه الكرسي و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره ی انا انزلناه بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند «اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها الی قبر فلان» و به جای کلمه فلان اسم میت را بگویند.
- م ۷۰۸- نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می توان خواند. ولی بهتر است بعد از نماز عشاء خوانده شود. چنانچه اگر میت در روز فوت دفن نشود، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تأخیر بیندازند.

نبش قبر

م ۷۰۹- شکافتن قبر مسلمان، اگر چه طفل یا دیوانه باشد حرام است؛ ولی اگر بدن متلاشی و استخوانها خاک شده باشد اشکال ندارد.

م ۷۱۰- نبش قبر امامزاده‌ها، شهیدان، عالمان و صالحان اگر چه سالها بر آن گذشته باشد جایز نیست.

م ۷۱۱- اگر ضرورت یا مصلحت اقتضا کند میت از محل دفن به جای دیگر منتقل شود، می توان میت را با قبر به گونه‌ای که جسد ظاهر نشود به جای دیگر منتقل نمود.

م ۷۱۲- شکافتن قبر در موارد زیر حرام نیست.

(۱) دفن میت در زمین غصبی باشد و مالک راضی نشود.

(۲) میت با کفن یا هر چیز غصبی بدون رضایت مالک دفن شده باشد.

(۳) میت بدون غسل یا بدون کفن دفن شده باشد یا بفهمند غسل و کفن مطابق دستور شرع نبوده، یا او را رو به قبله نگذاشته‌اند، شکافتن قبر در تمام این موارد، در صورتی که موجب هتک احترام میت نشود، جایز است.

(۴) برای ثابت شدن حقی نیاز به شناسایی و معاینه میت باشد.

(۵) میت را در جایی که بی‌احترامی به او است مثل قبرستان کفار یا محل ریختن زباله و کثافت دفن کرده باشند.

(۶) امر مهمی باشد مثلاً بخواهند بچه زنده را از شکم زن حامله‌ای که دفنش کرده‌اند بیرون آورند.

(۷) بیم آن باشد که درنده‌ای بدن میت را پاره کند، یا سیل او را ببرد یا دشمن او را بیرون آورد و آسیب برساند.

(۸) جزئی از بدن میت را که با او دفن نشده، بخواهند دفن کنند. ولی باید آن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.

احکام نماز

اهمیت نماز

نماز جلوه ایمان و شکوه انسان است. نماز کیمیای سعادت و ضامن سلامت است. نماز اوج گرفتن و عروج کردن است، نماز رهایی از بردگی و آزادی از هرزگی است. نماز ربط ممکن به واجب است. نماز حلقه وصل خلق به خالق است. نماز پرچم اسلام و ستون دین است. نماز صفای قلب و جلای روح است. نماز تعظیم و تکریم معبود است. نماز خشوع و خضوع در برابر جمال و جلال محبوب است.

در اهمیت نماز همین بس که بیش از هشتاد بار لفظ نماز در قرآن به کار رفته است و با لحاظ مشتقات آن حدود صد بار درباره آن سخن گفته شده است.

ابراهیم خلیل آنگاه که به مقام ولایت و امامت نائل گشت در کنار خانه خدا چنین دعا کرد: «رب اجعلنی مقیم الصلوه و من ذریتی» خدایا، مرا و فرزندانم را برپا دارندگان نماز قرار بده و هنگامی که خانواده خود را در آن سرزمین خشک و سوزان کنار کعبه اسکان داد اظهار داشت: «ربنا لیقیموا الصلوة». همچنین قرآن مجید وقتی نشانه‌های اهل ایمان را ذکر می‌کند، اولین و آخرین اوصاف آنان را اهتمام به نماز برمی‌شمرد. «الذین هم فی صلواتهم خاشعون ... و الذین هم علی صلواتهم یحافظون.»

آری، نماز مهم‌ترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر نیز قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر نیز قبول نمی‌شود. همان‌طور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم

انسان را از گناهان پاک می‌کند. سزاوار است انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را سبک شمارد، ارج و اجری ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را خیلی سریع و بدون طمأنینه به جا آورد، حضرت فرمود اگر او در این حال از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است.

یکی از نکات مهم که نمازگزار باید رعایت نماید حضور قلب است. یعنی آنچه را بر زبان جاری می‌کند و آنچه را اندام‌ها انجام می‌دهند، اقوال و افعال مورد تصدیق و اذعان قلب قرار بگیرد. راه تحصیل حضور قلب، درک مفاهیم الفاظ، التفات به اسرار نهفته در افعال و اذکار نماز و اجزاء و شرائط آن، توجه به عظمت پروردگار و اوصاف جمال و جلال است.

همچنین نمازگزار بسیار توبه و استغفار نماید. از گناهانی که مانع قبولی نماز است، مانند حسد، کبر، غیبت، لقمه‌ی حرام، ندادن خمس و زکات اجتناب ورزد. کارهایی را که موجب کاهش ثواب نماز است ترک نماید، مثلاً در حال خواب‌آلودگی و نیاز به تخلی به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند. و کارهایی را که موجب افزایش ثواب نماز است مانند پوشیدن لباس پاکیزه و ویژه نماز، شانه کردن موها، مسواک زدن، خوشبو کردن خود و انگشتری به دست کردن به جا آورد.

نمازهای واجب

مسألة ۷۱۳- نمازهای واجب پنج است: (۱) نماز یومیه، (۲) نماز قضای پدر بر پسر. (۳) نماز آیات، (۴) نماز میت، (۵) نماز طواف واجب.

نمازهای واجب یومیه

م ۷۱۴- نمازهای واجب یومیه پنج است: ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت، صبح دو رکعت.

م ۷۱۵- انسان در سفر و خطر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می‌شود دو رکعت بخواند.

اوقات نماز

وقت نماز ظهر و عصر

- م ۷۱۶-** وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا غروب آفتاب است.
- م ۷۱۷-** برای تشخیص ظهر شرعی باید چوب صاف یا میله‌ای راست به طور عمودی در زمین هموار فرو برد. هرگاه سایه غربی آن زائل شود یا به حداقل برسد و سایه آن در طرف شرق قرار گیرد ظهر شرعی و اول وقت نماز ظهر است.
- م ۷۱۸-** چوب یا وسیله‌ای را که برای تشخیص ظهر به زمین فرو می‌برند شاخص گویند.
- م ۷۱۹-** نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر به اندازه خواندن آن است. وقت مخصوص نماز عصر به اندازه خواندن آن پیش از غروب آفتاب است.
- م ۷۲۰-** خواندن نماز عصر در وقت مخصوص نماز ظهر و خواندن نماز ظهر در وقت مخصوص نماز عصر باطل است.
- م ۷۲۱-** اگر کسی در وقت مشترک پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود، هرگاه در بین نماز بفهمد باید نیت را به نماز ظهر برگرداند. یعنی بنا بگذارد آنچه خوانده و می‌خواند نماز ظهر باشد. پس از آن نماز عصر بخواند. ولی اگر پس از اتمام نماز متوجه اشتباه خود بشود، کافی است چهار رکعت دیگر به قصد مافی‌الذمه بجا آورد.
- م ۷۲۲-** در ظهر روز جمعه در زمان حضور و حاکمیت امام معصوم خواندن نماز جمعه به جای نماز ظهر واجب تعیینی است. ولی در دوران غیبت با اجتماع شرائط واجب تخییری است. احکام نماز جمعه به طور جداگانه پس از نماز جماعت خواهد آمد.
- م ۷۲۳-** اگر کسی نماز ظهر را تا وقت اختصاصی نماز عصر نخواند، باید نماز عصر را در وقت بخواند و نماز ظهر را پس از آن قضا کند.

وقت نماز مغرب و عشاء

- م ۷۲۴-** وقت نماز مغرب و عشاء از اول مغرب تا نیمه شب است.
- م ۷۲۵-** مغرب هنگام غروب آفتاب و پنهان شدن قرص خورشید است و بنابر احتیاط باید

سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بالای سر انسان بگذرد. نیمه شب را از اول غروب تا اذان صبح باید حساب کرد.

م ۷۲۶- نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب به اندازه خواندن سه رکعت است. وقت مخصوص نماز عشاء به اندازه خواندن نماز عشاء پیش از نیمه شب است. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشاء وقت مشترک آن دو می‌باشد.

م ۷۲۷- اگر کسی در وقت مشترک اشتبهاً نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را پس از آن به جا آورد.

م ۷۲۸- اگر کسی تمام نماز عشاء را سهواً در وقت مخصوص نماز مغرب بخواند مانند مسافر، باطل است و اگر کسی نماز مغرب را تا وقت مخصوص عشاء نخواند باید اول نماز عشا را در وقت بخواند، سپس نماز مغرب را قضا نماید.

م ۷۲۹- اگر کسی در وقت مشترک پیش از نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشاء شود چنانچه قبل از رکوع رکعت چهارم بفهمد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند، سپس نماز عشاء را بخواند و چنانچه پس از آن متوجه شود نمازش را تمام کند و سپس نماز مغرب را بجا آورد.

م ۷۳۰- اگر کسی نماز عشاء را تا نصف شب نخواند، بنابراین احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح، به نیت مافی‌الذمه به جا آورد و بعد از آن قضا می‌شود.

وقت نماز صبح

م ۷۳۱- وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب است. هنگام صبح نور سفیدی در افق مشرق ظاهر می‌شود که آن را فجر کاذب گویند. هنگام پهن شدن سپیدی در افق آن را فجر صادق می‌گویند.

احکام وقت نماز

م ۷۳۲- دخول وقت نماز را از چند راه می‌توان فهمید.

- ۱- خود انسان یقین کند وقت داخل شده است.
- ۲- دو مرد عادل یا فردی مورد اطمینان به دخول وقت خبر دهند.
- ۳- اذان شخص وقت شناسی و مورد اطمینان.
- ۴- هر راه اطمینان آور مانند محاسبات علمی منجمین و ساعت دقیق.

م ۷۳۳- اگر به سبب مانع عمومی مانند ابر یا غبار یا عذر شخصی مانند حبس یا کوری علم به دخول وقت حاصل نشود، باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا بینه پیدا کند.

م ۷۳۴- اگر کسی علم قطعی یا ظن معتبر به دخول وقت داشت و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است. همچنین اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده است. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

م ۷۳۵- در مناطقی که مجموع روز و شب ۲۴ ساعت است، هرچند طول روز بسیار بلند و طول شب بسیار کوتاه باشد، باید طبق وظیفه معمول عمل نمود. یعنی نماز صبح را پیش از طلوع آفتاب، ظهر را در نیمروز پس از زوال و مغرب را پس از غروب به‌جا آورد.

م ۷۳۶- در مناطقی که طول روز و شب بیش از ۲۴ ساعت است، خورشید چندین روز غروب نمی‌کند یا چندین شب طلوع نمی‌کند، می‌توان وقت شرعی نماز و روزه را طبق یکی از این سه مورد قرار داد.

الف) اوقات شرعی مکه ب) اوقات شرعی وطن خود

ج) نزدیک‌ترین منطقه سکونت خود که وضع زمانی عادی دارد.

م ۷۳۷- اگر انسان بدون تحقیق از داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد تمام نماز را در وقت خوانده نماز او صحیح است. ولی اگر بداند حتی بخشی از نماز را پیش از وقت خوانده، نمازش باطل است.

م ۷۳۸- اگر کسی با اطمینان به دخول وقت مشغول نماز شود چنانچه در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است. ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت

- شده، و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.
- م ۷۳۹-** اگر وقت نماز تنگ باشد به طوری که انجام مستحبات مانند قنوت و اقامه، موجب شود که مقداری از واجبات نماز در خارج وقت قرار بگیرد. باید مستحبات نماز را ترک کند.
- م ۷۴۰-** کسی که به اندازه یک رکعت وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند. ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.
- م ۷۴۱-** کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را به نیت ادا بخواند. اگر کمتر وقت دارد باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند. همچنین اگر تا نصف شب به اندازه پنج رکعت وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را به نیت ادا بخواند. اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشاء را بخواند و بعداً نماز مغرب را به نیت مافی‌الذمه بجا آورد.
- م ۷۴۲-** اگر مسافر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند. اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند. اگر تا نیمه شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشاء را بخواند و اگر کمتر وقت دارد باید فقط عشاء را بخواند و بعداً مغرب را به نیت مافی‌الذمه بجا آورد.
- م ۷۴۳-** نماز اول وقت فضیلت بسیار دارد. تأخیر آن جز در مورد امید به رفع عذر یا درک فضیلت بیشتر مانند نماز جماعت شایسته نیست.
- م ۷۴۴-** کسی که عذری دارد چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. ولی اگر احتمال دهد عذر او از بین می‌رود باید صبر کند تا عذرش برطرف شود. چنانچه عذر برطرف نشد، در آخر وقت تیمم کند و نمازش را به جا آورد.
- م ۷۴۵-** کسی که مسائل نماز و شکیات و سهویات را نمی‌داند و احتمال می‌دهد یکی از این‌ها در نماز پیش‌آید، باید برای یاد گرفتن آن‌ها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد. ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اول وقت مشغول نماز شود.
- م ۷۴۶-** اگر برای کسی در بین نماز مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش‌آید، می‌تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد، عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

م ۷۴۷- اگر مسجد نجس شده باشد یا طلبکار طلب خود را مطالبه می‌کند، چنانچه وقت نماز موسع است باید اول مسجد را تطهیر کند و قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند. اگر اول نماز بخواند، معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است. و چنانچه وقت نماز مضیق باشد باید نماز را مقدم بدارد.

م ۷۴۸- مستحب است انسان نمازهای یومیه را در پنج نوبت و در وقت فضیلت بجا آورد. هر چند، جمع بین نماز ظهر و عصر، و نماز مغرب و عشاء جایز است.

م ۷۴۹- وقت فضیلت نماز ظهر تا زمانی است که سایه شاخص در طرف مشرق به اندازه شاخص شود و وقت فضیلت نماز عصر تا زمانی است که سایه شاخص به دو برابر آن برسد. وقت فضیلت نماز مغرب تا زمانی است که سرخی طرف مغرب از بین می‌رود. وقت فضیلت نماز عشاء پس از زوال حمزه مغربیه تا یک سوم شب است. وقت فضیلت نماز صبح از طلوع فجر تا هنگامی که آسمان از تاریکی به روشنایی بگراید.

رعایت ترتیب

م ۷۵۰- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشاء را بعد از نماز مغرب بخواند. اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است. **م ۷۵۱-** اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی‌تواند نیت را به نماز عصر برگرداند. بلکه باید آن را رها کند و نماز عصر بخواند و حکم در نماز مغرب و عشاء نیز همین‌طور است.

م ۷۵۲- اگر در بین نماز عصر یقین کند نماز ظهر را نخوانده است، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و پس از آن نماز عصر بخواند. چنانچه پس از داخل شدن در رکن یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده، نمازش باطل است و باید نماز عصر را بخواند. ولی اگر پیش از داخل شدن در رکن یادش بیاید باید نیت را به نماز عصر برگرداند و آنچه (حمد و سوره) به نیت ظهر خوانده دوباره به نیت عصر بخواند و نمازش صحیح است.

م ۷۵۳- اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیت را به نماز

ظهر برگرداند. ولی اگر وقت تنگ است نماز را به نیت عصر تمام کند و به شک خود اعتنا نکند و بنا بگذارد که نماز ظهر را به جا آورده است.

م ۷۵۴- اگر در نماز عشاء پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت تنگ است باید به نیت عشاء نماز را تمام کند و بنا بگذارد که نماز مغرب را خوانده است. چنانچه وقت کافی دارد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند، بعد نماز عشاء را بخواند.

م ۷۵۵- اگر در نماز عشاء بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه در وقت مشترک باشد باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند و بنا بر احتیاط واجب نماز عشاء را اعاده کند. ولی اگر این شک در وقت مخصوص نماز عشاء باشد خواندن نماز مغرب لازم نیست.

م ۷۵۶- عدول از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست. ولی عکس آن مانع ندارد.

نمازهای مستحب

م ۷۵۷- نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله گویند و به خواندن نافله‌های شبانه روز بیشتر سفارش شده است.

م ۷۵۸- نوافل یومیه مجموعاً ۳۴ رکعت به شرح زیر است که به صورت دو رکعتی مانند نماز صبح به جا آورده می‌شود.

- (۱) نافله ظهر، هشت رکعت قبل از نماز ظهر از اول ظهر تا دو هفتم سایه شاخص.
- (۲) نافله عصر هشت رکعت قبل از نماز عصر، بعد از نماز ظهر تا چهار هفتم سایه شاخص.
- (۳) نماز مغرب چهار رکعت بعد از نافله مغرب.
- (۴) نافله عشاء، دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء که یک رکعت حساب می‌شد و وقت آن تا نیمه شب ادامه دارد و به آن وتیره گفته می‌شود.
- (۵) نافله شب، یازده رکعت از نیمه‌ی شب تا سپیده دم. ولی ثلث آخر شب و وقت سحر بهتر است.

۶) نافله صبح، دو رکعت قبل از نماز صبح از هنگام آشکار شدن نور سفید تا نور سرخ در طرف مشرق.

م ۷۵۹- در روز جمعه چهار رکعت به نوافل ظهر و عصر اضافه می‌شود و مجموعاً بیست رکعت می‌شود. مستحب است شش رکعت هنگام پهن شدن آفتاب، شش رکعت وقت بالا آمدن خورشید، شش رکعت پیش از زوال ظهر و دو رکعت وقت زوال به جا آورده شود.

م ۷۶۰- نوافل شب، شامل هشت رکعت به نیت نافله‌ی شب، دو رکعت به نیت شفع و یک رکعت به نیت وتر می‌باشد.

م ۷۶۱- در نماز وتر از نوافل شب، پس از قرائت حمد و سوره در حال قنوت به این ترتیب عمل نماید:

۱) دعای فرج بخواند: لا اله الا الله الحليم الكريم...

۲) برای آمرزش چهل مومن (مرد یا زن، زنده یا مرده) دعا کند.

۳) استغفرالله ربی و أتوب الیه (۷۰ بار)

۴) الهی هذا مقام العائذ بك من النار (۷ بار)

۵) «العفو» (۳۰۰ مرتبه)

۶) رب اغفرلی و ارحمنی رب علی، انک انت التواب الرحیم (۱۰ بار)

۷) از خداوند متعال حاجات خود را بخواهد.

سپس به رکوع و سجود برود و نمازش را تمام کند و پس از نماز صد بار صلوات بفرستد.

م ۷۶۲- نمازهای نافله را می‌توان نشسته خواند. ولی بهتر است دو رکعت نشسته را یک رکعت حساب کند. مثلاً نافله‌ی صبح را دو نماز دو رکعتی نشسته و نماز وتر را دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند.

م ۷۶۳- نافله‌ی ظهر و عصر در سفر ساقط است. ولی بقیه‌ی نوافل را در سفر هم می‌توان بجا آورد.

م ۷۶۴- مسافر و هرکس نتواند نافله‌ی شب را پس از نیمه شب بخواند، می‌تواند آن را در اول شب به جا آورد.

نماز غفيله

م ۷۶۵- یکی از نمازهای مستحبی نماز غفيله است که پس از نماز مغرب اول وقت به ترتیب زیر خوانده می‌شود: در رکعت اول پس از حمد این آیه را بخواند:

«وَأَلْآنَ الْإِنسَانِ أَدْبَاهُ مَغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ».

و در رکعت دوم پس از حمد این آیه را بخواند: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ بِمِيزِينَ»

و در قنوت آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ»، آنگاه حاجت خود را بخواهد و دعا کند.

سپس بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلي نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَي طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي».

احکام قبله

م ۷۶۶- مکان و فضای خانه کعبه که در مکه معظمه می‌باشد قبله مسلمانان است. هر کس در هر جا باشد باید نمازهای واجب را رو به آن بخواند. ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگوید رو به قبله نماز می‌خواند کافی است. همچنین است کارهای دیگری (مانند ذبح حیوانات) که باید رو به قبله انجام گیرد.

م ۷۶۷- ملاک رو به قبله بودن آن است که طوری قرار بگیرد که صورت و سینه او رو به قبله باشد، خواه نمازش را ایستاده بخواند یا نشسته یا به پهلو خوابیده باشد.

م ۷۶۸- کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو راست و در صورت عدم امکان به پهلو چپ طوری قرار بگیرد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. اگر ممکن نیست باید به پشت بخوابد به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

م ۷۶۹- نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده و سجده‌ی سهو را باید رو به قبله به

جا آورد.

م ۷۷۰- نماز مستحبی را می‌توان در حال حرکت پیاده یا سواره خواند و در این صورت لازم نیست رو به قبله باشد.

م ۷۷۱- تشخیص قبله از چند راه ممکن است:

- ۱) خود انسان اهل تشخیص باشد و یقین پیدا کند.
- ۲) دو شاهد عادل یا فرد مورد اطمینان از روی نشانه‌های حسی گواهی بدهند.
- ۳) از طریق محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر شناسایی کند.
- ۴) کسی از طریق قواعد علمی و ابزار خاص مانند قبله‌نما قبله را تعیین نماید و انسان اطمینان یا گمان پیدا کند، هر چند گوینده خبر فاسق یا کافر باشد.

م ۷۷۲- اگر راهی برای یافتن قبله وجود نداشته باشد و انسان نتواند قبله را بشناسد چنانچه وقت نماز وسعت دارد بنا بر احتیاط واجب چهار نماز به چهار طرف بخواند. اگر وقت تنگ است باید یک نماز به هر طرفی که می‌تواند بخواند. باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده یا اگر از قبله منحرف بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

م ۷۷۳- اگر یقین یا گمان کند قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند. اگر بداند قبله در یکی از جهات نیست باید به سه جهتی که احتمال وجود قبله می‌دهد نماز بخواند.

م ۷۷۴- کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء را بخواند بهتر آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

م ۷۷۵- کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مانند ذبح حیوان یا دفن میت، باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست به هر طرف انجام دهد صحیح است.

پوشش بدن در نماز

م ۷۷۶- مرد باید در حال نماز، اگر چه کسی او را نبیند عورتین خود را بپوشاند. و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

م ۷۷۷- زن باید در موقع نماز، تمام بدن و سر و موی خود را بپوشاند. ولی پوشاندن صورت و دست و پا تا مچ لازم نیست. برای حصول اطمینان بهتر است مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را نیز بپوشاند. در صورت وجود نامحرم بنا بر احتیاط لازم روی پا را نیز بپوشاند.

م ۷۷۸- پوشش کامل به نحو مذکور برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم واجب است و چادر حجاب برتر است و در جمهوری اسلامی و کشورهای اسلامی نماد عفاف زن مسلمان و از شعایر اسلام به شمار می آید. نماز با بلوز و شلوار یا پیراهن بلند و مقنعه بدون چادر، اگر به اندازه ای گشاد و بلند باشد که حجم بدن را به طور کامل بپوشاند اشکال ندارد. ولی اگر اندام بدن نمایان باشد نماز مورد اشکال است، هر چند نامحرم او را نبیند. بنابراین بهترین شیوه استفاده از چادر مخصوص نماز است.

م ۷۷۹- انسان باید برای قضای سجده یا تشهد فراموش شده یا نماز احتیاط، بلکه بنا بر احتیاط در موقع سجده ی سهو نیز خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

م ۷۸۰- اگر انسان عمداً یا جهلاً عورتش را بپوشاند، نمازش باطل است.

م ۷۸۱- اگر در بین نماز بفهمد عورتش پیدا است، باید فوراً آن را بپوشاند و چنانچه پوشاندن عورت زیاد طول بکشد، بنا بر احتیاط واجب نماز را تمام کند و دوباره بخواند. ولی اگر بعد از نماز بفهمد عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

م ۷۸۲- اگر لباس در حال ایستاده عورت را می پوشاند، ولی در حال رکوع و سجود نپوشاند، چنانچه با هر وسیله ای مانند برگ درختان آن را بپوشاند، نماز صحیح است. ولی بهتر است با آن لباس نماز نخواند.

م ۷۸۳- اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد تا آخر وقت پیدا می کند، باید نماز را تأخیر بیندازد تا با پوشش مناسب نماز بخواند. ساتر بودن گل محل اشکال است.

م ۷۸۴- کسی که برای پوشش خود چیزی ندارد و احتمال دسترسی تا آخر وقت هم نمی‌دهد یا با وجود احتمال و انتظار چیزی نمی‌یابد، وظیفه‌اش این است که اگر کسی او را نمی‌بیند ایستاده نماز بخواند و با دست عورت خود را بپوشاند و اگر کسی او را می‌بیند نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران بپوشاند و در هر دو صورت رکوع و سجود نماز را با اشاره انجام دهد.

لباس نماز گزار

م ۷۸۵- لباس نماز گزار شش شرط دارد:

۱-۲- پاک و مباح باشد

۳-۴- از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد.

۵-۶- لباس مرد ابریشم خالص و طلا بافت نباشد.

(۱) پاک بودن

م ۷۸۶- لباس نماز گزار باید پاک باشد. اگر کسی در حال اختیار با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. هر چند به خاطر ندانستن مسأله باشد.

م ۷۸۷- اگر کسی جاهل به حکم نجاست چیزی باشد مثلاً نداند رطوبت بدن کافر غیر کتابی نجس است و با آن نماز بخواند نمازش باطل است.

م ۷۸۸- اگر کسی بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش در حال نماز نجس بوده، نماز او صحیح است. هر چند وقت باقی باشد.

م ۷۸۹- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

م ۷۹۰- اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس شود و بلافاصله متوجه شود یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورت امکان تطهیر یا تعویض لباس و حفظ صورت نماز، باید اقدام نماید. ولی چنانچه صورت نماز به هم می‌خورد یا اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز

بخواند. این در صورتی است که وقت نماز موسع باشد. ولی چنانچه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر نماز را بشکند، حتی یک رکعت از نماز را هم نمی‌تواند در وقت بخواند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

م ۷۹۱- کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

م ۷۹۲- اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است.

م ۷۹۳- اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که نجس نیست مانند خون پشه، چنانچه بعد از نماز بفهمد خون نجس بوده، نماز او صحیح است.

م ۷۹۴- هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مانند خون زخم و دمل، اگر بعد از نماز بفهمد خون دیگری بوده که نماز با آن باطل است نمازش صحیح است.

م ۷۹۵- اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نمازش صحیح است. ولی اگر بدون اینکه بدن را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. مگر طوری باشد که با غسل، بدن پاک شود. اگر از اعضای وضو باشد و پیش از تطهیر آن، وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد. مگر به وضو گرفتن، عضو نجس پاک شود.

م ۷۹۶- کسی که فقط یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد مثلاً هر دو بول یا خون باشد بین تطهیر بدن و لباس مخیر است. اگر چه احتیاط مستحب است که بدن را تطهیر کند، و اگر مساوی نباشد آنچه نجاستش شدیدتر باشد (مانند بول که باید دو مرتبه آن را آب کشید.) تطهیر آن را مقدم بدارد.

م ۷۹۷- کسی که غیر از لباس نجس، لباس دیگری ندارد. می‌تواند در همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است.

م ۷۹۸- کسی که دو لباس دارد و می‌داند یکی از آنها نجس است ولی نداند کدام یک از

آن‌هاست، باید هر دو را آب بکشد. اگر نتواند آن‌ها را آب بکشد چنانچه وقت دارد باید هر نمازی را دوبار و هر بار با یک لباس بخواند. اگر وقت تنگ است، باید نماز را در یکی از آن دو لباس به جا آورد، و به احتیاط واجب آن نماز را با لباس دیگر قضا نماید.

۲) مباح بودن

م ۷۹۹- لباس نمازگزار باید مباح باشد. بنابراین نماز با لباس غصبی هر چند فقط نخ یا دگمه آن غصبی باشد باطل است. هر چند نداند پوشیدن لباس غصبی موجب بطلان نماز است.

م ۸۰۰- اگر نمازگزار نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن نماز بخواند نمازش صحیح است. ولی اگر در بین نماز بفهمد، چنانچه لباس دیگری که ساتر باشد بر تن داشته باشد، باید فوراً لباس غصبی را بیرون آورد و نمازش صحیح است. ولی اگر چیز دیگری که عورت را بپوشاند، نداشته باشد یا اگر بیرون آوردن لباس غصبی موجب به هم خوردن صورت نماز شود باید نماز را بشکند و با لباس غیرغصبی نماز بخواند. و اگر وقت تنگ است باید در حال نماز فوراً لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان نماز را تمام نماید.

م ۸۰۱- اگر کسی برای حفظ جان یا حفظ لباس غصبی از دستبرد دزد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

م ۸۰۲- اگر با پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، حکم لباس غصبی را دارد و نماز با آن باطل است.

۴-۳) از اجزاء مردار و حیوان حرام گوشت نباشد.

م ۸۰۳- اگر چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، همراه نمازگزار باشد، بنابراین احتیاط واجب نمازش باطل است، گرچه لباس او هم نباشد. ولی اگر از اجزاء بی‌روح مانند مو و پشم باشد نمازش صحیح است، هر چند لباس او باشد.

م ۸۰۴- لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

م ۸۰۵- اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد نماز باطل است. و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد نماز صحیح است.

م ۸۰۶- اگر مو و عرق و آب دهان یا بینی کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد اشکال ندارد. همچنین اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

م ۸۰۷- اگر انسان شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز خواندن با آن جایز است. هر چند از خارج کشور تهیه شده باشد.

م ۸۰۸- نماز خواندن با لباسی که از پوست خز و سنجاب تهیه شده یا تکه صدفی دارد، اشکال ندارد.

۶-۵) زربفت و ابریشمی نباشد.

م ۸۰۹- این دو شرط اختصاص به مردان دارد و پوشیدن آن حرام و موجب بطلان نماز است. ولی برای زنان در نماز و غیرنماز اشکال ندارد.

م ۸۱۰- پوشیدن لباس زربفت و ابریشم خالص حتی آستری و کلاه، زینت کردن به هر چیزی از جنس طلا، مانند زنجیر، انگشتر، حلقه، پلاک، ساعت مچی و نظایر آنها، حرام و نماز با آن باطل است.

م ۸۱۱- نمازگزار اگر نداند لباس او از طلا و ابریشم خالص است، پوشیدن آن جایز و نماز با آن صحیح است.

م ۸۱۲- دستمال ابریشمی و کلاه و اشیاء زینتی طلایی اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند.

م ۸۱۳- اگر مرد برای زینت در جلو دهان دندان طلا بگذارد نمازش باطل است. ولی روکش طلا که برای ترمیم دندان استفاده می‌شود، اشکال ندارد.

م ۸۱۴- پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار یا حیوان حرام گوشت تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد و می‌تواند با این لباس‌ها نماز بخواند. همچنین اگر لباس منحصر به آن باشد و لباس دیگری تا آخر وقت نماز نداشته باشد نماز با آن

لباس جایز است، هرچند در پوشیدن لباس ناچار نباشد، و واجب نیست برهنه نماز بخواند.
م ۸۱۵- اگر انسان لباسی ولو به اندازه پوشاندن عورت نداشته باشد، واجب است برای نماز به هر طریق ممکن (کرایه، خرید، عاریه) تهیه نماید، مگر برایش مشقت داشته باشد که در این صورت باید برهنه نماز بخواند.

م ۸۱۶- پوشیدن لباس شهرت که به لحاظ پارچه یا رنگ یا دوخت موجب تمسخر یا ریاکاری باشد حرام است. ولی نماز با آن لباس اشکال ندارد.

م ۸۱۷- احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه نپوشد. در صورتی که عرف لباس آنها را متمایز بداند. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

م ۸۱۸- کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز خود را با آنها نپوشاند مگر در پوشیدن ناچار باشد. ولی اگر آنها را صرفاً به عنوان زیرانداز یا روانداز مورد استفاده قرار دهد و دور خود نیچد به گونه‌ای که عرفاً صدق پوشیدن نکند، اشکال ندارد.

موارد استثناء

م ۸۱۹- در پنج مورد لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد و نماز صحیح است:

(۱) آلودگی به واسطه زخم یا جراحت یا دمل در بدن باشد.

(۲) مقدار آلودگی کمتر از درهم (یک بند انگشت) باشد.

(۳) ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

(۴) لباس کوچک باشد مانند جوراب و عرقچین.

(۵) لباس پرستار بچه

م ۸۲۰- اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، همچنین اگر چرک یا دمای روی زخم آغشته به خون باشد، چنانچه تطهیر یا تعویض لباس برای نوع مردم مشقت دارد تا زمان بهبودی می‌تواند با آن خون نماز بخواند. و چنانچه مشقت ندارد باید آن را برای نماز آب بکشد.

م ۸۲۱- اگر جایی از بدن یا لباس به رطوبت زخم نجس شود، چنانچه با زخم فاصله دارد

جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی چنانچه نزدیک است و معمولاً به آنجا سرایت می‌کند، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

م ۸۲۲- اگر از زخم داخل دهان و بینی یا از بواسیر خونی به بدن یا لباس برسد می‌توان با آن نماز خواند. ولی خون دماغ حکم خون زخم را ندارد. پس اگر بیرون بیاید، محلّی را که نجس شده، باید برای نماز آب بکشد.

م ۸۲۳- کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

م ۸۲۴- اگر چند زخم نزدیک هم باشند به گونه‌ای که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر از هم دور باشند به طوری که هر کدام یک زخم حساب شود، با بهبودی هر یک باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

م ۸۲۵- اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس یا استحاضه یا خون سگ یا خوک یا کافر غیرکتابی یا مردار یا حیوان حرام گوشت، در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است. ولی خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت، اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد، نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

م ۸۲۶- خونی که به لباس بی‌آستر بریزد و به پشت آن برسد، یک خون حساب می‌شود. ولی اگر پشت آن، جداگانه خونی شود، باید هر کدام را جداگانه حساب نمود. پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم (یک بند انگشت) باشد، نماز با آن صحیح است و اگر به اندازه درهم یا بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

م ۸۲۷- اگر خون، روی لباس آستر دار بریزد و به آستر آن برسد یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر، کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح است و اگر به اندازه درهم یا بیشتر باشد نماز با آن باطل است.

م ۸۲۸- اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم (یک بند انگشت) باشد و بر اثر رسیدن رطوبت به آن، به اندازه درهم یا بیشتر شود نماز با آن باطل است.

م ۸۲۹- اگر بدن یا لباس خونی نباشد، ولی به واسطه تماس با رطوبت به خون متنجس

شود، اگر چه مقدار نجس شده کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح نیست.

م ۸۳۰- اگر خونی کمتر از درهم در بدن یا لباس باشد و نجاست دیگری مانند یک قطره بول روی آن بریزد، هر چند به جای دیگر سرایت نکند، نمی‌توان با آن نماز خواند.

م ۸۳۱- اگر لباس‌های کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که ساتر عورت نیست نجس شود، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت نباشد، نماز با آن‌ها صحیح است. همچنین همراه داشتن اشیاء نجس مانند انگشتر، عینک، کلید و دستمال در حال نماز اشکال ندارد.

م ۸۳۲- زنی که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد، هرگاه در شبانه روز یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود، می‌تواند با آن لباس نماز بخواند. ولی اگر چند لباس دارد، باید با لباس پاک نماز بخواند. بهتر است به هر وسیله ممکن مانند لاستیکی از سرایت نجاست بچه به لباس خود جلوگیری نماید.

مستحبات و مکروهات

- م ۸۳۳-** چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است:
- (۱) عمامه با تحت الحنک
 - (۲) پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه
 - (۳) استعمال بوی خوش
 - (۴) انگشتر عقیق به دست کردن.
- م ۸۳۴-** چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است.
- (۱) پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ.
 - (۲) لباس شرابخوار
 - (۳) لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی‌کند.
 - (۴) لباسی که نقش صورت حیوان دارد.
 - (۵) باز بودن تکمه‌های لباس.
 - (۶) دست کردن انگشتری که نقش حیوان دارد.

مکان نمازگزار

- م ۸۳۵-** مکان نمازگزار چند شرط دارد:
- (۱) مباح بودن، (۲) بی حرکت، (۳) مطمئن به اتمام، (۴) امن بودن، (۵) عدم هتک حرمت، (۶) گنجایش کافی، (۷) هموار بودن، (۸) پاک بودن، (۹) عدم تقدم بر قبر معصوم، (۱۰) عدم تقدم زن.

(۱) مباح بودن

- م ۸۳۶-** نماز خواندن در ملک غضبی - اگر چه روی فرش و تخت باشد - باطل است. ولی در زیر سقف و خیمه غضبی اشکال ندارد.
- م ۸۳۷-** نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون رضایت مالک منفعت باطل است. مانند نماز در خانه‌ی استیجاری بدون رضایت مستأجر. همچنین در ملکی که متعلق حق غیر باشد، مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد ثلث مال او را به مصرف خاصی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی‌توان در آن ملک نماز خواند.
- م ۸۳۸-** کسی که در مسجد نشسته یا سجاده گذاشته، اگر دیگری جای او را بگیرد و آن جا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.
- م ۸۳۹-** اگر در جایی که نمی‌داند غضبی است یا غضبی بودن آن را فراموش کرده، نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد و یادش بیاید، نمازش صحیح است. مگر اینکه خودش غضب کرده باشد که در این صورت احوط اعاده نماز است.
- م ۸۴۰-** اگر بداند جایی غضبی است. ولی نداند نماز در جای غضبی باطل است و در آن جا نماز بخواند، نماز او باطل است.
- م ۸۴۱-** کسی که ناچار است نماز واجب یا مستحب را سواره بخواند، چنانچه حیوان سواری یا زین آن یا خودرو حامل او غضبی باشد نماز او باطل است.
- م ۸۴۲-** نماز خواندن در ملک مشاع - هرچند قبل از افراز - صحیح است مگر احتمال بدهد شریک به هیچ‌گونه تصرفی حتی خواندن نماز راضی نیست.
- م ۸۴۳-** اگر با پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش در آن باطل است. مگر به ذمه خریده باشد.
- م ۸۴۴-** ملاک در صحت نماز رضایت قلبی مالک است. بنابراین اگر انسان بداند قلباً راضی است، نماز خواندن در ملک او صحیح است، هر چند به زبان اجازه ندهد. و اگر بداند قلباً راضی نیست نماز باطل است، هر چند به زبان اجازه بدهد.
- م ۸۴۵-** تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است. یا به مردم بدهی دارد، حرام و نماز در آن باطل است. مگر اینکه بدهکاری او کمتر از ترکه باشد و ورثه ملتزم به

پرداخت بدهی‌ها بشوند و حاکم شرع یا طلبکاران قبول کنند.

م ۸۴۶- اگر میت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، تصرف در ملک او بدون اذن ولی حرام و نماز در آن اشکال دارد.

م ۸۴۷- نماز خواندن در ملک دیگری در صورتی جایز است که رضایت مالک احراز شود. یا برای استفاده عموم باشد مانند مسافرخانه، حمام، غذاخوری و فضاهای احداثی بین‌راهی.

م ۸۴۸- در زمین بسیار وسیع که دیوار و حصار ندارد و برای مردم مشکل است موقع نماز به جای دیگر بروند، نماز خواندن و نشستن و خوابیدن و تصرفات جزئی در آن اشکال ندارد. هر چند در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد. ولی اگر مالک عدم رضایت خود را اعلام نماید بنابر احتیاط واجب تصرف در آن حرام و نماز خواندن در آنجا محل اشکال است.

۲) ساکن و بی حرکت باشد.

م ۸۴۹- مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد به طوری که بتوان با آرامش اعمال نماز را انجام داد. نماز خواندن در خودرو و کشتی و قطار، وقتی ایستاده‌اند مانعی ندارد. ولی اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جای متحرک و در حال حرکت آنها نماز بخواند، در حد امکان باید آرامش بدن و جهت قبله را رعایت نماید و هنگام تغییر جهت به طرف قبله برگردد.

م ۸۵۰- روی خرمن گندم و جو، تشک ابری و خوشخواب و هر چیزی که مانع آرامش بدن باشد نماز باطل است.

۳) مطمئن به اتمام نماز باشد.

م ۸۵۱- بنابر احتیاط واجب باید در جائی نماز بخواند که اطمینان دارد می‌تواند نماز را تمام کند. پس در جائی که به واسطه احتمال باد و باران یا زیادی جمعیت و یا ممانعت مأمورین و مانند اینها اطمینان ندارد بتواند نماز را تمام کند، بنابر احتیاط واجب نماز نخواند.

۴) امن باشد.

م ۸۵۲- درجائی که ماندن در آن حرام است و خطر جانی دارد - مانند جایی که در معرض جریان سیل، ریزش کوه، سقوط بهمن، فروریختن سقف و دیوار باشد - نماز نخواند. همچنین

جایی که صدای غنا و موسیقی مطرب به گوش برسد. و جایی که به میگساری و قمار بازی مشغول باشند.

۵) هتک حرمت نباشد.

م ۸۵۳- روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مثل فرش یا روزنامه‌ای که نام خدا بر آن نوشته شده باشد نماز نخواند.

۶) گنجایش کافی داشته باشد.

م ۸۵۴- مکان نمازگزار نباید خیلی کوتاه و کوچک باشد. بنابراین در جایی که سقف آن به اندازه‌ای کوتاه است که نمی‌تواند راست بایستد، یا به اندازه‌ای کوچک است که نمی‌تواند به رکوع و سجود برود، نماز خواندن در حال اختیار باطل است.

۷) هموار باشد.

م ۸۵۵- جای پیشانی نمازگزار از جای سرانگشتان پای او در حال سجده بیش از چهار انگشت بسته، پایین‌تر یا بلندتر نباشد.

۸) پاک باشد.

م ۸۵۶- مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد. ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد اگر نجس باشد هرچند خشک باشد، نماز باطل است. بهتر است تمام مکان نمازگزار پاک باشد.

۹) عدم تقدم بر قبر معصوم

م ۸۵۷- بنا بر احتیاط واجب برای رعایت ادب و احترام جلوتر از قبر پیامبر و امام معصوم علیهم‌السلام نماز نخواند. در صورت وجود حائل مانند دیوار و در، میان نمازگزار و قبر مطهر اشکال ندارد. ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پرده‌ی روی آن کافی نیست.

۱۰) عدم تقدم زن

م ۸۵۸- نماز مرد در حالی که زن جلو یا کنار او ایستاده یا نشسته باشد، هم‌چنین نماز زن در حالی که مرد پشت یا کنار او ایستاده یا نشسته است اشکال ندارد و صحیح است. خواه نسبت

به هم محرم باشند یا نباشند.

- م ۸۵۹-** جلوتر ایستادن زن از مرد در نماز کراهت دارد. اگر هر دو همزمان وارد نماز شوند هر دو مرتکب مکروه شده‌اند و گرنه کراهت متوجه نمازگزار متأخر است.
- م ۸۶۰-** کراهت به معنای کاهش ثواب است و با وجود حائل مانند پرده یا فاصله یک ذراع (حدود نیم متر) میان زن و مرد کراهت برطرف می‌شود.
- م ۸۶۱-** بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست، و بنابر احتیاط مستحب در آنجا نماز نخوانند. ولی اگر نماز خواندند باطل نیست.
- م ۸۶۲-** خواندن نماز واجب در خانه‌ی کعبه و بر بام آن بنابر احتیاط واجب در حال اختیار جایز نیست. ولی نماز مستحب اشکال ندارد، بلکه مستحب است داخل کعبه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند. همان‌طور که نماز مقابل ارکان کعبه از بیرون نیز استحباب دارد.

اماکن مستحب

- م ۸۶۳-** نماز خواندن در مساجد مستحب مؤکد است و بهتر از همه، مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد بیت‌المقدس و مسجد جامع هر شهر است.
- م ۸۶۴-** زنان می‌توانند مانند مردان برای درک ثواب بیشتر در نماز جماعت مساجد به ویژه در محله خود با رعایت حجاب و وقار شرکت نمایند. اگر فرا گرفتن معارف دینی و مسائل شرعی مورد ابتلاء جز با حضور در مسجد ممکن نیست شرکت آنان در مساجد لازم است.
- م ۸۶۵-** نماز در حرم امامان علیهم‌السلام مستحب است و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء ثواب فراوان دارد.
- م ۸۶۶-** رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است و همسایگان مسجد بدون عذر نباید نماز در مسجد محل را ترک کنند.
- م ۸۶۷-** مستحب است انسان با کسی که به مسجد نمی‌آید غذا نخورد، مشورت و مساعدت نکند، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

اماکن مکروه

م ۸۶۸- نماز خواندن در چند جا مکروه است:

- (۱) حمام، (۲) زمین نمکزار (۳) مقابل انسان (۴) مقابل در باز
 - (۵) در جاده و خیابان و کوچه، در صورت مزاحمت معصیت و نماز باطل است.
 - (۶) مقابل آتش و چراغ. (۷) آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد.
 - (۸) مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول باشد. (۹) اتاقی که جنب در آن باشد.
 - (۱۰) روبروی عکس و مجسمه حیوان و انسان، مگر آن که روی آن پرده بکشند.
 - (۱۱) جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد.
 - (۱۲) قبرستان، مقابل قبر، روی قبر و بین دو قبر.
- م ۸۶۹- کسی که در محل تردد مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی او قرار دارد، مستحب است جلوی خود چیزی مانند رحل قرآن، تسبیح و عصا بگذارد تا میان او و دیگران حائل باشد.

احکام مسجد

- م ۸۷۰-** نجس کردن زمین، سقف، بام و طرف داخل دیوار مسجد و لوازم آن مانند فرش و پرده حرام است. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.
- م ۸۷۱-** تطهیر مسجد واجب کفایی است. بر همه لازم است به محض اطلاع از نجس شدن آن اقدام به تطهیر کنند. چنانچه کسی اقدام نمود از دیگران ساقط است.
- م ۸۷۲-** اگر انسان خودش نتواند مسجد را تطهیر نماید، بنا بر احتیاط واجب، باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد.
- م ۸۷۳-** اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست باید آنجا را بکنند یا خراب نمایند، و هزینه تعمیر بر عهده کسی است که مسجد را نجس کرده است.
- م ۸۷۴-** اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن خانه و مغازه بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.
- م ۸۷۵-** نجس کردن حرم امامان علیهم‌السلام حرام است. اگر نجس شود، تطهیر آن لازم است.
- م ۸۷۶-** اگر فرش مسجد نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید کسی که آن را نجس کرده آب بکشد. و اگر خسارتی وارد شود او باید تدارک نماید.
- م ۸۷۷-** بردن شیء نجس در مسجد اگر بی احترامی به مسجد باشد حرام است.
- م ۸۷۸-** اگر مسجد را برای روضه خوانی و سوکواری حضرت سیدالشهداء چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و لوازم پذیرایی در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.
- م ۸۷۹-** زینت کردن مسجد به طلا و زیورآلات و نقش برجسته به صورت انسان و حیوان بر سقف و دیوار مسجد جایز نیست. نقش گل و گیاه مکروه است.
- م ۸۸۰-** اگر مسجدی خراب شود و قابل استفاده نباشد نمی‌توان زمین آن را فروخت یا داخل ملک و جاده قرار داد. ولی در مورد بهره‌برداری برای عموم اگر ضرورت یا مصلحت باشد و حاکم شرع اجازه بدهد، به نحو مقتضی اشکال ندارد.
- م ۸۸۱-** فروختن در و پنجره و آجر و خاک مسجد حرام است. و باید آن‌ها را صرف تعمیر

همان مسجد کنند. در صورت عدم نیاز باید در مسجد دیگر مصرف شود. اگر مورد استفاده مسجدی نباشد می‌توان آن را با اذن مجتهد فروخت و پول آن را برای تعمیر همان مسجد یا مسجد دیگر هزینه کرد.

م ۸۸۲- ساخت و تعمیر مسجد مستحب است. اگر مسجدی قابل تعمیر نباشد، می‌توان آن را خراب و بازسازی کرد. بلکه می‌توان برای توسعه لازم آن را خراب و دوباره ساخت.

م ۸۸۳- وسائلی (اعم از قرآن و کتاب دعا، چادر و عبا، فرش و موکت، دستگاه صوتی و تصویری) که برمسجد وقف شده باشد، انتقال آنها به خارج مسجد هرچند برای استفاده عموم جایز نیست، مگر واقف استفاده در بیرون مسجد را برای مدت معین اجازه داده باشد.

م ۸۸۴- کارهایی که با قداست مسجد منافات دارد، مانند پخش موسیقی غیرمطرب، نمایش فیلم نامناسب، سوت کشیدن، دست زدن در فضای مسجد جایز نیست.

مستحبات و مکروهات مسجد

م ۸۸۵- مستحبات مسجد عبارت است از:

- ۱) مسجد را تمیز و پاکسازی کند. (۲) چراغهای مسجد را روشن سازد.
- ۳) خود را خوشبو سازد. (۴) لباس پاکیزه بپوشد.
- ۵) ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد.
- ۶) هنگام ورود به مسجد، اول پای راست و موقع بیرون آمدن، اول پای چپ را بگذارد.
- ۷) از همه زودتر به مسجد بیاید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.
- ۸) خواندن دو رکعت نماز به قصد تحیت.

م ۸۸۶- مکروهات مسجد عبارتند از:

- ۱) خوابیدن در مسجد (۲) صحبت کردن درباره کارهای دنیا
- ۳) خواندن اشعار نامناسب (۴) انداختن آب دهان و بینی و اخلاط سینه
- ۵) اعلام اشیاء گمشده (۶) بلند کردن صدا برای غیر اذان و موعظه.
- ۷) حضور بچه غیرممیز و دیوانه
- ۸) کسی که به واسطه خوردن پیاز و سیر بوی دهانش مردم را اذیت کند.

اذان و اقامه

م ۸۸۷- برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند. ولی پیش از نماز عید فطر و قربان و نماز آیات در صورتی که به جماعت خوانده شود، مستحب است سه مرتبه «الصلاة» گفته شود.

م ۸۸۸- مستحب است در روز اول تولد در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

م ۸۸۹- اذان هیجده جمله به این ترتیب است:

الله اکبر (چهار مرتبه) خداوند متعال بزرگتر از آن است که بتوان او را توصیف نمود.

اشهد ان لا اله الا الله (دو مرتبه) گواهی می‌دهم معبودی جز خدای یکتا و بی‌همتا نیست.

اشهد ان محمدا رسول الله (دو مرتبه) حضرت محمد صاحب رسالت از سوی خدا است.

اشهد ان عليا ولي الله (دو مرتبه) علی صاحب ولایت از سوی خدا است.

حي على الصلوة (دو مرتبه) بشتاب به سوی نماز.

حي على الفلاح (دو مرتبه) بشتاب برای رستگاری.

حي على خير العمل (دو مرتبه) بشتاب به سوی بهترین کار.

الله اكبر (دو مرتبه)

لا اله الا الله (دو مرتبه) معبودی جز آفریدگار جهان نیست.

م ۸۹۰- اقامه هفده جمله است به این ترتیب که «الله اکبر» اول دو مرتبه و «لا اله الا الله» در آخر یک مرتبه است و پس از «حي على خير العمل» دوبار باید گفته شود: «قد قامت الصلاة» یعنی نماز برپا شد.

م ۸۹۱- «اشهد ان عليا ولي الله» جزء اذان و اقامه نیست. ولی خوبست به قصد قربت و امید ثواب گفته شود. زیرا ولایت امام علی عليه السلام به نص قرآن مجید موجب اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی پروردگار است.

م ۸۹۲- بین جمله‌های اذان و اقامه نباید بیش از حد فاصله بیفتد. هم‌چنین بین اذان و اقامه، و نیز بین اقامه و نماز نباید زیاد فاصله بشود، در غیر این صورت باید اذان و اقامه را اعاده نماید.

م ۸۹۳- اذان برای نماز دوم (عصر و عشاء) در صورت جمع و عدم فاصله با نماز اول (ظهر و مغرب) ساقط است. هر چند عذری (مثل استحاضه یا تسلسل ادرار) نداشته باشد.
م ۸۹۴- اگر کسی نمازها را در وقت فضیلت به صورت تفریق بجا آورد اذان و اقامه هر دو بر او مستحب است. ولی به جا آوردن نوافل و تعقیبات معمول نماز ظهر و مغرب موجب صدق تفریق نیست.

م ۸۹۵- اذان برای نماز عصر روز عرفه در عرفات و نماز عشاء شب عید قربان در مشعرالحرام و در صورت جمع مشروع نیست.

م ۸۹۶- گفتن اذان برای نماز جمعه پس از اتمام دو خطبه و برای نماز عصر روز جمعه چنانچه بلافاصله پس از نماز جمعه اقامه شود، ساقط است.

م ۸۹۷- اگر کسی برای نماز (فردای یا جماعت) به مسجد برود تا هنگامی که صفوف نماز جماعت به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده است با اجتماع شرائط زیر نباید اذان و اقامه بگوید.

(۱) برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته باشند.

(۲) نماز جماعت باطل نباشد.

(۳) نماز او و نماز جماعت هر دو ادا و در یک مکان باشد.

م ۸۹۸- اگر یک نفر برای نماز جماعت اذان و اقامه بگوید، برای همه نمازگزاران کافی است. ولی مستحب است شنونده جملات اذان و اقامه را آهسته تکرار نماید.

م ۸۹۹- اگر نماز جماعت با حضور مردان و زنان برگزار شود اذان و اقامه را باید مرد بگوید. شنیدن اذان و اقامه زن برای مرد هر چند با قصد لذت نباشد کافی نیست، مگر محرم باشند.

م ۹۰۰- اقامه باید بعد از اذان گفته شود. قبل از اذان صحیح نیست.

م ۹۰۱- ترتیب کلمات اذان و اقامه باید رعایت شود. هر جا برخلاف ترتیب گفته شد، باید از همانجا دوباره بگوید.

م ۹۰۲- اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود. اگر غلط بگوید یا حرفی را به اشتباه ادا کند، یا ترجمه‌ی آن را بگوید صحیح نیست.

م ۹۰۳- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا سهواً پیش

از وقت بگوید باطل است.

م ۹۰۴- اگر پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان گفته یا نه، باید اذان را بگوید. ولی اگر پس از شروع اقامه شک کند گفتن اذان لازم نیست.

م ۹۰۵- اگر در اذان و اقامه پیش از گفتن جمله بعد در گفتن جمله قبل شک کند باید جمله قبلی را بگوید. ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شک کند جمله قبلی را گفته یا نه، گفتن آن لازم نیست.

م ۹۰۶- مستحب است انسان در موقع گفتن اذان، رو به قبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دو انگشت سبابه را بر گوش بگذارد و صدا را بلند و نیکو نماید و مقداری بکشد و بین جمله‌های اذان کمی فاصله دهد و بین آن‌ها حرف نزند.

م ۹۰۷- مستحب است بدن هنگام گفتن اقامه آرام باشد. آن را از اذان آهسته‌تر بگوید و جمله‌های آن را به هم نچسباند. فاصله بین جمله‌های اقامه نسبت به اذان کمتر باشد.

م ۹۰۸- مستحب است بین اذان و اقامه به چیزی - مانند دو رکعت نماز، یک گام به جلو برداشتن، نشستن، سجده کردن، ذکر گفتن، دعا کردن یا سکوت - فاصله بیندازد.

م ۹۰۹- مستحب است مؤذن مورد وثوق، وقت شناس و دارای صدای خوش و بلند و اذان را با صوت حسن و آهنگی مناسب بگوید و از غنا و آواز لهنوی احتراز کند.

م ۹۱۰- پخش اذان از دستگاه مانند صدا و سیما و رایانه و نوار و شنیدن آن کافی نیست و باید به طور زنده کسی برای نماز اذان بگوید.

واجبات نماز

م ۹۱۱- واجبات نماز یازده چیز است: نیت، قیام، تکبیرة الاحرام، رکوع، دو سجده، قرائت، ذکر رکوع و سجود، تشهد، سلام، ترتیب و موالات.

م ۹۱۲- پنج مورد اول رکن است. یعنی اگر انسان آن‌ها را ولو سهواً کم یا زیاد کند موجب بطلان نماز می‌شود. ولی بقیه رکن نیست. یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود.

(۱) نیت

م ۹۱۳- انسان باید نماز را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند به جا آورد. گفتن به زبان یا خطور به قلب لازم نیست.

م ۹۱۴- نمازگزار باید نوع نماز خود را تعیین کند. پس اگر چهار رکعت نماز بدون تعیین (ظهر یا عصر، ادا یا قضا) بجا آورد باطل است.

م ۹۱۵- انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد. پس اگر در بین نماز چنان غافل شود که اگر بپرسند چه می‌کنی، نداند، نمازش باطل است.

م ۹۱۶- نمازگزار باید خلوص نیت داشته باشد یعنی فقط برای امتثال امر الهی نماز بخواند. پس اگر کسی برای ریاکاری و نیکنامی میان مردم نماز بخواند، نمازش باطل است. هر چند

خدا و خلق هر دو را در نظر بگیرد.

م ۹۱۷- اگر بخشی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد، نماز باطل است، چه آن قسمت، واجب باشد، چه مستحب. بلکه اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد، ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوص (مسجد) یا وقت مخصوص (اول وقت) یا به شکل مخصوص (جماعت) نماز بخواند نمازش باطل است.

۲) تکبیرة الاحرام

م ۹۱۸- گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز واجب و رکن است و ترک عمدی یا سهوی آن، همچنین افزودن عمدی آن موجب بطلان نماز است.

م ۹۱۹- دو کلمه (الله اکبر) باید پشت سر هم و به عربی صحیح گفته شود. اگر به عربی غلط یا ترجمه‌ی آن را بگوید صحیح نیست.

م ۹۲۰- احتیاط واجب آن است که نمازگزار تکبیرة الاحرام را به کلمه آخر اقامه یا دعای پیش از تکبیر نچسباند.

م ۹۲۱- هنگام گفتن تکبیره الاحرام، باید بدن آرام باشد و اگر عمداً در حال حرکت بدن تکبیره الاحرام بگوید باطل است.

م ۹۲۲- تکبیر و حمد و سوره و سایر اذکار نماز را باید طوری بخواند که اگر عذر (کری) و مانعی (همهمه) نباشد خودش بشنود.

م ۹۲۳- شخص لال که نمی‌تواند «الله اکبر» را درست بگوید، باید هر طور می‌تواند بگوید. اگر اصلاً قادر نیست باید در قلب خود بگذراند و با زبان اشاره مخصوص افراد کر و لال ابراز کند و زبانش را نیز حرکت دهد.

م ۹۲۴- مستحب است قبل از تکبیرة الاحرام بگوید: «یا محسن قد أتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء انت المحسن و انا المسیء بحق محمد و آل محمد، صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی»

یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می‌کنی بنده‌ی گنهکارت به درگاهت آمده و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گنهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق پیامبر و خاندانش

رحمت خود را بر آنان فرو بفرست و از بدی‌های من درگذر.

- م ۹۲۵-** مستحب است هنگام گفتن تکبیر اول نماز، و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد. به طوری که کف دست مقابل قبله قرار گیرد.
- م ۹۲۶-** اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول قرائت حمد شده، به شک خود اعتنا نکند. و اگر هنوز شروع به قرائت نکرده باید تکبیر را بگوید و بنا بر احتیاط مستحب و پیش از آن فعل منافی نماز (انحراف از قبله) انجام دهد.
- م ۹۲۷-** اگر کسی تکبیره الاحرام بگوید و بعد شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

(۳) قیام

- م ۹۲۸-** قیام هنگام گفتن تکبیره الاحرام و پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می‌گویند رکن است. ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آنرا از روی فراموشی ترک کند نمازش صحیح است.
- م ۹۲۹-** واجب است پیش از گفتن تکبیره الاحرام و پس از آن مقداری بایستد تا یقین کند در حال ایستادن تکبیر گفته است.
- م ۹۳۰-** اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود. اگر خمیده به رکوع برگردد، نمازش باطل است. چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده است.
- م ۹۳۱-** در قیام نماز سه چیز معتبر است:
- (۱) انتصاب یعنی راست نگه‌داشتن پشت و پهلو بدون خمیدگی به جلو یا طرفین.
 - (۲) استقرار یعنی حرکت نداشتن بدن و ثابت ماندن.
 - (۳) استقلال یعنی روی پای خود ایستادن و به چیزی تکیه نداشتن.
- م ۹۳۲-** حرکت بدن، خم شدن، تکیه کردن در حال قیام جائز نیست. ولی اگر از روی ناچاری یا فراموشی باشد، اشکال ندارد. ولی در تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع در صورت فراموشی، بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

م ۹۳۳- نمازگزار در حال قیام باید هر دو پایش را روی زمین قرار بدهد. ولی اگر سنگینی بدن روی یک پا باشد اشکال ندارد.

م ۹۳۴- نمازگزار در حال قیام نباید دو پا را به هم بچسباند یا خیلی گشاد بگذارد. بهتر است اندک فاصله‌ای (سه انگشت باز تا یک وجب) داشته باشد.

م ۹۳۵- بدن نمازگزار هنگام گفتن اذکار واجب باید آرام و بدون حرکت باشد. پس اگر بخواهد کمی جلو یا عقب رود، یا به طرف راست یا چپ خم شود باید چیزی نگوید. ولی «بحول الله و قوته اقوم واقعد» را باید در حال برخاستن بگوید.

م ۹۳۶- گفتن اذکار مستحب مخصوص نماز نیز بنابر احتیاط واجب در حال آرامش بدن گفته شود. ولی اگر به قصد مطلق ذکر گفته شود نماز صحیح است.

م ۹۳۷- حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد و تسبیحات اشکال ندارد. اگر چه احتیاط مستحب ترک حرکت است. ولی اگر به واسطه تنه خوردن بی اختیار حرکت کند که از حال آرام بودن خارج شود، بنابر احتیاط واجب بعد از آرام گرفتن بدن، آن چه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

م ۹۳۸- اگر در بین نماز نتواند بایستد، باید بنشیند، مگر بداند تا پایان وقت قادر بر قیام خواهد بود. در این صورت باید نماز را قطع کند و بعد ایستاده بخواند. اگر از نشستن هم عاجز شود باید خوابیده بخواند. ولی تا بدن آرام نگرفته، بنابر احتیاط واجب، حمد و سوره و اذکار واجب را نخواند.

م ۹۳۹- قیام به هر نحو ممکن بر نشستن مقدم است. بنابراین اگر می‌تواند به صورت خمیده یا مایل به طرفین یا تکیه کردن بایستد باید ایستاده نماز بخواند. ولی اگر به هیچ نحو نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

م ۹۴۰- تمام اقسام نشستن بر خوابیدن در نماز مقدم است. پس اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طور که می‌تواند ولو به صورت خمیده یا تکیه کردن بنشیند و اگر به هیچ قسم نمی‌تواند بنشیند، باید به پهلوئی راست دراز بکشد به طوری که روی او به طرف قبله باشد و اگر نمی‌تواند بر پهلوئی چپ قرار بگیرد. اگر آنهم ممکن نیست، به پشت بخوابد، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

م ۹۴۱- کسی که نشسته نماز می خواند، اگر پس از خواندن حمد و سوره یا تسبیحات بتواند بایستد باید برخیزد و از حال قیام به رکوع رود. اگر نتواند، نشسته رکوع کند.

م ۹۴۲- کسی که خوابیده یا نشسته نماز می خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند یا بایستد باید مقداری را که می تواند، نشسته یا ایستاده بخواند. ولی تا بدنش آرام نگرفته چیزی نخواند.

م ۹۴۳- کسی که می تواند بایستد، اگر بترسد به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می تواند نشسته نماز بخواند. اگر از نشستن هم بترسد؛ می تواند خوابیده نماز بخواند.

م ۹۴۴- اگر عاجز از قیام احتمال بدهد تا پایان وقت قدرت بر قیام پیدا می کند واجب است نمازش را تأخیر بیندازد و ایستاده بجا آورد.

م ۹۴۵- در حال ایستادن چند چیز مستحب است:

- (۱) بدن را راست نگه دارد.
- (۲) شانه ها را پایین بیندازد.
- (۳) دستها را روی رانها بگذارد.
- (۴) انگشتها را به هم بچسباند.
- (۵) جای سجده را نگاه کند.
- (۶) سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد.
- (۷) با خضوع و خشوع باشد.
- (۸) پاها را پس و پیش نگذارد.
- (۹) زن پاها را بچسباند و مرد از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله بدهد.

(۴) قرائت

م ۹۴۶- نمازگزار باید پس از تکبیره الاحرام در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، سوره حمد را قرائت کند. بعد از آن یک سوره ی تمام بخواند.

م ۹۴۷- سوره ی حمد و ترجمه ی آن:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به نام خدای بخشنده مهربان

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سپاس و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خدائی که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مالک روز جزا است.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» فقط تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ما را به راه راست هدایت کن.

«صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین»

راه کسانی که به آنان نعمت دادی. نه راه کسانی که بر ایشان غضب کرده‌ای و گمراه گشته‌اند.

م ۹۴۸- سوره‌ی توحید و ترجمه‌ی آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم: «قل هو الله احد»، بگو ای محمد ﷺ او است خدای یگانه.

«الله الصمد» خدایی که از تمام موجودات بی‌نیاز است و همه به او محتاج می‌باشند.

«لم یلد ولم یولد»، فرزند ندارد و فرزند کسی نیست.

«ولم یکن له کفو احد» هیچ کس همتای او نیست.

م ۹۴۹- در قرائت حمد و سوره، قصد انشاء یا حکایت یا قصد خطاب در «ایاک نعبد و ایاک

نستعین» و قصد دعا در «اهدنا الصراط المستقیم» لازم نیست. بلکه باید به قصد حمد و سوره قرآن قرائت شود.

م ۹۵۰- اگر وقت نماز تنگ باشد، یا بترسد دزد یا درنده به او آسیب برساند نباید سوره را

بخواند و اگر در انجام کاری مهم عجله داشته باشد می‌تواند سوره را نخواند.

م ۹۵۱- اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند نمازش باطل است و اگر اشتهاً بخواند و

در بین یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

م ۹۵۲- اگر حمد یا سوره یا هر دو را فراموش کند چنانچه پس از رسیدن به رکوع بفهمد،

نمازش صحیح است. ولی باید دو سجده‌ی سهو پس از نماز بجا آورد. اگر پیش از رکوع بفهمد باید با رعایت ترتیب بخواند.

م ۹۵۳- اگر کسی در نماز واجب یکی از چهار سوره سجده‌دار (سجده، فصلت، نجم، علق)

را عمداً بخواند نمازش باطل است. ولی اگر سهواً بخواند چنانچه پیش از آیه سجده بفهمد، باید

آن را رها کند و سوره دیگر بخواند. اگر بعد از خواندن آیه‌ی سجده بفهمد بنابر احتیاط واجب

باید با اشاره، سجده نماید و سوره را تمام کند. سپس سوره‌ی دیگری به قصد قربت بخواند و

پس از نماز سجده آن را بجا آورد.

م ۹۵۴- شنیدن آیه سجده موجب بطلان نماز نیست. ولی بنابر احتیاط واجب باید در حال

نماز با اشاره و پس از انجام نماز به نحو متعارف سجده نماید.

م ۹۵۵- خواندن سوره در نماز مستحبی واجب نیست. اگر چه نذر کرده باشد. ولی در

نمازهایی که سوره مخصوصی دارد، باید همان سوره را بخواند.

م ۹۵۶- در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون بخواند و اگر مشغول یکی از اینها شود، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

م ۹۵۷- عدول از سوره توحید و کافرون به سوره دیگر در نماز جایز نیست. ولی در نماز جمعه عدول از آن به سوره‌ی جمعه و منافقین اشکال ندارد. اگر از نصف گذشته باشد.

م ۹۵۸- اگر نمازگزار به خاطر فراموشی بعضی آیات یا تنگی وقت یا خوف ضرر نتواند سوره را تمام نماید. می‌تواند آن را رها کند و سوره‌ی دیگر بخواند، اگر چه سوره توحید و کافرون بخواند و از نصف گذشته باشد.

م ۹۵۹- بر مرد واجب است حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند. ولی زن مخیر است مگر نامحرم صدایش را بشنود که بهتر است آهسته بخواند. بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

م ۹۶۰- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است. ولی هر جا بین قرائت متوجه شد، باید طبق وظیفه عمل نماید و مقدار خوانده شده را لازم نیست دوباره بخواند.

م ۹۶۱- اگر کسی در قرائت حمد و سوره صدایش را بیش از معمول بلند کند و فریاد بکشد نمازش باطل است.

م ۹۶۲- انسان باید قرائت و اذکار نماز را یاد بگیرد که صحیح بخواند و بهتر است قواعد تجوید را رعایت نماید. کسی که نمی‌تواند یاد بگیرد باید هر طور می‌تواند بخواند و بنابر احتیاط واجب نمازش را به جماعت به جا آورد.

م ۹۶۳- اجرت گرفتن برای تعلیم واجبات نماز بنابر احتیاط واجب جایز نیست. ولی برای آداب و مستحبات آن اشکال ندارد.

م ۹۶۴- اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند، یا عمداً نگوید یا تلفظ حرفی را غلط بگوید، یا حرف ساکن را حرکت بدهد، یا تشدید را رعایت نکند نمازش باطل است.

م ۹۶۵- اگر انسان اعتقاد داشته باشد تلفظ صحیح کلمه‌ای این گونه است. و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده در صورتی که جاهل مقصر باشد، باید نمازش را اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

م ۹۶۶- در هر کلمه‌ای واو ما قبل مضموم، الف ما قبل مفتوح و یاء ماقبل مکسور که پس از آن همزه یا حرف ساکن باشد مانند سوء، ساء، سىء و لا الصالین، باید با مدّ و به طور کشیده خوانده شود.

م ۹۶۷- در قرائت نماز وقف به حرکت بنا بر احتیاط واجب و وصل به سکون بنا بر احتیاط مستحب جایز نیست.

(۵) تسبیحات اربعه

م ۹۶۸- نمازگزار در رکعت سوم و چهارم بین خواندن حمد یا گفتن یک مرتبه تسبیحات اربعه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» مخیر است و می‌تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت سه بار تسبیحات بخواند.

م ۹۶۹- در تنگی وقت یا خوف از دزد و درنده باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

م ۹۷۰- بر مرد و زن واجب است در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات یا سوره حمد حتی بسم‌الله را آهسته بخوانند.

م ۹۷۱- کسی که نمی‌تواند تسبیحات را یاد بگیرد و درست بگوید، باید در رکعت سوم و چهارم سوره حمد بخواند.

م ۹۷۲- اگر در دو رکعت اول نماز به خیال این که دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع یا پس از آن بفهمد، نمازش صحیح است. بنا بر احتیاط مستحب دو سجده سهو به جا آورد.

م ۹۷۳- اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال دو رکعت اول یا در دو رکعت اول به گمان دو رکعت آخر حمد بخواند، چه پیش از رکوع، چه بعد از آن بفهمد نمازش صحیح است.

م ۹۷۴- اگر در رکعت سوم یا چهارم می‌خواست حمد بخواند تسبیحات به زبانش آمد، یا می‌خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد، بنا بر احتیاط واجب باید آن را رها کند و دوباره

حمد یا تسبیحات را بخواند. ولی کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسبیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود کفایت می‌کند.

م ۹۷۵- استغفار و گفتن «استغفرالله ربی واتوب الیه» یا «اللهم اغفرلی» بعد از تسبیحات اربعه مستحب است.

م ۹۷۶- اگر نمازگزار پیش از رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید آن را بخواند، اگر چه مشغول استغفار باشد. ولی اگر شک در حال رکوع یا پس از آن باشد اعتنا نکند.

م ۹۷۷- هرگاه نمازگزار قبل از اشتغال به قرائت آیه بعد در صحت قرائت آیه قبل شک کند باید آن را به طور صحیح بگوید. ولی اگر پس از اشتغال به آیه بعد باشد اعتنا نکند.

م ۹۷۸- چند چیز در قرائت مستحب است:

- ۱) گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» پیش از قرائت حمد.
- ۲) در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بسم الله» را بلند بگوید.
- ۳) حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند.
- ۴) به معانی و مفاهیم کلمات و آیات توجه نماید.
- ۵) پس از اتمام سوره حمد بگوید «الحمد لله رب العالمین».
- ۶) پس از اتمام سوره بگوید: «کذالک الله ربی».
- ۷) بعد از سوره و قبل از رکوع اندکی مکث کند.
- ۸) قرائت سوره «انا انزلناه» در رکعت اول و سوره «قل هو الله احد» در رکعت دوم.

م ۹۷۹- سه چیز در قرائت مکروه است:

- ۱- ترک قرائت سوره توحید در تمام نمازهای روزانه.
- ۲- قرائت سوره توحید به یک نفس.
- ۳- تکرار سوره رکعت اول در رکعت دوم مگر سوره توحید.

۶) رکوع

م ۹۸۰- در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد

و این عمل را رکوع می‌گویند.

م ۹۸۱- در صدق رکوع، خم شدن به اندازه متعارف کافی است، هر چند دستها را به زانو نگذارد. بنابراین کسی که دست و پایش با دیگران تفاوت دارد مثلاً دستش خیلی بلند یا پایش خیلی کوتاه است باید به اندازه معمول خم شود. ولی اگر کسی رکوع را به طور غیرمتعارف به جا آورد، مثلاً به چپ یا راست خم شود، اگر چه دست او به زانو برسد، صحیح نیست.

م ۹۸۲- خم شدن باید به قصد رکوع باشد. پس اگر به قصد کار دیگری مثل برداشتن چیزی از زمین یا کشتن جانور باشد رکوع حساب نمی‌شود. بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود.

م ۹۸۳- کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به اندازه‌ای خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است صورت نزدیک جای سجده برسد.

م ۹۸۴- بر نمازگزار واجب است در رکوع سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه بگوید: «سبحان ربی العظیم و بحمده» یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقص پاک و منزّه است و من او را سپاس می‌گویم. هر چند هر ذکر دیگری مانند تحمید و تهلیل کافی است.

م ۹۸۵- ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگویند.

م ۹۸۶- هنگام گفتن ذکر واجب رکوع باید بدن آرام باشد. همچنین آرامش بدن در ذکر مستحب به قصد ذکر بنا بر احتیاط واجب، لازم است. پس اگر بدن حرکت کند هر چند اختیاری نباشد، باید بعد از آرام گرفتن دوباره ذکر را بگوید.

م ۹۸۷- اگر پیش از خم شدن به مقدار لازم برای رکوع و آرام گرفتن بدن عمداً ذکر رکوع را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.

م ۹۸۸- اگر کسی به واسطه بیماری نتواند در رکوع آرام بگیرد نماز صحیح است. ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید. اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، یک سبحان الله اکتفاء نماید و بنا بر احتیاط واجب بقیه را در حال برخاستن بگوید.

م ۹۸۹- هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید با تکیه به چیزی رکوع کند و اگر باز هم نتواند، به هر اندازه می‌تواند، خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود، باید بنشیند و رکوع کند.

م ۹۹۰- کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند به نحو متعارف برای رکوع خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند باید به نیت رکوع چشم‌ها را ببندد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم‌ها را باز کند. اگر از این هم عاجز است باید در قلب، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

م ۹۹۱- رکوع واجب رکنی است و اگر ترک یا زیاد شود - هر چند سهوی باشد - نماز باطل است.

م ۹۹۲- بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده رود. اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

م ۹۹۳- اگر رکوع را فراموش کند، چنانچه پیش از سجده، یادش بیاید، باید بایستد و از حال قیام به رکوع رود. چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است.

م ۹۹۴- اگر در سجده اول یا پس از آن یادش بیاید باید برگردد و بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز بجا آورد. ولی اگر در سجده دوم یادش بیاید نماز باطل است.

م ۹۹۵- چند چیز در رکوع مستحب است:

- (۱) پیش از رکوع در حال قیام تکبیر بگوید. (۲) زانو‌ها را به عقب دهد.
- (۳) پشت را صاف نگه دارد. (۴) گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد.
- (۵) بین دو قدم را نگاه کند. (۶) پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد.
- (۷) پس از آن در حال قیام و آرامش بدن بگوید: «سمع الله لمن حمده».
- (۸) زنها دست را بالاتر از زانو بگذارند.

(۷) سجود

م ۹۹۶- در هر رکعت نماز بعد از رکوع دو سجده واجب است. دو سجده روی هم یک رکن است. اگر کسی هر دو سجده را ترک کند یا دو سجده‌ی دیگر اضافه نماید، نمازش باطل است. ولی کم و زیاد شدن یک سجده سهواً مبطل نیست.

م ۹۹۷- در سجده هفت موضع (پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو، و سر انگشت بزرگ

دو پا) باید بر زمین قرار بگیرد.

م ۹۹۸- اگر نمازگزار یکی از این هفت عضو را عمداً روی زمین قرار ندهد یا پیشانی را سهواً بر زمین نگذارد، اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد، سجده باطل است. ولی اگر پیشانی را بر زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند، سجده صحیح است.

م ۹۹۹- بر نمازگزار واجب است در سجده سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه بگوید: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقص منزّه است و او را سپاس می‌گویم. هر ذکرى مانند «الله اکبر» و «الحمد لله» نیز کافی است. مستحب است «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

م ۱۰۰۰- هنگام گفتن ذکر واجب سجده باید بدن آرام باشد. همچنین آرامش بدن موقع گفتن ذکر مستحب به قصد ذکر سجده بنابر احتیاط واجب لازم است.

م ۱۰۰۱- اگر پیش از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن، عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است. ولی اگر سهواً باشد نماز صحیح است. مگر اینکه پیش از آن که سر از سجده بردارد، بفهمد که در این صورت باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

م ۱۰۰۲- اگر نمازگزار در حال گفتن ذکر سجده، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود. ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیرپیشانی عضو دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

م ۱۰۰۳- اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد، نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند. ولی اگر اعضای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

م ۱۰۰۴- بعد از تمام شدن ذکر سجده‌ی اول باید کمی بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

م ۱۰۰۵- جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوها و سرانگشتان پای او پست‌تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد، هر چند زمین شیب‌دار باشد.

م ۱۰۰۶- اگر پیشانی را بر چیزی بگذارد که اختلاف سطح آن تا زانو یا انگشت پا بیش از

حد مجاز باشد، چنانچه بلندی خیلی زیاد است که از نظر عرف سجده بشمار نمی آید باید سر را بردارد و بر چیزی که بلندی آن در حد مجاز یا کمتر است بگذارد. اگر بلندی زیاد نیست و عرفاً به آن سجده می گویند باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که بلندی آن به حد مجاز است بکشد، و اگر ممکن نیست، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

م ۱۰۰۷- بین پیشانی و محل سجده نباید چیزی مانند موی سر، لبه کلاه و روسری و غیر آن حائل باشد. اگر مهر به قدری چرک و جرم گرفته باشد که پیشانی به خود مهر نرسد، سجده باطل است. ولی اگر رنگ مهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد. در سائر اعضاء وجود حائل اشکال ندارد.

م ۱۰۰۸- در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد، اگر نتواند پشت دست، و اگر نتواند مچ دست، و اگر نتواند، تا آرنج هر جا که ممکن است باید بر زمین بگذارد. اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.

م ۱۰۰۹- در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پاها را بنابر احتیاط واجب به زمین بگذارد. اگر انگشتهای دیگر پا، یا روی پا را بر زمین بگذارد، یا به واسطه ی بلند بودن ناخن، شست به زمین نرسد، نماز باطل است.

م ۱۰۱۰- کسی که مقداری از شست پایش بریده، باید بقیه ی آن را به زمین بگذارد. اگر چیزی از آن نمانده، باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد، باید هر مقداری از پا باقی مانده به زمین بگذارد.

م ۱۰۱۱- اگر به طور غیر معمول سجده کند، مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند، یا پاها را دراز کند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

م ۱۰۱۲- محل سجده باید پاک باشد. سجده بر مهر پاک روی فرش نجس، اشکال ندارد.

م ۱۰۱۳- اگر در پیشانی دمل یا زخم باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند. اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند یا دو مهر در دو طرف قرار دهد و دمل را در گودال یا بین دو مهر و جای سالم را به مقدار لازم بر زمین یا مهر بگذارد.

م ۱۰۱۴- گر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند. اگر ممکن نیست چانه، یا جلو سر را بر زمین بگذارد. در صورت عدم امکان با اشاره

سجده نماید.

م ۱۰۱۵- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید هر اندازه می‌تواند خم شود و محل سجده را بالا آورد و پیشانی را بر آن بگذارد. ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.

م ۱۰۱۶- کسی که هیچ نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بر زمین بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند با چشمها اشاره نماید و اگر نمی‌تواند باید در قلب نیت سجده کند، و بنا بر احتیاط واجب با دست هم به محل سجده اشاره نماید.

م ۱۰۱۷- کسی که نمی‌تواند روی زمین بنشیند، باید ایستاده نیت سجده کند یا بر تخت یا صندلی بنشیند و با رعایت ترتیب ممکن با سر و چشم و قلب اشاره نماید.

م ۱۰۱۸- اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه بتواند، پیشانی را دوباره بر زمین نگذارد و این یک سجده حساب می‌شود، هر چند ذکر سجده را نگفته باشد. اگر نتواند و بی‌اختیار دوباره پیشانی به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

م ۱۰۱۹- سجده بر فرش در مورد تقیه جایز است و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود، مگر سجده بر سنگ فرش و زمین به آسانی ممکن باشد.

م ۱۰۲۰- اگر انسان ناچار شود در زمین گل نماز بخواند می‌تواند ایستاده نماز بخواند و برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

م ۱۰۲۱- در رکعت اول و رکعت سوم نماز چهار رکعتی که تشهد ندارد، باید بعد از سجده دوم بنشیند و بعد برخیزد.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

م ۱۰۲۲- باید بر زمین و آنچه از زمین می‌روید و خوراکی و پوشاکی نباشد، مانند چوب و برگ درخت سجده کرد. سجده بر اشیاء معدنی و فلزات مانند آهن و چدن و جواهرات مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است.

م ۱۰۲۳- سجده بر گلها و برگهائی که خوراکی نیستند همچنین علوفه صحیح است. ولی

سجده بر گیاهان داروئی، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان و برگ تازه درخت مو و میوه نارس صحیح نیست.

م ۱۰۲۴- سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است. ولی سجده بر گچ و آهک پخته و آجر و سفال و سیمان در حال اختیار جایز نیست.

م ۱۰۲۵- سجده بر کاغذ و مقوا صحیح است مگر یقین کند از چیزی تهیه شده که سجده بر آن شرعاً جایز نیست.

م ۱۰۲۶- بهترین چیز برای سجده به ترتیب خاک به ویژه تربت سیدالشهداء علیه السلام، سنگ و برگ گیاه است.

م ۱۰۲۷- اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا به واسطه سرما یا گرمای شدید نتواند بر آن سجده کند، باید با رعایت ترتیب بر لباس کتانی، پشمی، پشت دست و انگشتر عقیق سجده نماید.

م ۱۰۲۸- سجده بر گل و خاک سست و هر چیز دیگری که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد باطل است.

م ۱۰۲۹- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و با همان حال به سجده دوم برود، اشکال ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که برای سجده دوم آن را از پیشانی بردارد.

م ۱۰۳۰- اگر در بین نماز مهر از دسترس خارج شود و چیز دیگری برای سجده نداشته باشد، در وسعت وقت باید نماز را بشکند و در تنگی وقت باید به لباس یا پشت دست یا انگشتر عقیق سجده نماید.

م ۱۰۳۱- هرگاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد. اگر ممکن نباشد به دستور مسأله پیش عمل کند. ولی اگر بعد از سجده بفهمد، اشکال ندارد.

م ۱۰۳۲- سجده برای غیر خداوند متعال حرام است. سجده در مقابل قبر امامان معصوم علیهم السلام نیز جایز نیست مگر برای خدا به عنوان شکرگزاری باشد.

مستحبات و مکروهات سجده

م ۱۰۳۳- در سجده چند چیز مستحب است:

- ۱) تکبیر گفتن پیش از هر سجده و پس از آن در حال آرامش بدن.
- ۲) هنگام نشستن برای سجده، مرد اول دست‌ها و زن اول زانوها را بر زمین بگذارد. و هنگام برخاستن دست‌ها را بعد از زانوها از زمین بردارد.
- ۳) بینی را به زمین یا مهر برساند.
- ۴) در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و رو به قبله برابر گوش بگذارد.
- ۵) سجده را طول بدهد. در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد، صلوات بفرستد و این دعا را بخواند: «یا خیرالمسؤولین و یا خیر المعطین ارزقنی و ارزق عیالی من فضلک فانک ذوالفضل العظیم». یعنی ای بهترین سؤال شونده‌گان و ای بهترین عطاکنندگان، به من و خانواده‌ام از فضل خودت روزی بده. پس به درستی که تو دارای فضل بزرگی هستی.
- ۶) بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد که به آن «تورک» می‌گویند. همچنین دست‌ها را روی رانها بگذارد.
- ۷) بین دو سجده در حال آرامش بدن بگوید: «استغفرالله ربی و اتوب الیه»
- ۸) مردها آرنجها را زمین نگذارند و بازوها را از پهلو جدا نگه دارند و زنها آرنجها را بر زمین بگذارند و بازوها را به پهلو و پاها را به هم بچسبانند.
- ۹) پس از سجده دوم در حین برخاستن برای رکعت بعد بگوید: «بحول الله وقوته اقوم واقعد و ارکع و اسجد».

م ۱۰۳۴- قرآن خواندن در سجده مکروه است. همچنین فوت کردن برای بر طرف کردن گرد و غبار از محل سجده کراهت دارد. اگر در اثر فوت کردن، دو حرف از دهان بیرون آید، نماز باطل است.

سجده واجب قرآن

م ۱۰۳۵- در هریک از چهار سوره‌ی والنجم، اقراء، الم تنزیل و حم سجده یک آیه‌ی سجده است که اگر انسان بخواند یا گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

م ۱۰۳۶- اگر هنگام استماع خودش نیز آیه سجده را قرائت کند، باید دو سجده به جا آورد.
م ۱۰۳۷- در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

م ۱۰۳۸- اگر آیه سجده را به صورت غیر زنده (پخش از ضبط صوت) بشنود یا به صورت زنده پخش شود و بدون قصد استماع به گوشش برسد، سجده واجب نیست.

م ۱۰۳۹- در سجده واجب قرآن باید مکان و لباس انسان غصبی نباشد ولی استقبال و طهارت از حدث و خبث لازم نیست.

م ۱۰۴۰- هرگاه در سجده‌ی واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، کافی است. اگر چه احتیاط مستحب است که اعضای دیگر را نیز بر زمین بگذارد و بگوید:
«لا اله الا الله حقا حقا، لا اله الا الله ايماناً و تصديقاً، لا اله الا الله عبودية و رقاً، سجدت لك يا رب تعبداً و رقاً، لا مستكفا ولا مستكبراً، بل انا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير».

(۸) تشهد

م ۱۰۴۱- در رکعت دوم و آخر نماز واجب است نمازگزار بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند و بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له» گواهی می‌دهم معبودی جز خدای یکتا نیست و شریک ندارد.

«و اشهد ان محمداً عبده و رسوله» گواهی می‌دهم محمد بنده خدا و فرستاده او است.

«اللهم صل على محمد و آل محمد». خدایا بر محمد و خاندانش رحمت فرست.

م ۱۰۴۲- واجبات تشهد هفت چیز است: شهادتین، صلوات، نشستن به اندازه کافی، آرامش بدن در حال ذکر، ترتیب، موالات، خواندن به عربی صحیح.

م ۱۰۴۳- اگر تشهد را فراموش کند و بایستد چنانچه پیش از رکوع یادش بیاید باید بنشیند

و تشهد را بخواند و نماز را ادامه بدهد. و چنانچه در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و پس از سلام نماز، بنا بر احتیاط مستحب تشهد را قضا کند، و برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد.

م ۱۰۴۴- مستحبات تشهد عبارت است از:

(۱) تورک یعنی در حالت تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

(۲) پیش از تشهد بگوید: «الحمد لله» یا «بسم الله و بالله و الحمد لله و خیرالاسماء لله»

(۳) دستها را بر رانها بگذارد. (۴) انگشتها را به یکدیگر بچسباند.

(۵) به دامان خود نگاه کند. (۶) خانمها رانها را به هم بچسبانند.

(۷) بعد از تشهد و قبل از قیام بگوید: «و تقبل شفاعته و ارفع درجته».

۹) سلام نماز

م ۱۰۴۵- نمازگزار در رکعت آخر هر نماز بعد از تشهد در حالت نشسته و آرامش بدن به این ترتیب باید سلام بگوید:

«السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر.

«السلام علینا و علی عباد الصالحین»، سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا باد.

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل ایمان باد.

م ۱۰۴۶- سلام اول مستحب است. سلام سوم واجب و کافی است. بنا بر احتیاط به سلام دوم یا «السلام علیکم» به تنهایی اکتفاء نشود.

م ۱۰۴۷- اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده

و کار منافی نماز مثل پشت به قبله کردن انجام نداده، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است. ولی اگر صورت نماز به هم خورده باشد، چنانچه کار منافی پیش از آن انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند و اگر منافی انجام نداده باشد، سلام بدهد و نمازش صحیح است.

(۱۰) ترتیب

م ۱۰۴۸- نمازگزار باید افعال نماز را به ترتیبی که بیان شد انجام دهد. اگر عمداً ترتیب را رعایت نکند یا سهواً رکنی را بر رکنی مقدم بدارد، نماز باطل می‌شود.

م ۱۰۴۹- اگر سهواً برخلاف ترتیب بجا آورد و فعلی را بر فعلی مقدم بدارد. چنانچه داخل رکن بعدی نشده باشد باید برگردد و آن چه را فراموش کرده بجا آورد و چنانچه مشغول رکن بعدی شده باشد. نمازش صحیح است.

(۱۱) موالات

م ۱۰۵۰- انسان باید افعال و اذکار نماز را پشت سر هم به جا آورد و اگر به اندازه‌ای بین آنها فاصله بیندازد که از صورت نماز خارج شود نمازش باطل است. ولی طول دادن رکوع و سجود، قرائت سوره بزرگ و دعای زیاد در قنوت، موالات را بر هم نمی‌زند.

قنوت

م ۱۰۵۱- در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم، مستحب است قنوت بخواند. نماز وتر یک قنوت، نماز جمعه دو قنوت، نماز آیات پنج قنوت، نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

م ۱۰۵۲- در قنوت مستحب است دستها را مقابل صورت و کف آنها رو به آسمان و کنار هم قرار بدهد. انگشتان را به جز ابهام به هم بچسباند و به کف دستها نگاه کند.

م ۱۰۵۳- در قنوت هر ذکرى مانند تسبیح و صلوات کافی است و بهتر است بگوید:
«لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلی العظیم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین».

م ۱۰۵۴- قرائت قرآن به ویژه آیات مشتمل بر دعا در قنوت جایز، بلکه مؤکد است. مانند: «ربنا اتنا فی الدنيا حسنه و فی الاخرة حسنه و قنا عذاب النار»

خدایا در دنیا و آخرت به ما خیر و نیکی مرحمت فرما و ما را از آتش دوزخ حفظ کن.

م ۱۰۵۵- مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند. ولی در نماز جماعت نباید امام صدای مأموم را بشنود.

م ۱۰۵۶- دعا کردن در قنوت به غیر عربی، برای فرد یا جمع، خاص یا عام، حوائج دنیوی یا اخروی جایز است.

م ۱۰۵۷- نمازگزار مستحب است در حال قیام به محل سجده و در رکوع بین دو قدم، در سجده به نوک بینی و در حال جلوس به دامان خود نگاه کند و در همه حال چشم را که یکی از ابزار وسوسه شیطان است کنترل و تحت اختیار داشته باشد.

م ۱۰۵۸- نمازگزار مستحب است دستش را هنگام تکبیرة الاحرام تا مقابل گوش بالا بیاورد و به علامت تسلیم رو به قبله قرار بدهد. در قیام آویخته و کف آن را بر ران بگذارد. در حال رکوع انگشتها باز و کف دست بر زانو قرار بگیرد. در حال سجده انگشتها را به هم چسبانده و محاذی گوش، و در حال تشهد آن را بر ران و در حال قنوت کف دست رو به آسمان و مقابل صورت قرار بدهد. از بازی کردن با انگشتان و موی سر و صورت خودداری نماید.

تعقیب نماز

م ۱۰۵۹- مستحب است انسان پس از نماز مقداری در جای خود رو به قبله بنشیند و به ذکر و دعا و قرآن مشغول شود. بهترین تعقیب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است که باید به این ترتیب گفته شود: «اللّه اکبر» ۳۴ مرتبه، «الحمد لله» ۳۳ مرتبه، «سبحان اللّه» ۳۳ مرتبه. پس از آن دعاهاى وارده هر نماز را بخواند.

م ۱۰۶۰- بعد از هر نماز سجده شکر مستحب است. اگر پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است. ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه بگوید، «شکراً لله» یا «شکراً، عفواً». هرگاه نعمتی به انسان برسد یا بلایی از او دور شود، سجده شکر مستحب است.

صلوات بر پیغمبر

م ۱۰۶۱- هرگاه انسان اسم یا لقب یا کنیه ی پیامبر را مانند محمد و احمد، مصطفی و ابوالقاسم بگوید یا بشنود، مستحب است صلوات بفرستد. همچنین هنگام نوشتن آنها صلوات را نیز بنویسد. «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

مبطلات نماز

مسألة ۱۰۶۲- دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند: فقدان شرط، حدث، تکتف، آمین، انحراف از قبله، تکلم، خنده، گریه، فعل منافی، خوردن و آشامیدن، شک باطل، کم و زیادی رکن.

(۱) فقدان شرط

م ۱۰۶۳- اگر در بین نماز یکی از شرائط آن از بین برود. مثلاً در بین نماز بفهمد مکان یا لباس غصبی است، نماز باطل می‌شود.

(۲) عروض حدث

م ۱۰۶۴- هرگاه در بین نماز چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید - هر چند سهوی یا اضطراری باشد - نماز باطل می‌شود. مگر در مورد مسلوس و مبطون و مستحاضه که طبق وظیفه عمل می‌کند و نمازش صحیح است.

م ۱۰۶۵- کسی که بی‌اختیار خوابش برده، اگر نداند در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، باید نمازش را دوباره بخواند. ولی اگر به اختیار خودش خوابیده باشد نمازش صحیح است.

م ۱۰۶۶- اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند در سجده آخر نماز است، یا در سجده شکر، باید آن نماز را دوباره بخواند.

۳) تکتف

م ۱۰۶۷- اگر کسی در نماز دست روی دست بگذارد و بر سینه قرار دهد و به اصطلاح دست به سینه مانند بعضی فرقه‌های اهل تسنن، نماز بخواند نمازش باطل است.

م ۱۰۶۸- اگر تکتف از روی علم و عمد باشد نماز باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست باشد اشکال ندارد.

۴) آمین

م ۱۰۶۹- آمین گفتن بعد از حمد موجب بطلان نماز است. ولی اگر اشتبهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی‌شود.

۵) انحراف از قبله

م ۱۰۷۰- از مبطلات نماز پشت به قبله کردن یا برگشتن از قبله به طرف راست یا چپ است. خواه عمدی باشد خواه سهوی. بلکه اگر عمداً بقدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

م ۱۰۷۱- اگر عمداً یا سهواً صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، چنانچه انحراف زیاد باشد، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است، هر چند جلو بدن رو به قبله باشد. ولی اگر سر را کمی بگرداند هر چند عمدی باشد، نماز باطل نمی‌شود.

۶) تکلم عمدی

م ۱۰۷۲- از مبطلات نماز تکلم عمدی به کلمه دو حرفی یا بیشتر است اگر چه معنی نداشته باشد. ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی‌شود.

م ۱۰۷۳- اگر کلمه یک حرفی معنی دار مثل (ق) به معنی نگه‌دار، را بر زبان آورد، چنانچه معنی آن را بداند، نمازش باطل می‌شود، هر چند معنای آن را قصد نکند. ولی تکلم به حرف هر چند معنا داشته باشد مانند (ل) به معنی غایت یا علت و (و) به معنی عطف مبطل نیست مگر اینکه این معانی را قصد نماید.

م ۱۰۷۴- سرفه کردن، آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن اسامی آنها (اح، پف، آخ، آه) اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.

م ۱۰۷۵- اگر نمازگزار به قصد ذکر تکبیر یا تسبیح بگوید و صدایش را بلند کند که چیزی

را به دیگری بفهماند اشکال ندارد. ولی چنانچه به قصد فهماندن بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می شود.

م ۱۰۷۶- تکرار آیات حمد و سوره، اذکار و تسبیحات، عمداً یا احتیاطاً اشکال ندارد. ولی اگر وسواس باشد نماز باطل می شود.

جواب سلام

م ۱۰۷۷- در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند. ولی اگر دیگری به او سلام کند، جواب سلام به همان عبارت واجب است و اگر جواب نداد نمازش صحیح است. ولی در غیر نماز مستحب است جواب را بهتر بگوید.

م ۱۰۷۸- جواب سلام در نماز یا غیر نماز واجب فوری است. ولی اگر عمداً یا از روی فراموشی به اندازه‌ای تأخیر بیندازد که جواب آن سلام حساب نشود نباید جواب بدهد، ولی معصیت کرده است.

م ۱۰۷۹- باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود. ولی اگر سلام کننده کر باشد، یا سریعاً گفته و رفته، یا فضا پر سر و صدا باشد جواب به طور معمول کافی است.

م ۱۰۸۰- نمازگزار جواب سلام را باید به قصد تحیت بگوید، نه به قصد قرآن یا دعا.

م ۱۰۸۱- جواب سلام زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز در حال نماز جایز است. ولی جواب کسی که از روی تمسخر یا شوخی یا غلط سلام کند جواب واجب نیست. سلام بر نمازگزار و غیرمسلمان و متظاهر به فسق کراهت دارد. در جواب سلام غیرمسلمان بنا بر احتیاط واجب فقط سلام یا علیک بگوید.

م ۱۰۸۲- اگر فرد به جمع سلام کند، هرگاه یکی از آنان جواب دهد کافی است. اگر دو نفر همزمان بر یکدیگر سلام کنند بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

م ۱۰۸۳- مستحب است سواره به پیاده، ایستاده به نشسته، کوچکتر به بزرگتر، وارد بر اهل خانه سلام کند.

(۷) خنده

م ۱۰۸۴- از مبطلات نماز قهقهه عمدی است. ولی لبخند زدن یا خنده صدادار سهوی اشکال ندارد.

۸) گریه

م ۱۰۸۵- گریستن عمدی برای امور دنیوی نماز را باطل می‌کند. ولی اگر از ترس خدا و آخرت باشد کاری پسندیده است.

۹) فعل منافی

م ۱۰۸۶- کاری که صورت نماز را به هم بزند مثل دست زدن و نرمش کردن - کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی - همچنین سکوت طولانی در بین نماز به وصف مذکور موجب بطلان نماز می‌شود.

م ۱۰۸۷- اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که صورت نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است.

۱۰) خوردن و آشامیدن

م ۱۰۸۸- خوردن و آشامیدن به طوری که صورت نماز یا موالات عرفی را به هم بزند، مبطل است. ولی فرو بردن ذرات باقیمانده در لای دندانها یا قند و نبات مانده در دهان که خودش تدریجاً آب شود و فرو رود اشکال ندارد.

۱۱) شک باطل

م ۱۰۸۹- شک در رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی موجب بطلان نماز است.

۱۲) کم و زیادی رکن

م ۱۰۹۰- کم یا زیاد کردن رکن نماز عمداً یا سهواً و غیر رکن به طور عمدی نماز را باطل می‌کند.

م ۱۰۹۱- اگر پس از نماز شک کند در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

مکروهات نماز

م ۱۰۹۲- چند چیز در نماز مکروه است: ۱) صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگردانند. ۲) چشمها را ببندد یا به طرف راست و چپ نگاه کند. ۳) با موی سر و صورت و دست خود

بازی کند. ۴) انگشته‌ها را داخل هم نماید. ۵) آب دهان بیندازد. ۶) به خط کتاب یا نقش انگشتی نگاه کند. ۷) هنگام قرائت و ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود. ۸) هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد. ۹) خواب آلود بودن و خمیازه کشیدن. ۱۰) تحت فشار بودن به خاطر خودداری بول و غائط.

موارد جواز قطع نماز

- م ۱۰۹۳- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است. ولی در چند مورد جایز است
- الف) موردی که مال و جان خود یا دیگری در معرض خطر و ضرر باشد.
- ب) طلبکار در وسعت وقت نماز طلب خود را از نمازگزار مطالبه کند.
- ج) در بین نماز و با وسعت وقت از نجس شدن مسجد اطلاع پیدا کند.

شکّیات

- م ۱۰۹۴- شکّیات نماز سه نوع و ۲۳ قسم است: اول) شک‌های مبطل، ۸ قسم.
- دوم) شک‌های غیرقابل اعتنا، ۶ قسم. سوم) شک‌های صحیح، ۹ قسم.

نوع اول: شک‌های مبطل

- م ۱۰۹۵- شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند عبارت است از:
- ۱) شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب مثل نماز صبح و نماز مسافر، نماز جمعه و آیات، ولی شک در رکعات نماز مستحب و نماز احتیاط موجب بطلان نمی‌شود.
- ۲) شک در شماره رکعت‌های نماز سه رکعتی (مغرب)
- ۳) شک بین یک و بیشتر در نماز چهار رکعتی.
- ۴) شک بین دو و بیشتر در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم.
- ۵) شک بین دو و پنج یا بیشتر. ۶) شک بین سه و شش یا بیشتر.
- ۷) شک بین چهار و شش یا بیشتر. ۸) اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.

م ۱۰۹۶- اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید، باید اندکی فکر کند، اگر شک زائل نشد، می‌تواند نمازش را بشکند. در قسم ۵ و ۶ و ۷ بنا بر احتیاط بنا بر اقل بگذارد و نماز را اتمام و اعاده نماید.

نوع دوم: شکهای غیر قابل اعتنا

م ۱۰۹۷- شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد از این قرار است:

- | | |
|---------------------|------------------------|
| (۱) شک بعد از محل. | (۲) شک بعد از سلام. |
| (۳) شک خارج از وقت. | (۴) شک کثیرالشک. |
| (۵) شک امام و مأوم. | (۶) شک در نماز مستحبی. |

(۱) شک بعد از محل

م ۱۰۹۸- شک بعد از محل اعتبار ندارد و نباید به آن اعتناء کرد. مانند شک در قرائت حمد و سوره در حال رکوع، شک در گفتن ذکر رکوع و سجود پس از سر برداشتن، شک در رکوع در حال سجده، شک در تشهد در حال قیام، شک در قرائت آیه قبل پس از اشتغال به قرائت آیه بعد.

م ۱۰۹۹- کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اگر هنگام قرائت حمد یا تسبیحات در انجام سجده یا تشهد شک کند نباید به شک خود اعتنا کند. ولی اگر شک پیش از اشتغال به قرائت باشد باید مشکوک را به‌جا آورد.

م ۱۱۰۰- اگر نماز گزار پیش از اشتغال به عمل بعدی در انجام عمل قبلی شک کند، باید آن را به‌جا آورد. چنانچه بعد یادش بیاید که آن را انجام داده بود، اگر عمل قبلی رکن باشد نمازش باطل است. و اگر غیررکن باشد نمازش صحیح است.

م ۱۱۰۱- اگر نماز گزار پس از اشتغال به عمل بعدی در انجام عمل قبلی شک کند، و طبق وظیفه به شک خود اعتنا نکند. بعد یادش آمد که آن را انجام نداده است، اگر عمل بعدی رکن باشد چنانچه عمل قبلی متروک، غیررکن باشد نمازش صحیح است و چنانچه عمل قبلی نیز رکن باشد نماز باطل است. اگر عمل بعدی رکن نباشد باید برگردد و آن را به‌جا آورد. خواه عمل قبلی رکن باشد یا غیررکن.

م ۱۱۰۲- اگر شک کند سلام نماز را گفته یا نه، درست گفته یا نه، چنانچه مشغول نماز دیگر یا عمل منافی شده، به شک خود اعتنا نکند.

۲) شک بعد از سلام

م ۱۱۰۳- اگر پس از سلام شک کند نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، اعتنا نکند. ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد مانند شک بین سه و پنج در نماز چهار رکعتی، نمازش باطل است.

۳) شک بعد از وقت

م ۱۱۰۴- اگر بعد از گذشتن وقت شک کند که نماز خوانده یا نه، درست خوانده یا نه، به شک خود اعتناء نکند. حتی اگر گمان کند نخوانده، خواندن آن لازم نیست.

م ۱۱۰۵- اگر کسی چهار رکعت نماز خوانده باشد و پس از مغرب شک کند به نیت ظهر بوده یا به نیت عصر، باید چهار رکعت نماز قضا به نیت ما فی الذمه بخواند.

م ۱۱۰۶- اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشاء بدانند نماز خوانده، ولی ندانند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی، باید قضای نماز مغرب و عشاء را به جا آورد.

۴) کثیرالشک

م ۱۱۰۷- کثیرالشک کسی است که دچار یک حالت روانی شده و اعتماد به نفس را از دست داده، و زیاد شک می کند. به طوری که در هر سه نماز متوالی شک می کند. البته در صورتی که شک او ناشی از ترس و خشم و نظائر آن نباشد.

م ۱۱۰۸- کثیرالشک به شک خود نباید اعتنا کند، خواه شک در عدد رکعات نماز باشد یا در اجزاء و شرائط آن.

م ۱۱۰۹- کثیرالشک همیشه باید مورد شک را طوری قرار بدهد که نمازش صحیح باشد. پس اگر شک کند رکوع کرده یا نه، باید بنا بگذارد که رکوع کرده است، اگر شک کند یک رکوع کرده یا بیشتر، باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع به جا نیاورده است. اگر در نماز صبح شک

کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بنا را بر دو رکعت بگذارد.

م ۱۱۱۰- کسی که مثلاً در سجده نماز زیاد شک می‌کند، چنانچه در به جا آوردن غیر آن مانند رکوع شک کند باید به دستور آن عمل نماید. یعنی اگر به سجده نرفته، رکوع را به جا آورد و اگر به سجده رفته، اعتنا نکند.

م ۱۱۱۱- کسی که در نماز مخصوصی (ظهر) زیاد شک می‌کند اگر در نماز دیگر (عصر) شک کند، باید به دستور شک رفتار نماید.

م ۱۱۱۲- کسی که فقط وقتی در جای مخصوصی نماز می‌خواند زیاد شک می‌کند، اگر در جای دیگر نماز بخواند و شکی برایش پیش آید، باید به دستور شک عمل نماید.

م ۱۱۱۳- اگر انسان شک کند کثیرالشک شده یا نه، باید بنا بگذارد که کثیرالشک نشده است. و کثیرالشک تا وقتی یقین نکند به حال عادی برگشته، باید به شک خود اعتنا نکند.

م ۱۱۱۴- اگر کثیرالشک شک کند رکنی مانند رکوع را به جا آورده یا نه، و طبق وظیفه بنا گذاشت که بجا آورده، بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده، چنانچه مشغول رکن بعد نشده، باید آن را به جا آورد، و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش باطل است.

م ۱۱۱۵- در فرض مذکور اگر شک در غیر رکن مانند حمد باشد، چنانچه وارد رکن بعدی نشده، باید آن را به جا آورد، و اگر وارد رکن بعد شده باشد، نمازش صحیح است.

م ۱۱۱۶- فرد وسواسی نباید به یقین و شک خود ترتیب اثر بدهد. بلکه وظیفه دارد مانند افراد عادی عمل نماید و بنا بر صحت عمل خود بگذارد.

۵) شک امام و مأموم

م ۱۱۱۷- اگر امام جماعت در شماره‌ی رکعت‌های نماز شک کند، چنانچه مأموم تعداد رکعات را بداند و به امام بفهماند، امام باید بپذیرد و نماز را تمام کند. اگر مأموم در شماره‌ی رکعت‌های نماز شک کند و امام بداند، باید به شک خود اعتنا ننماید.

۶) شک در نماز مستحبی

م ۱۱۱۸- اگر نمازگزار در شماره رکعت‌های نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیش‌تر شک، نماز را باطل می‌کند باید بنا را بر کمتر بگذارد. اگر باطل نمی‌کند، مثلاً شک بین یک و

(۱) شک بین چهار و پنج (۲) شک بین سه و پنج

(۳) شک بین سه و چهار و پنج (۴) شک بین پنج و شش.

در این چهار صورت باید بنشینند، تشهد بخوانند و سلام بدهند. سپس مانند شک‌های فوق عمل نماید و نماز احتیاط یا دو سجده سهو به جا آورد.

م ۱۱۲۷- اگر نمازگزار در یکی از موارد فوق شک کند، باید ابتدا فکر نماید، اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شد، همان طرف را بگیرد و نمازش را تمام کند. ولی اگر شک زائل نشد طبق احکام فوق عمل نماید.

م ۱۱۲۸- اگر یکی از شرک‌های صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند. بلکه باید طبق وظیفه‌ای که گفته شد عمل نماید. پس اگر پیش از انجام فعل منافی نماز مثل روگرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دوم نیز باطل است.

م ۱۱۲۹- وقتی برای انسان شک (صحیح یا باطل) پیش آید چنان که گفته شد، باید فوری فکر کند. اگر کمی تاخیر بیندازد، اشکال ندارد، مثلاً در سجده شک کند و بعد از سجده فکر کند.

م ۱۱۳۰- اگر نمازگزار اول به یک طرف گمان داشت، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید. اگر اول دو طرف در نظرش مساوی باشد و به طرفی که وظیفه اوست بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف دیگر برود، باید طرف گمان را بگیرد و نماز را تمام کند.
م ۱۱۳۱- کسی که نمی‌داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، باید به حکم شک عمل نماید.

م ۱۱۳۲- اگر در تشهد یا قیام شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، در همان موقع یکی از شک‌های صحیح (دو و سه) برای او پیش آید، چنانچه به دستور آن شک عمل کند نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از تشهد و قیام شکی پیش آید نمازش باطل است. چون صحت شک در رکعات، مشروط به احراز سجده دوم است.

م ۱۱۳۳- اگر نمازگزار در حال قیام بین سه و چهار یا سه و پنج شک کند و یادش بیاید سجده رکعت پیش را به جا نیاورده، نمازش باطل است.

م ۱۱۳۴- هرگاه نمازگزار در موردی شک کند و شک او از بین برود و شک دیگری برایش

پیش آید، مثلاً اول شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد یقین کند سه رکعت خوانده، سپس بین سه و چهار شک کند، باید به دستور شک دوم عمل نماید.

م ۱۱۳۵- اگر کسی بعد از نماز بداند در حال نماز شک کرده، ولی نداند شک او بین دو و چهار بوده، یا بین سه و چهار، بنابر احتیاط به دستور هر دو شک عمل کند و نماز را دوباره هم بخواند. هرچند فعل منافی و اعاده کافی است. همچنین اگر نداند شک او باطل بوده یا صحیح، باید نمازش را اعاده کند و نماز احتیاط و سجده سهو لازم نیست.

نماز احتیاط

م ۱۱۳۶- نماز احتیاط را باید بلافاصله پس از نماز بجا آورد. به نیت نماز احتیاط تکبیر بگویند و حمد بخوانند. رکوع و دو سجده نماید. و در رکعت آخر تشهد بخواند و سلام دهد.

م ۱۱۳۷- نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد، باید نیت آن را به زبان نیاورد. سوره حمد حتی بسم الله آن را آهسته بگویند.

م ۱۱۳۸- کسی که قادر بر قیام نیست و نمازش را نشسته می خواند، باید به ازاء هر رکعت نماز احتیاط ایستاده یک رکعت نشسته بخواند. ولی اگر برای نماز احتیاط بتواند بایستد باید ایستاده نماز احتیاط را بخواند. اگر بخواهد با وجود قدرت بر قیام، نشسته بخواند باید هر رکعت نماز احتیاط ایستاده را به صورت دو رکعت نشسته به جا آورد.

م ۱۱۳۹- اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد، نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند. اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید.

م ۱۱۴۰- اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعتهای نمازش کم بوده، چنانچه عمل منافی (پشت به قبله) انجام نداده، باید آنچه از نماز نخوانده بخواند و برای سلام بی جا دو سجده سهو بنماید. اگر عمل منافی انجام داده، باید نماز را دوباره به جا آورد.

م ۱۱۴۱- هرگاه بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

م ۱۱۴۲- اگر پس از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده، (مثل

شک بین دو و چهار و احراز سه رکعت) یا بیشتر بوده، (مثل شک بین سه و چهار و احراز دو رکعت) چنانچه عمل منافی انجام نداده، باید کسری نماز را به جا آورد و نماز را نیز دوباره بخواند.

م ۱۱۴۳- اگر بین دو و سه و چهار شک کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند. اگر پیش از رکوع رکعت دوم نماز احتیاط یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید بنشیند و نماز احتیاط را یک رکعتی تمام کند و دو سجده سهو برای تشهد و سلام زیادی بجا آورد.

م ۱۱۴۴- اگر بین سه و چهار شک کند و هنگام خواندن نماز احتیاط یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را تمام کند و نمازش صحیح است.

م ۱۱۴۵- اگر کسی شک کند نماز احتیاط واجب را به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز گذشته به شک خود اعتنا نکند، و اگر وقت باقی است چنانچه موالات به هم نخورده و منافی انجام نداده، باید نماز احتیاط را بخواند و اگر منافی به جا آورده، یا فاصله‌ی زیادی افتاده، نماز احتیاط و اعاده اصل نماز لازم نیست، هر چند موافق احتیاط است.

م ۱۱۴۶- اگر در نماز احتیاط، رکعی را زیاد کند، یا مثلاً به جای یک رکعت دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می‌شود و باید اصل نماز را اعاده نماید.

م ۱۱۴۷- اگر نمازگزار در یکی از اجزاء نماز احتیاط مانند قرائت حمد شک کند، چنانچه محل آن نگذشته، باید به جا آورد و اگر مجلس گذشته، به شک خود اعتنا نکند.

م ۱۱۴۸- اگر در تعداد رکعات نماز احتیاط شک کند بنا بر احتیاط واجب باید بنا را بر اکثر بگذارد، مگر اینکه طرف بیشتر موجب بطلان شود که در این صورت باید بنا بر اقل بگذارد.

م ۱۱۴۹- اگر در نماز احتیاط غیررکن سهواً کم یا زیاد شود، سجده سهو ندارد.

م ۱۱۵۰- اگر پس از سلام شک کند یکی از اجزاء یا شرایط نماز احتیاط را به جا آورده یا نه، اعتنا نکند.

م ۱۱۵۱- اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کند، احتیاط واجب آن است که بعد از سلام آن را قضا نماید.

م ۱۱۵۲- اگر نماز احتیاط و قضای سجده یا تشهد و سجده سهو واجب شود ترتیب شرط

نیست. ولی بنا بر احتیاط مستحب اول نماز احتیاط، بعد جزء فراموش شده و در آخر سجده سهو را به جا آورد.

م ۱۱۵۳- گمان در رکعات نماز حکم یقین دارد و در افعال حکم شک دارد. و بهتر است مطابق احتیاط عمل نماید.

سجده سهو

م ۱۱۵۴- در شش مورد باید بعد از سلام نماز، دو سجده‌ی سهو به جا آورد:

(۱) کلام بیجا، در بین نماز، سهواً حرف بزند.

(۲) سلام بیجا، در رکعت اول سهواً سلام بدهد.

(۳) قیام و قعود بیجا، در جائی که باید بنشینند، اشتهاهاً بایستد و در جائی که باید بایستند اشتهاهاً بنشینند.

(۴) یک سجده را فراموش کند.

(۵) تشهد را فراموش کند.

(۶) شک بین چهار و پنج در رکعات.

م ۱۱۵۵- هر چیزی که در نماز اشتهاهاً کم یا زیاد شود، بنا بر احتیاط واجب سجده سهو دارد.

م ۱۱۵۶- اگر انسان اشتهاهاً یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو به جا آورد.

م ۱۱۵۷- برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه کردن پیدا می‌شود، سجده‌ی سهو واجب نیست، ولی اگر سهواً (آخ) یا (آه) بگوید، باید سجده‌ی سهو نماید.

م ۱۱۵۸- اگر لفظی را که غلط خوانده، دوباره صحیح بخواند، سجده‌ی سهو واجب نیست.

م ۱۱۵۹- اگر در نماز سهواً چند کلمه یا چند جمله بگوید، چنانچه از حالت نماز خارج نشود و تمام آنها یک مرتبه حساب شود، دو سجده‌ی سهو بعد از سلام نماز کافی است.

م ۱۱۶۰- اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید، بنا بر احتیاط واجب باید پس از نماز دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

م ۱۱۶۱- اگر نمازگزار یکی از سلام‌های نماز را به‌طور کامل یا ناقص یا هر سه سلام را با هم در غیر محل خود سهواً بگوید، باید دو سجده سهو به جا آورد.

م ۱۱۶۲- اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند، چنان‌چه پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد. و چنان‌چه در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید، سپس دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

م ۱۱۶۳- اگر سجده سهو را پس از سلام نماز عمداً به جا نیاورد، معصیت کرده و باید هر چه زودتر آن را انجام دهد و اعاده نماز لازم نیست.

م ۱۱۶۴- اگر شک دارد سجده‌ی سهو بر او واجب شده یا نه، لازم نیست به جا آورد. اگر شک دارد دو سجده‌ی سهو بر او واجب شده یا چهار تا، دو سجده کافی است.

م ۱۱۶۵- کسی که دو سجده‌ی سهو بر او واجب است، اگر بداند سهواً یک یا سه سجده کرده است باید دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

دستور سجده سهو

م ۱۱۶۶- دستور سجده‌ی سهو به این ترتیب است که پس از سلام نماز فوراً نیت سجده‌ی سهو کند و با حالت طهارت، رو به قبله، پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و همان ذکر را بگوید و بنشیند و پس از تشهد، سلام دهد. بهتر است به مقدار واجب تشهد و سلام سوم اکتفا نماید.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

م ۱۱۶۷- اگر نمازگزار سجده را فراموش کند باید پس از سلام نماز قضای آن را بلافاصله بجا آورد، سپس بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو انجام دهد. اگر تشهد را فراموش کند دو سجده سهو بجا آورد و تشهد پس از آن کافی است.

م ۱۱۶۸- در قضای سجده و تشهد باید تمام شرایط نماز: مانند پاک بودن بدن و لباس، رو

به قبله بودن و غیره رعایت شود.

م ۱۱۶۹- اگر کسی چند سجده فراموش کند، مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم را فراموش نماید، باید قضای هریک را با دو سجده سهو به طور جداگانه به جا آورد. رعایت ترتیب در قضای دو سجده لازم نیست. هرچند احتیاط مستحب است.

م ۱۱۷۰- اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند و بداند کدام یک اول فراموش شده، بنابر احتیاط مستحب ترتیب را رعایت کند و اگر نداند بهتر است یک تشهد و دو سجده قبل و بعد از آن، یا یک سجده و دو تشهد قبل و بعد آن به جا آورد.

م ۱۱۷۱- اگر پس از سلام و پیش از قضای سجده عمداً یا سهواً منافی انجام دهد، باید پس از قضای سجده و دو سجده سهو، بنابر احتیاط نمازش را اعاده نماید.

م ۱۱۷۲- در فرض مذکور اگر کاری انجام دهد که برای آن سجده‌ی سهو واجب می‌شود مثلاً سهواً حرف بزند باید پس از انجام آن دو، بنابر احتیاط واجب دو سجده‌ی سهو دیگر به جا آورد.

م ۱۱۷۳- اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید یک سجده یا تشهد را از رکعت آخر فراموش کرده، باید برگردد، سجده نماید، تشهد بخواند و دوباره سلام بدهد. سپس دو سجده‌ی سهو برای سلام بیجا به جا آورد.

م ۱۱۷۴- اگر بداند یا سجده را فراموش کرده یا تشهد را، باید هر دو را قضا نماید و دو سجده سهو به قصد ما فی الذمه به جا آورد. ولی اگر شک دارد سجده را فراموش کرده یا تشهد را، قضای هیچکدام واجب نیست.

م ۱۱۷۵- اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شک کند پیش از رکوع رکعت بعد به جا آورده یا نه، بنابر احتیاط واجب در مورد سجده باید آن را قضا نماید و دو سجده سهو بجا آورد. ولی در خصوص تشهد دو سجده سهو کافی است.

م ۱۱۷۶- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری سجده‌ی سهو بر او واجب شود، باید پس از قضای سجده یا تشهد، و دو سجده‌ی سهو آن، دو سجده سهو دیگر به جا آورد.

م ۱۱۷۷- اگر شک دارد قضای سجده یا تشهد فراموش شده را به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز باقی است باید قضای آن را به جا آورد و اگر وقت گذشته، احتیاط مستحب است.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

م ۱۱۷۸- هرگاه نماز گزار چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، اگر چه یک حرف آن باشد، نماز باطل است. مگر جاهل قاصر در غیررکن باشد. پس اگر به واسطه ندانستن مسأله، حمد و سوره نماز صبح را آهسته بخواند، یا حمد و سوره‌ی نماز ظهر را بلند بخواند، یا در مسافرت نماز عشا را چهار رکعتی بخواند، نمازش صحیح است.

م ۱۱۷۹- اگر در بین نماز یا پس از آن بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، نمازش باطل است و باید دوباره با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

م ۱۱۸۰- اگر در رکوع یادش بیاید دو سجده رکعت قبل را فراموش کرده، نمازش باطل است. اگر پیش از رکوع یادش بیاید، باید برگردد و دو سجده را به جا آورد و برخیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند. و دو سجده سهو بنا بر احتیاط واجب برای قیام بیجا به جا آورد.

م ۱۱۸۱- اگر پیش از سلام آخر نماز یادش بیاید که دو سجده یا یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را به جا نیاورده، باید آنچه را فراموش کرده به جا آورد، و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد، سپس دو سجده‌ی سهو به جا آورد.

م ۱۱۸۲- اگر پس از سلام یادش بیاید چنانچه منافی بجا آورده نماز باطل است، چنانچه منافی انجام نداده، باید فوراً مقدار فراموش شده را به جا آورد.

م ۱۱۸۳- اگر بفهمد نماز را پیش از وقت یا پشت به قبله به جا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

نماز مسافر

مسألة ۱۱۸۴- مسافر باید نمازهای چهار رکعتی را با هشت شرط، شکسته به جا آورد یعنی دو رکعت بخواند.

(۱) هشت فرسخ

م ۱۱۸۵- سفر کمتر از هشت فرسخ شرعی (۴۵ کیلومتر) نباشد. هر فرسخ تقریباً ۵/۶ کیلومتر است. اگر مجموع رفت و برگشت هشت فرسخ باشد، نماز شکسته است. هر چند رفت یا برگشت کمتر از چهار فرسخ باشد و نخواهد همان روز و شب برگردد.

م ۱۱۸۶- اگر انسان شک دارد سفر او هشت فرسخ است یا نه، باید نمازش را تمام بخواند. در صورت امکان باید از افراد آشنا به منطقه بپرسد. اگر بگویند یا شخصی مورد وثوق بگوید مسافت هشت فرسخ است و از گفته او اطمینان حاصل شود، باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۱۸۷- کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید نمازش را به صورت چهار رکعتی اعاده نماید. اگر وقت گذشته، قضایش را به جا آورد.

م ۱۱۸۸- کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست، یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه، چنانچه در بین راه بفهمد هشت فرسخ بوده، باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده باشد، بنا بر اقوی باید به صورت شکسته اعاده نماید.

م ۱۱۸۹- اگر بین دو محل که فاصله آن‌ها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کند، اگر چه روی هم هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۱۹۰- اگر محلی دو راه داشته باشد، یک راه کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، ملاک برای قصر و اتمام مسیری است که طی می‌کند. پس اگر از راه اول برود نمازش تمام است و اگر از راه دوم برود نمازش قصر خواهد بود.

م ۱۱۹۱- مبدأ سفر دیوار شهر یا خانه‌های آخر شهر می‌باشد.

(۲) قصد سفر

م ۱۱۹۲- از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد. پس اگر به جایی برود و از آن جا قصد کند جای دیگری برود که مجموع دو مسافت هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواند از آن جا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و به محل اقامت خود برگردد، چنانچه برگشت کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۱۹۳- کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است، مثلاً برای انجام مأموریت مانند تعمیر اتصال شبکه برق و تلفن و یافتن گمشده‌ای مسافرت می‌کند و نمی‌داند چه مقدار باید برود تا مقصود حاصل شود، باید نماز را تمام بخواند. ولی چنانچه مسیر برگشت هشت فرسخ یا بیشتر باشد، یا در حین رفت قصد چهار فرسخ یا بیشتر کند و برگشت او هم از چهار فرسخ کمتر نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۱۹۴- کسی که قصد هشت فرسخ دارد، وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که از نظر عرف مسافر نباشد باید نمازش را تمام بخواند.

م ۱۱۹۵- کسی که در سفر تابع دیگری است، مانند فرزند و زندانی انتقالی، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر بداند یا گمان داشته باشد پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود، باید نماز را تمام بخواند.

۳) استمرار قصد

م ۱۱۹۶- قصد مسافر تا پایان سفر شرعی باید استمرار داشته باشد. پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردّد شود، باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۱۹۷- اگر پس از رسیدن به چهار فرسخ از ادامه سفر منصرف شود، چنانچه بخواهد ده روز آنجا بماند، یا در برگشتن و ماندن مردّد باشد، باید نماز را تمام بخواند. و اگر بخواهد برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۱۹۸- اگر پس از طی مسافتی تصمیم بگیرد به جای دیگری برود، چنانچه از مبدأ حرکت تا مقصد دوم هشت فرسخ باشد، نماز شکسته است.

م ۱۱۹۹- اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ مردّد شود که بقیه‌ی راه را برود یا نه، چنانچه توقف کند و بعد تصمیم بگیرد بقیه‌ی راه را برود، یا در حال تردید مسافتی را طی کند و بعد تصمیم بگیرد به راه خود ادامه بدهد، چنانچه بخواهد هشت فرسخ دیگر برود یا باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ برود و برگردد، باید نماز را تا آخر مسافرت شکسته بخواند.

۴) عدم عبور از وطن

م ۱۲۰۰- مسافر نباید پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا حداقل ده روز در جایی بماند. پس اگر قصد عبور از وطن یا اقامت ده روز در محلی داشته باشد باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۰۱- کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند، در صورت انصراف یا تردید نیز باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر باقیمانده‌ی راه هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

۵) سفر حرام نباشد

م ۱۲۰۲- مسافرت حرام و برای کار حرام نباشد. پس اگر برای دزدی، کمک به ستمکار، زیان رساندن به مسلمان و ... سفر کند، یا سفر برای او ضرر داشته باشد، یا زن بدون اجازه‌ی شوهر سفر غیرواجب برود باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۰۳- اگر سفر فرزند موجب اذیت پدر و مادر باشد مخصوصاً اگر او را نهی کرده باشند حرام است و باید نمازش را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

م ۱۲۰۴- اگر سفر حرام و برای کار حرام نباشد، اگر چه در سفر، گناهی انجام دهد، مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد، یا بر مرکب غضبی سوار شود. باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۰۵- اگر سفر برای ترک واجب باشد نماز تمام است. مانند بدهکار که برای نپرداختن بدهی خود مسافرت نماید.

م ۱۲۰۶- سفر برای تفریح و سیاحت حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر قصد خوش گذرانی و لهو و لعب داشته باشد، نمازش تمام است. کسی که برای کسب و تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است.

م ۱۲۰۷- هنگام برگشت از سفر معصیت اگر توبه کند، باید نماز را شکسته بخواند. اگر توبه نکرده، باید تمام بخواند. مگر آنکه برگشتن، سفر جداگانه‌ای به حساب آید، که در هر دو صورت نماز شکسته است.

م ۱۲۰۸- کسی که سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه باقیمانده‌ی راه هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواد برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۰۹- کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه‌ی راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند. ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است.

۶) بیابانگرد نباشد

م ۱۲۱۰- کسانی که محل سکونت ثابت ندارند و پیوسته در حال کوچ هستند و هر جا آب و خوراک مناسب برای همراهان و حیوانات خود پیدا کنند، سکونت می‌گزینند و پس از چندی به جای دیگر می‌روند باید نماز را تمام بخوانند.

م ۱۲۱۱- اگر بیابانگرد و صحرانشین برای پیدا کردن منزل مناسب و چراگاه حیواناتشان به اندازه مسافت سفر کند، چنانچه لوازم زندگی همراهش باشد نمازش تمام است وگرنه باید شکسته بخواند.

م ۱۲۱۲- اگر این گونه افراد برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند این ها مسافرت کنند و چادر و اثاثیه خود را همراه نداشته باشند، باید نماز را شکسته بخوانند.

۷) شغل او مسافرت نباشد

م ۱۲۱۳- راننده و خلبان، کشتیبان، چوبدار و گلهدار، پستچی، مأمور آمار و سرشماری و هر کسی که شغلش مسافرت باشد، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند.

م ۱۲۱۴- کسی که مسافرت مقدمه‌ی شغل او باشد حکم کسی را دارد که شغل او مسافرت است. بنابراین کسی که بین محل کار و سکونت او به اندازه مسافت شرعی فاصله باشد و ده روز در یک محل نمی ماند، نمازش تمام است.

م ۱۲۱۵- کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مانند زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر به عنوان راننده خودرو زائرین را همراهی کند و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۱۶- کسانی که به عنوان مدیر، راهنما و خدمه زائرین را به مکه یا عتبات می‌برند، اگر در طول سال چندین نوبت این کار را انجام بدهند به طوری که بیشتر ایام سال در سفر باشند و مسافرت جزء یا مقدمه شغل آنان باشد باید نمازشان را تمام بخوانند.

م ۱۲۱۷- لازم نیست در تمام سال شغل فرد مسافرت باشد. بلکه اگر چند ماه در سال شغلش رانندگی باشد تا هنگامی که به رانندگی اشتغال دارد باید در سفر نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۱۸- راننده و دوره‌گردی که در شهر کار می‌کند یا در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۱۹- کسی که شغلش مسافرت است یا مسافرت مقدمه‌ی شغل اوست، اگر ده روز در وطن یا غیر وطن با قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند. ولی اگر شک کند ده روز مانده یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۲۰- کسی که برای خود وطنی اختیار نکرده و در شهرها و کشورها سیر و سفر می‌کند، باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۲۱- کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلاً برای انتقال کالاهای خود پی در پی

مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۲۲- کسی که وطن داشته و از آن اعراض کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، اگر شغلش مسافرت نباشد، نمازش شکسته است.

۸ رسیدن به حد ترخص

م ۱۲۲۳- مسافر باید از وطن یا محل اقامت خود به اندازه‌ای دور شود که اهل آن‌جا را نبیند و اذان آن‌جا را نشنود.

م ۱۲۲۴- کسی که شک دارد به حد ترخص رسیده یا نه، باید نماز را هنگام رفت تمام و در موقع برگشت شکسته بخواند.

م ۱۲۲۵- هرگاه مسافر از وطن خود بگذرد، از حد ترخص ورود به وطن تا حد ترخص خروج از آن باید نمازش را تمام بخواند.

قواطع سفر

- م ۱۲۲۶- سه چیز موجب قطع سفر می‌شود : ۱- عبور از وطن
- ۲- قصد اقامت ده روز ۳- ماندن یک ماه تمام در محل واحد بدون قصد.

۱ عبور از وطن

م ۱۲۲۷- وطن دو قسم است: الف) وطن اصلی: جائی که انسان در آن‌جا متولد شده باشد و پدر و مادرش آن‌جا زندگی کنند.

ب) وطن اتخاذی: آنجا را برای اقامت دائم و زندگی اختیار کرده باشد، هر چند زادگاه او و وطن پدر و مادرش نباشد.

م ۱۲۲۸- اگر کسی قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگر برود، آن‌جا وطن او حساب نمی‌شود.

م ۱۲۲۹- صدق وطن در غیر زادگاه منوط به قصد اقامت دائم است. بنابراین اگر کسی بخواهد بدون قصد توطن مدتی هر چند طولانی در جائی بماند، وطن او حساب نمی‌شود. و باید

به اندازه‌ای بماند که آنجا از نظر عرف وطن او شناخته شود. به طوری که پس از هر مسافرت به آنجا برگردد. در صدق وطن اتخاذی، داشتن ملک و سکونت برای مدت معین معتبر نیست. ولی برای صدق عرفی شش ماه به طور متصل سکونت می‌کند.

م ۱۲۳۰- کسی که در دو جا زندگی می‌کند، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند، هر دو وطن او است. اختیار وطن سوم مورد اشکال است. و باید نمازش را به صورت جمع (قصر و اتمام) بخواند. روزه نیز بگیرد و قضای آن را در وطن یا محل اقامت ده روز به جا آورد.

م ۱۲۳۱- اگر کسی بخواهد در غیر وطن بدون قصد اقامت بماند نمازش شکسته است هر چند در آن جا ملک داشته باشد و شش ماه مانده باشد.

م ۱۲۳۲- هرگاه کسی از وطن اصلی خود اعراض کرده باشد، نمی‌تواند نمازش را در آن جا تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری برای خود اختیار نکرده باشد.

(۲) قصد اقامت ده روز

م ۱۲۳۳- مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا بدانند اجباراً ده روز در محلی می‌ماند، باید نمازش را تمام بخواند.

م ۱۲۳۴- برای تحقق قصد اقامت ده روز، قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم لازم نیست. بلکه اگر از صبح روز اول تا غروب روز دهم یا از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند کافی است و باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۳۵- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، در صورتی نمازش تمام است که بخواهد تمام ده روز را در یک جا بماند. پس اگر بخواهد مثلاً ده روز در دو محل مانند نجف و کوفه یا تهران و کرج بماند باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۳۶- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد در بین ده روز به آن جا برود، چنانچه مسافت کمتر از چهار فرسخ باشد و مدت رفت و برگشت کمتر از نیم روز باشد به طوری که رفتن به آن جا از نظر عرف منافی با صدق اقامت در محل نباشد، باید در تمام ده روز نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۳۷- مسافری که بخواهد ده روز در محلی بماند و احتمال عقلایی بدهد که مانعی برای ماندن او پیش آید. یا قصد او مشروط به امری نامعلوم مانند آمدن رفیق یا موافقت همراه یا پیدا کردن منزل مناسب باشد، باید نمازش را شکسته بخواند.

م ۱۲۳۸- اگر مسافر قصد کند تا آخر ماه در جایی بماند، چنانچه هنگام قصد بداند یا پس از قصد بفهمد ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده، باید نمازش را تمام بخواند. ولی اگر نداند تا آخر ماه چند روز مانده، نمازش شکسته است. اگر چه به حسب واقع از هنگام قصد تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

م ۱۲۳۹- اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند. ولی بعداً منصرف یا مردد شود، چنانچه انصراف یا تردید پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی باشد باید نماز را شکسته بخواند و چنانچه پس از آن باشد، باید تا هنگامی که در آن محل می ماند نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۴۰- در هر دو صورت فوق اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، روزه آن روز صحیح است. ولی روزه روزهای بعد فقط در صورت دوم صحیح است.

م ۱۲۴۱- اگر مسافری که قصد ده روز کرده، منصرف شود و شک کند پیش از انصراف یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

م ۱۲۴۲- اگر مسافری در بین نماز قصر تصمیم بگیرد ده روز یا بیشتر در محل بماند، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید. اگر در بین نماز تمام از قصد خود برگردد، چنانچه محل باقی است و به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و چنانچه به رکوع رکعت سوم رفته، نمازش باطل است و تا وقتی در آنجا هست باید نماز را شکسته بخواند.

م ۱۲۴۳- مسافری که قصد اقامت ده روز در محلی کرده، اگر بیشتر بماند، تا وقتی مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

م ۱۲۴۴- مسافری که قصد دارد ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی، نماز جمعه، نافله‌ی ظهر و عصر را نیز بجا آورد.

م ۱۲۴۵- مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند اگر پس از ده روز یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و به محل اقامت خود برگردد، باید نماز را تمام بخواند. هر چند در مراجعت به محل اقامت مردد یا غافل باشد.

م ۱۲۴۶- در فرض مسأله قبل، اگر بخواهد به محل دیگری برود و ده روز در آنجا بماند، چنانچه فاصله‌ی دو محل کمتر از هشت فرسخ باشد نمازش در مسیر تمام است و اگر هشت فرسخ یا بیشتر باشد، نمازش در بین راه قصر است.

۳) اقامت یک ماه بدون قصد

م ۱۲۴۷- اگر مسافر بدون قصد، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردّد باشد، پس از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند. اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند.
م ۱۲۴۸- اگر کسی در اول ماه به محلی برسد و تا آخر ماه به طور مردد در آنجا بماند، چنانچه ماه ۲۹ روز باشد روز اول ماه بعد که روز سی ام اقامت اوست، بنابر احتیاط بین قصر و اتمام جمع کند.

م ۱۲۴۹- هرگاه مسافری بخواهد کمتر از ده روز در محلی بماند، اگر پس از گذشتن آن چند روز، دوباره بخواهد برای مدت کمتر از ده روز همانجا بماند و این وضعیت تا سی روز ادامه یابد، از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

م ۱۲۵۰- شرط تمام بودن نماز این است که تمام سی روز در یک جا بماند، پس اگر در دو محل باشد کافی نیست و بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

اماکن تخییر

م ۱۲۵۱- مسافر منخیر است در مسجدالحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم حضرت سیدالشهداء نمازش را قصر یا تمام بخواند، هر چند توسعه یافته باشند. تمام افضل و قصر در دو شهر مکه و مدینه احوط است.

م ۱۲۵۲- تخییر در این اماکن استمراری است. می توان نماز ظهر را چهار رکعت و نماز عصر را دو رکعت بجا آورد. هم چنین کسی که نمازش را به نیت قصر شروع کرده، می تواند به تمام عدول نماید و بالعکس

م ۱۲۵۳- در اماکن تخییر بدون قصد اقامت ده روز یا اقامت سی روز بدون قصد نمی توان روزه گرفت. ولی سه روز روزه مستحبی در مدینه برای گرفتن حاجت اشکال ندارد.

مسائل متفرقه

- م ۱۲۵۴-** کسی که می‌داند نماز مسافر شکسته است، اگر عمداً یا از روی فراموشی یا عادت تمام بخواند، باید نمازش را اعاده کند. ولی اگر بعد از وقت متوجه شود، قضا ندارد. و چنانچه مسأله را نداند نمازش صحیح است.
- م ۱۲۵۵-** مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر نداند در سفر هشت فرسخی نماز شکسته است یا گمان کند سفرش کمتر از هشت فرسخ است و بعد بفهمد سفرش هشت فرسخ بوده، چنانچه نمازش را تمام خوانده باشد، باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته باشد، قضا نماید.
- م ۱۲۵۶-** اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته اعاده نماید. ولی اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن بر او واجب نیست.
- م ۱۲۵۷-** کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته به جا آورد، چه عمدی باشد، چه سهوی، چه عالم به مسأله باشد، چه جاهل، در هر صورت نمازش باطل است.
- م ۱۲۵۸-** اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است، یا ملتفت شود سفر او هشت فرسخ است، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و باید شکسته بخواند.
- م ۱۲۵۹-** مسافری که وظیفه‌اش تمام است اگر به واسطه ندانستن مسأله به نیت قصر مشغول نماز شود و در بین نماز مسأله را بفهمد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند.
- م ۱۲۶۰-** اگر مسافر اول وقت نماز نخواند تا به وطن یا محل اقامت خود برسد، باید نماز را تمام بخواند و اگر کسی در اول وقت در وطن باشد و نماز نخواند و مسافرت کند، باید نمازش را شکسته بخواند.
- م ۱۲۶۱-** اگر کسی در اول وقت حاضر و آخر وقت مسافر باشد یا بالعکس، و نمازش فوت شود، در قضای آن بین قصر و اتمام مخیر است. هر چند بهتر است حال فوت یعنی آخر وقت را ملاک قرار دهد.
- م ۱۲۶۲-** مستحب است مسافر بعد از هر نماز قصر سی مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».

نماز قضا

- م ۱۲۶۳-** کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده، باید قضای آن را به جا آورد. اگر چه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد. ولی قضای نماز زمان کفر یا جنون یا بیهوشی غیراختیاری تمام وقت یا دوره حیض یا نفاس واجب نیست.
- م ۱۲۶۴-** اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازش باطل بوده، باید قضای آن را به جا آورد.
- م ۱۲۶۵-** نماز قضا واجب فوری نیست و وقت معین ندارد. ولی در انجام آن نباید کوتاهی کند. بنابراین کسی که نماز قضا دارد می‌تواند نماز مستحبی بخواند.
- م ۱۲۶۶-** اگر انسان احتمال دهد بعضی نمازها را فراموش کرده و نخوانده یا خوانده، ولی صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.
- م ۱۲۶۷-** در قضای نمازهای یومیه و غیر یومیه رعایت ترتیب لازم نیست. مگر در نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشاء از یک روز، همان طور که در ادای آن ترتیب باید رعایت شود.
- م ۱۲۶۸-** اگر نماز در اماکن تخییر فوت شود چنانچه بخواهد همانجا قضا کند مخیر بین قصر و اتمام است و چنانچه در غیر آن اماکن بخواهد قضایش را به جا آورد، بنا بر احتیاط باید به صورت قصر بخواند.
- م ۱۲۶۹-** اگر نماز ظهر یا عصر یا عشاء مسافر فوت شود قضای آن قصر است هر چند بخواهد در حضر به جا آورد. و اگر از حاضر فوت شود، قضای آن تمام است اگر چه بخواهد در سفر به جا آورد.

- م ۱۲۷۰-** کسی که چند نماز از او فوت شده و شماره آن‌ها را نمی‌داند، چنانچه مقدار معلوم و کمتر را قضا کند کافی است.
- م ۱۲۷۱-** کسی که نماز قضا دارد می‌تواند پیش از آن نماز ادا به‌جا آورد. ولی اگر نماز قضا مربوط به همان روز باشد، بهتر است نماز قضا را جلو بیندازد.
- م ۱۲۷۲-** کسی که یک نماز چهار رکعتی از او فوت شده و نمی‌داند نماز ظهر بوده یا عصر یا عشاء، اگر یک نماز چهار رکعتی به نیت مافی‌الذمه بخواند، کافی است.
- م ۱۲۷۳-** انسان تا زنده است اگر چه از خواندن نماز قضای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.
- م ۱۲۷۴-** نماز قضا را می‌توان با جماعت به‌جا آورد، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند. بنابراین می‌توان نماز قضای صبح را به نماز ظهر یا عصر امام اقتدا کرد.
- م ۱۲۷۵-** به‌جا آوردن نماز قضا به جماعت در صورتی صحیح است که امام جماعت نیز نماز قضای قطعی - برای خودش یا به نیابت از متوفی - بخواند. ولی اگر نماز قضای امام به نحو احتیاط باشد، اقتدا به او صحیح نیست.
- م ۱۲۷۶-** مستحب است بچه‌ی ممیز را به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند و او را به قضای نمازها نیز وادار نمایند.

نماز قضای پدر و مادر

- م ۱۲۷۷-** اگر پدر و مادر نماز و روزه خود را به‌جا نیاورده باشند، پس از فوت ایشان بر پسر بزرگتر واجب است قضای آن را به‌جا آورد، یا برای آنان اجیر بگیرد.
- م ۱۲۷۸-** اگر پسر بزرگتر شک دارد که پدر و مادر نماز و روزه قضا داشته‌اند یا نه، چیزی بر او واجب نیست. ولی اگر بداند نماز قضا داشته‌اند و شک کند به‌جا آورده‌اند یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.
- م ۱۲۷۹-** اگر معلوم نباشد پسر بزرگتر کدام است، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هر کدام واجب کفائی است. و می‌توانند نماز و روزه او را بین خودشان قسمت کنند، یا برای انجام

آن قرعه بزنند.

م ۱۲۸۰- اگر میت وصیت کرده باشد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند. چنانچه اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست.

م ۱۲۸۱- کسی که می خواهد قضای نماز میت را به جا آورد باید به تکلیف خود و مطابق با فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، مرد باید حمد و سوره را برای قضای نماز صبح و مغرب و عشای زن بلند بخواند.

م ۱۲۸۲- کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر و مادر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.

م ۱۲۸۳- اگر پسر بزرگتر هنگام فوت پدر یا مادر نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی بالغ یا عاقل شد، باید نماز و روزه آنان را قضا نماید و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن یا قضا کردن بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

نماز استیجاری

م ۱۲۸۴- اجیر گرفتن برای قضای نماز و روزه میت جایز است، تا اجیر به نیابت میت قضای نمازها و روزه های فوت شده او را بجا آورد. اگر کسی تبرعا و بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.

م ۱۲۸۵- انسان می تواند برای بعضی کارهای مستحبی مثل زیارت قبر پیغمبر و امامان علیهم السلام، از طرف زندگان اجیر شود، و نیز می تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نماید.

م ۱۲۸۶- کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده، باید مسائل مورد ابتلاء نماز را بداند و قرائت او صحیح و قادر بر انجام آن و مورد وثوق باشد.

م ۱۲۸۷- اجیر باید موقع نیت، میت را معین نماید. لازم نیست اسم او را بداند. همین اندازه که توجه داشته باشد از طرف کسی که برایش اجیر شده نماز می خواند کافی است.

م ۱۲۸۸- اجیر باید خود را به جای میت فرض کند و قصدش این باشد عبادتی که بر عهده میت بوده، به نیابت از او قضا نماید. پس اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه

کند کافی نیست.

م ۱۲۸۹- ذمه میت در صورتی بری خواهد شد که اطمینان حاصل شود اجیر نماز و روزه را به اندازه معین انجام داده است. پس اگر ثابت شود اجیر عمل را به جا نیاورده، یا باطل انجام داده، باید دوباره اجیر بگیرند.

م ۱۲۹۰- هرگاه ولی میت در انجام اصل عمل یا صحت عمل اجیر شک کند، چنانکه مورد وثوق باشد و بگوید صحیح انجام داده‌ام قابل قبول است.

م ۱۲۹۱- اجیر نباید معذور باشد. پس کسی را که نشسته نماز می‌خواند یا با تیمم یا جبیره نماز می‌خواند نمی‌توان اجیر کرد.

م ۱۲۹۲- مرد برای زن و زن برای مرد می‌تواند اجیر شود و در بلند و آهسته خواندن نماز باید به تکلیف خود عمل نماید.

م ۱۲۹۳- رعایت ترتیب در قضای نمازهای میت توسط اجیر لازم نیست مگر در مورد ظهر و عصر، مغرب و عشا که در مورد ادا هم باید ترتیب مراعات شود.

م ۱۲۹۴- اگر با اجیر شرط کنند عمل را به طور مخصوصی انجام دهد، (مثلاً تسبیحات اربعه را سه مرتبه بگوید یا نماز را در مسجد یا وقت معین بخواند) باید همان‌طور به جا آورد. ولی اگر شرط نکنند، باید مطابق تکلیف خود و به صورت معمول انجام دهد.

م ۱۲۹۵- اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میت اجیر کند برای حصول اطمینان به انجام آن به مقدار لازم بهتر است به آنها بگوید همه مثلاً از نماز ظهر شروع کنند و به نماز صبح ختم نمایند. ولی تعیین و تقسیم وقت لازم نیست.

م ۱۲۹۶- اگر کسی اجیر شود که مثلاً در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد، باید برای نمازهایی که می‌دانند به جا نیاورده، دیگری را اجیر نمایند.

م ۱۲۹۷- کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده، از مال اجیر به ولی میت بدهند. اگر شرط نکرده باشند ورثه یا باید خودشان تتمه نمازهای را بخوانند یا از مال اجیر، دیگری را برای باقیمانده نمازها اجیر کنند. ولی اگر اجیر مال نداشته باشد بر ورثه‌ی او چیزی واجب نیست.

م ۱۲۹۸- اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، در صورت شرط مباشرت باید اجرت نمازهای باقیمانده به مستأجر برگردانده شود. در صورت عدم شرط مباشرت باید از اصل مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و اگر چیزی زیاد آمد، چنانچه وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند باید برای تمام نمازهای او نیز اجیر بگیرند، و اگر اجازه ندهند ثلث آن را به مصرف نماز خودش برسانند.

نماز جماعت

مسألة ۱۲۹۹- نماز جماعت یکی از بزرگترین شعائر اسلامی به شمار می‌آید و مستحب مؤکد است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا، خصوصاً برای همسایه‌ی مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده است.

م ۱۳۰۰- ثواب نماز جماعت با ۲۵ نماز فرادی برابر است. طبق روایت اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب ۱۵۰ نماز دارد. اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز دارد. هر چه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می‌شود. اگر تعداد آنان از ده نفر بیشتر باشد، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت‌ها قلم و جنّ و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

م ۱۳۰۱- شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند. به ویژه نماز جماعت در مساجد جامع و مسجدالنبی و مسجدالحرام.

م ۱۳۰۲- مستحب است انسان انتظار بکشد تا نماز را به جماعت بخواند. نماز جماعت مختصر با تأخیر از نماز فرادای طولانی اول وقت بهتر است.

م ۱۳۰۳- هنگام اقامه نماز جماعت، کسی که نمازش را فرادی خوانده، مستحب است دوباره نمازش را با جماعت بخواند. اگر بعد بفهمد نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است.

م ۱۳۰۴- اگر امام یا مأموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره با جماعت بخواند، در صورت وحدت امام و مأموم اشکال دارد. ولی امام می‌تواند برای جماعت دیگر دوباره امامت کند، هر چند در یک مسجد باشد.

م ۱۳۰۵- کسی که اگر نمازش را فردای بخواند اطمینان به صحت پیدا نمی‌کند، مانند وسواسی و کسی که قرائت نمازش صحیح نیست، باید نمازش را با جماعت بخواند.

م ۱۳۰۶- اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، چنانچه ترک آن موجب اذیت آنان بشود، اطاعت آنان واجب است.

م ۱۳۰۷- جایز نیست نماز مستحبی به جماعت خوانده شود مگر نماز استسقاء و نماز عید فطر و قربان.

م ۱۳۰۸- در نمازهای یومیه مأموم می‌تواند هر نمازی را به هر نماز امام اقتدا کند. مثلاً نماز ظهر خود را با نماز عصر امام بخواند. مگر اینکه نماز امام احتیاطی باشد که فقط در صورتی اقتدا جایز است که نماز مأموم هم احتیاطی باشد و منشاء احتیاط امام و مأموم یکی باشد.

م ۱۳۰۹- اگر امام جماعت نماز قضای قطعی خود یا دیگری را بخواند می‌توان به او اقتدا کرد. ولی اگر نماز قضا احتیاطی باشد، اقتدای به او اشکال دارد.

م ۱۳۱۰- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب است یا مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

شرائط نماز جماعت

م ۱۳۱۱- در صحت نماز جماعت چهار چیز شرط است که بدون رعایت آن‌ها جماعت باطل است.

(۱) عدم حائل

م ۱۳۱۲- چیزی مانند پرده یا دیوار یا در و پنجره که مانع رؤیت باشد بین امام و مأموم و بین مأومین حائل نباشد. این حکم مخصوص مردان است. بنابراین وجود حائل بین امام مرد و مأوم زن یا مأومین مرد و زن اشکال ندارد.

م ۱۳۱۳- اگر در اثناء نماز جماعت بین مأموم و امام، یا بین مأمومین حائل قرار بگیرد، نماز فرادی می‌شود و صحیح است.

م ۱۳۱۴- اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد، کسانی که دو طرف محراب ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند نمی‌توانند اقتدا کنند. ولی اگر کسی پشت سر امام اقتدا کرده باشد، اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند اگر اتصال برقرار باشد، اشکال ندارد، هر چند امام را نبینند.

م ۱۳۱۵- اگر به واسطه درازی صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند می‌توانند اقتدا کنند. و نیز اگر به واسطه درازی صف عقب کسانی که دو طرف آن ایستاده‌اند، صف جلوی خود را نبینند می‌توانند اقتدا نمایند.

م ۱۳۱۶- اگر صفهای جماعت تا در مسجد برسد، کسی که مقابل در پشت صف ایستاده و کسانی که پشت سر او باشند و کسانی که دو طرف او بایستند چنانچه اتصال برقرار باشد نمازشان صحیح است.

م ۱۳۱۷- کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأموم دیگر به امام متصل باشد. نمازش صحیح است.

(۲) جای امام بلندتر نباشد

م ۱۳۱۸- جای ایستادن امام از جای مأموم بلندتر نباشد. اگر اختلاف سطح خیلی کم (کمتر از یک وجب) باشد اشکال ندارد.

م ۱۳۱۹- اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد هر چند در طبقه‌ی فوقانی متعارف قرار بگیرد، اشکال ندارد. مگر اینکه به اندازه‌ای بلندتر باشد که صدق جماعت واحد نکند که در این صورت نمی‌تواند اقتدا کنند.

(۳) امام جلوتر باشد

م ۱۳۲۰- مأموم نباید جلوتر از امام بایستد. اگر مأموم یک مرد است در طرف راست امام بایستد، هر چند مساوی باشد اشکال ندارد. مگر قامت مأموم بلندتر از امام باشد که در این

صورت بنا بر احتیاط باید عقب تر بایستند به طوری که در حال رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.
م ۱۳۲۱- نماز به صورت استداره در مسجدالحرام صحیح است. مشروط به اینکه مأموم نسبت به امام نزدیکتر به دیوار کعبه نباشد و در امتداد صف پشت سر امام قرار بگیرد.

۴) فاصله زیاد نباشد

م ۱۳۲۲- فاصله امام و مأموم و مأمومین با یکدیگر زیاد نباشد. فاصله محل سجده‌ی مأموم تا جای ایستادن امام، هم‌چنین فاصله محل سجده مأموم از جای ایستادن مأموم صف جلو و نیز فاصله مأمومین یک صف از یکدیگر بیش از یک قدم معمولی نباشد. اگر فاصله بیشتر باشد، باید به وظیفه منفرد عمل نماید.

م ۱۳۲۳- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، نماز صف عقب فرادی می‌شود، مگر صف جلو فوراً برای نماز دیگر به امام اقتدا کنند.

م ۱۳۲۴- حضور یک بچه ممیز یا غیر ممیز در صف نمازگزاران مانع ندارد. هر چند نماز نخواند یا بداند نمازش باطل است.

احکام جماعت

م ۱۳۲۵- پس از تکبیرة الاحرام امام اگر صف جلو آماده‌ی نماز باشند صف بعد می‌تواند اقتدا کند.

م ۱۳۲۶- اگر انسان بداند نماز امام یا صف جلو باطل است، نمی‌تواند اقتدا کند، ولی در صورت شک، اقتدا جایز است.

م ۱۳۲۷- اگر مأموم بعد از نماز بفهمد امام عادل نبوده یا نمازش باطل بوده، مثلاً بی‌وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است.

م ۱۳۲۸- اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأموم است مثلاً به حمد و سوره‌ی امام گوش می‌دهد، باید نماز را به جماعت تمام کند. و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه منفرد و هم وظیفه مأموم است مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فرادی تمام نماید.

م ۱۳۲۹- عدول از جماعت به فرادی بدون عذر جایز نیست مگر در حال تشهد و پیش از سلام باشد.

م ۱۳۳۰- اگر مأموم به واسطه عذری بعد از اتمام حمد و سوره‌ی امام نیت فرادی کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند. ولی اگر در حین قرائت نیت فرادی نماید، بنا بر احتیاط واجب باید حمد و سوره را بخواند هر چند امام مقداری از آن را خوانده باشد.

م ۱۳۳۱- پس از عدول از جماعت به فرادی نمی‌تواند دوباره به جماعت برگردد. ولی اگر مردد شود که نیت فرادی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است.

م ۱۳۳۲- اگر در بین نماز جماعت شک کند که نیت فرادی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

م ۱۳۳۳- اگر هنگامی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به جماعت صحیح است و رکعت اول او حساب می‌شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد یا شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش باطل است.

م ۱۳۳۴- اگر در حال رکوع امام اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع برود، امام سر از رکوع بردارد، می‌تواند بایستد و انتظار بکشد تا امام برای رکعت بعد برخیزد یا به قصد متابعت به سجده برود و برخیزد، یا نیت فرادی نماید.

م ۱۳۳۵- اگر اول نماز یا بین قرائت اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود، امام سر از رکوع بردارد، در صورتی که عذری در تأخیر داشته باشد نماز او به جماعت صحیح است و باید رکوع کند و خود را در سجده به امام برساند. در رکعات بعدی نیز باید همین طور عمل نماید.

م ۱۳۳۶- اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، می‌تواند پس از نیت و گفتن تکبیره الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید، پس از سلام امام برخیزد و حمد و سوره را به عنوان رکعت اول قرائت نماید.

م ۱۳۳۷- اگر در رکعت دوم اقتدا کند، قنوت و تشهد را با امام می‌خواند - بهتر است موقع

خواندن تشهد به صورت نیم‌خیز انگشتان دست و سینه‌ی پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند - پس از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره بخواند، و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع خود را به امام برساند.

م ۱۳۳۸- اگر در رکعت دوم نماز چهار رکعتی اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد، و تسییحات بگوید و در رکوع خود را به امام برساند.

م ۱۳۳۹- اگر در رکعت سوم یا چهارم در حال قیام امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع خود را به امام برساند. چنانچه از اول بداند اگر حمد بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، باید صبر کند تا امام به رکوع برود و به او اقتدا نماید.

م ۱۳۴۰- کسی که یقین یا اطمینان دارد اگر سوره را بخواند به رکوع امام می‌رسد، باید سوره را بخواند و چنانچه به رکوع نرسد جماعتش صحیح است.

م ۱۳۴۱- اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند. ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند، اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

م ۱۳۴۲- اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره بخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

م ۱۳۴۳- اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

م ۱۳۴۴- اگر هنگام اشتغال به نماز مستحبی جماعت برپا شود، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به رکعت اول جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و به نماز جماعت ملحق شود.

م ۱۳۴۵- هرگاه انسان به نماز واجب سه رکعتی یا چهار رکعتی مشغول باشد و نماز جماعت منعقد شود و هنوز به رکوع رکعت سوم نرفته باشد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

م ۱۳۴۶- اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فرادی کند.

م ۱۳۴۷- کسی که یک رکعت از امام عقب مانده، وقتی امام تشهد رکعت آخر را می‌خواند، می‌تواند برخیزد و نماز را تمام کند یا به صورت نیم خیز صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد.

شرایط امام جماعت

م ۱۳۴۸- امام جماعت باید بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند. اگر مأموم مرد است امام نیز باید مرد باشد و اقتدا کردن بچه ممیز به بچه ممیز دیگر و امامت زن برای زن جایز است.

م ۱۳۴۹- عدالت یک ملکه نفسانی و حالت خداترسی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار صغیره باز می‌دارد. همین اندازه که مدتی با کسی معاشرت داشته باشیم و خلاف شرعی از او مشاهده نشود نشانه عادل بودن او است. گواهی دو فرد عادل یا اشتهار بین مردم و اقتدای جمعی از افراد متدین و ظاهر الصلاح برای احراز عدالت کافی است.

م ۱۳۵۰- اگر انسان کسی را که سابقاً عادل می‌دانسته، شک کند به عدالت خود باقی است یا نه، عادل است و می‌تواند به او اقتدا نماید، مگر اینکه یقین به زوال عدالت پیدا شود.

م ۱۳۵۱- کسی که ایستاده نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند. کسی که نشسته نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند اقتدا نماید. ولی اقتدای نشسته یا خوابیده به نشسته اشکال ندارد.

م ۱۳۵۲- اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا وضوی جبره‌ای نماز بخواند، می‌توان به او اقتدا کرد. ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.

م ۱۳۵۳- اگر انسان مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بنا بر احتیاط واجب، نباید امامت کند و اقتدای به او جایز نیست. کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، بنا بر احتیاط مستحب امام جماعت نشود.

احکام جماعت

م ۱۳۵۴- مأموم باید در نیت خود امام را معین نماید. ولی دانستن اسم او لازم نیست، قصد اقتدا به امام حاضر، کافی است.

م ۱۳۵۵- مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند. ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

م ۱۳۵۶- اگر مأموم صدای قرائت امام را در نمازهای جهریه ولو بعضی کلمات را بشنود، باید حمد و سوره را ترک کند. اگر نشنود، مستحب است حمد و سوره را آهسته بخواند. در نمازهای اخفاتیه گفتن ذکر مستحب است.

م ۱۳۵۷- اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند، یا به خیال این که صدایی را که می شنود صدای امام نیست، حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده، نمازش صحیح است.

م ۱۳۵۸- مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید. ولی در اذکار دیگر مانع ندارد. هر چند اگر بشنود احتیاط مستحب آن است که آنها را نیز پیش از امام نگوید. ولی در خصوص سلام اگر عمداً پیش از امام سلام دهد نمازش صحیح است.

م ۱۳۵۹- مأموم باید افعال نماز مانند رکوع و سجود را جلوتر از امام یا با تأخیر زیاد انجام ندهد. اگر عمداً چنین کند، معصیت کرده و جماعتش باطل است.

م ۱۳۶۰- اگر مأموم سهواً پیش از امام سر از رکوع یا سجده بردارد، چنانچه امام در رکوع یا سجده باشد، باید برگردد و با امام سر بردارد. ولی اگر برگردد و امام را در رکوع و هر دو سجده درک نکند نمازش باطل است. ولی اگر به خیال اینکه به امام نمی رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است.

م ۱۳۶۱- اگر مأموم سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است، چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد متابعت به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، سجده دوم او حساب می شود. و اگر به خیال اینکه سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده، متابعت از امام جماعت به حساب می آید و باید بار دیگر با امام به سجده رود.

م ۱۳۶۲- اگر مأموم سهواً پیش از امام به رکوع یا سجده رود، باید سر بردارد و با امام به رکوع یا سجده برود. در این صورت جماعت و نمازش صحیح است. و اگر صبر کند تا امام به

او ملحق شود نمازش صحیح و جماعتش مورد اشکال است.
م ۱۳۶۳- اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتبهاً قنوت بخواند، یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتبهاً تشهد بخواند، مأوم نباید قنوت و تشهد را بخواند. ولی نمی‌تواند پیش از امام به رکوع رود، یا پیش از امام برخیزد و بایستد. بلکه باید به نحو ممکن به او اعلام کند، اگر امام متوجه نشد صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند.

مستحبات و مکروهات

م ۱۳۶۴- چند چیز در نماز جماعت مستحب است.

- (۱) اگر مأوم یک مرد است طرف راست امام بایستد و اگر یک زن باشد در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدم امام باشد.
- (۲) اگر یک مرد و چند زن باشند مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند.
- (۳) اگر چند مرد یا چند زن باشند پشت سر امام بایستند.
- (۴) اگر چند مرد و چند زن باشند مردها پشت سر امام و زنها پشت مردها بایستند.
- (۵) اگر امام و مأوم هر دو زن باشند، در یک ردیف بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.
- (۶) امام در وسط صف، و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.
- (۷) صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله و جای خالی نباشد و شانهای آنها ردیف یکدیگر قرار بگیرد.
- (۸) هنگام گفتن «قد قامت الصلاة» مأومین برخیزند و آماده شوند.
- (۹) امام جماعت حال ضعیف‌ترین مأومین را رعایت کند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد. مگر بداند همه‌ی مأومین راضی هستند.
- (۱۰) امام جماعت در قرائت حمد و سوره و اذکار صدای خود را به قدری بلند کند که دیگران بشنوند. ولی بیش از اندازه بلند نباشد.
- (۱۱) اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده و می‌خواهد اقتدا کند، رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، اگر چه بفهمد کس دیگری هم وارد شده و قصد اقتدا دارد.

م ۱۳۶۵- چند چیز در نماز جماعت مکروه است:

- (۱) تنها ایستادن در صف جماعت
- (۲) بلند گفتن اذکار توسط مأوم طوری که امام بشنود.
- (۳) اقتدای حاضر به مسافری که نمازش قصر است.
